باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۸۷۸۵
رده‌بندی دیویی:	۱۳۲۵ ب ۵۸۱ ح ۲۹۷٫۴۱۷۲
سرشناسه:	حسینی اردکانی، حسن بن حسین، ۱۲۸۱-۱۳۳۸ ق.
عنوان قراردادی:	
عنوان:	برهان المتقین و نیران الملحدین به ضمیمه رد صحیفه عدلیه
کاتب: تاریخ کتابت:	
محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر:	۱۳۲۵ ق.
صفحه شمار: ۱۹۲ ص.	مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان: فارسی ابعاد: ۲۲×۱۷	نوع خط: نستعلیق
روش تهیه: وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐	
توضیحات: حاج عماد	تاریخ ثبت: تیر ۱۳۱۰
یادداشتها:	رد بر صحیفه عدلیه از مؤلف در هامش کتاب آمده
موضوع(ها):	۱. شیعه - عقاید. ۲. باب، علی محمد بن محمد رضا، ۱۲۳۶؟ - ۱۲۶۶ ق. صحیفه عدلیه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.
شناسه(های) افزوده:	الف. عماد فهرستی، محمد مهدی، واقف. ب. عنوان.
فهرستنگار:	تاریخ فهرستنگاری: دی ۸۸

وقف نامه [stamp]

نفیس عاریه حاج عماد

۲۴۲۳

اسید زدائی شد
تاریخ ۲/۱/۱۷

۲۴۲۳ نفر

ب ۲۵۸۱ ح

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: برهان المتقین و نیران الملحدین - فارسی

مصنف / مؤلف: آقای حاج سید حسن یزدی

خطی / چاپی: سنگی نستعلیق طبع طهران

سال طبع یا تحریر: ۱۳۲۵ قمری — عدد اوراق: ۵۱ [illegible]

جزء کتب: حکمت — شماره: ۱۷۴

شماره عمومی: ۱۵۸ — شماره قبض: ۲۴۲۳

واقف: حاج علی [illegible] — تاریخ وقف: تیر ۱۳۱۰

طول: ۲۳ — عرض: ۱۷ — قطع: [illegible]

اسید زدائی شد ۱۹/۳/۸۷

سال ۱۳۱۸ خورشیدی بازرسی شد

اسید زدائی شد ۱۷/۱/۷۶

[illegible]

هذا سواد خط علم الأعلام ومفاد الإسلام وأستاذ الفقهاء العظام فخر العلماء الأعلام الحبر العليم الإمام الهمام الحجة الإسلام الحاج شيخ محمد تقي الأصفهاني النجفي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي شرح صدور العلماء العارفين بأنوار الحكمة والعرفان وأنطق ألسنتهم بالصدق والموعظة الحسنة
وجعلهم تبصرة ودراية وتذكرة وذكرى للهداية وفهّمهم أسرار المناهج الأئمة وأيّدهم بكشف الأسرار
العرفانية وأيّدهم بالعنايات الربانية ونصبهم لاستكشاف الحقائق القرآنية وجعلهم ورثة الأنبياء
والأئمة والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعترته الطاهرة صلاة باقية متكاثرة منضافة
متوالية إلى يوم القيامة وبعد فإن جناب العالم الفاضل الكامل البصير النحرير شيخ العلماء الأعلام
المجتهد البارع المستبصر بالآيات الفرقانية والعارف بالأخبار المأثورة المستنبطة من الأحاديث المعتبرة
الملقب بالقاب ... رحمه الله سعيد الدارين وكرامة النشأتين قد صرف أكثر عمره في تحصيل
المقاصد العلمية وتكميل الفضائل النفسية بتأليف الكتب المشتملة على المعارف الدينية وبيان الفرق
القرآن والبيانات المفصلة في بيان المواعظ الكافية الشافية وفي استقصاء الهداية الكافية المشتملة على
أصول المعارف الإسلامية نظرت في نبذة من البيانات الباهرة خصوصا كتابه المسمى بسحر الحرمين المشتملة على
الموعظة فجزاه الله سبحانه وأجزل له الأجر وعنى كلما صح لي روايته وتحققت لدي درايته من ألف
الصحيح بالطرق المتعددة المنتهية إلى المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين خصوصا الكتب الأربعة
المتقدمة الكافي والتهذيب والفقيه والاستبصار مع الجوامع الأربعة المتأخرة الوافي والعوالم
والوسائل وبحار الأنوار وما دونه في كتب مصنفاتي عن مشايخي بالطرق المعتبرة المتعددة عن
أقرب الطرق المتصل بالمرتضى بفيوضات الحجج البالغة المستفادة من حكمة العترة الطاهرة عليهم أفضل
الصلوات والتحيات وأرجو أن لا ينساني من صالح الدعاء في أدبار الصلوات وبعد مماتي كما لا أنساه إن شاء الله تعالى

حرر ذلك العبد الأثيم ... محمد تقي ... الأصفهاني النجفي

سال ۱۳۴۸ ... مشهدی
باز ... محمد

[illegible]

كتابخانه آستانه قدس

هذا
كتاب بوهر المتقين و
نزهة المتلحدين للنحوي المدقق سيد
العلماء الأعلام ونخبة الفضلاء العظام مروج
شريعة جده سيد الأنام مبين الحلال والحرام الطاهر بيت الله
الحرام الحاج سيد محمد حسين الفاضل القائني اليزدي مد ظله العالي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواحد الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد جل عن مشير و نظير وعن عون ومعين ووزير ورب متفرد عزيز متمكن بقوته متقدس بعلوه متكبر بسموه أين الأين وكيف الكيف فلا أين ولا كيف لا تدركه الأبصار وهو مدرك الأبصار مريد لطيف خبير عليم سميع حي قيوم حكيم بصير أزلي أبدي ذو البطش الشديد والقوة المتين لا يضاد في حكمه ولا ينازع في ملكه سبحانك اللهم عما يقول الظالمون وتعاليت عما يفترى المفترون علواً كبيراً أما أجرأهم على الله وأصبرهم على النار إذ شبهوك بما لا يليق بجنابك ويهتز به عرشك وسكان سمواتك ولعنتهم بلعناتك ولعنهم اللاعنون سبحانك سبحانك وحدك بما وحدت به نفسك وأنزهك عن كل ما نزهته عن جناب كبريائك فأنت كما أثنيت على نفسك ولطفت الأوهام وحارت الأفئدة والقلوب عن صفة ذاتك وفي بحر هويتك فلا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك لك الأمر والخلق وإلى جنابك راجعون وكل ما سواك مقهورون مربوبون ولك الحمد حمد الأبد الشكر على أن عرفتني نفسك ولم تتركني عميان القلب فعرفتني الأنبياء والمرسلين والأوصياء المقربين

[illegible]

هذا
زد الشحمة من لهيب
العالم الرباني ونفحة
الصمداني الحاج سيد
محمد حسين الفاضل القائني
اليزدي مد ظله العالي

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلى الله على محمد وآله و
اللعنة الدائمة على أهل البدع
والضلال من الأزل إلى يوم القيام
يا حجة بن الحسن عجل الله فرجك
أسأل الله أن يوفقني وبعد

[illegible]

الذمم

در ظهور صدق واخبار آل محمد علیهم السلام

باری دست از دین برداشته و اقدام ایشان از صراط لغزیده فرقه فرقه شدند و
بصریح اخبار مستفیضه داله بر امامت مخبر بن صادق طول غیبت علت قساوت قلوب
گردیده وَهَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ که در بسیاری از اخبار معتبره میباشد هلاک شدند
بواسطه ارتداد ایشان و بصریح صحاح معتبره دیگر لَابُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ اَنْ يُمَحَّصُوا و
يُغَرْبَلُوا حَتّٰى يَخْرُجَ كَثِيْرٌ مِنَ النَّاسِ فِي الْغِرْبَالِ که هزار و سیصد و نوزده سال پیش
از این خبر دادند و بعضی از آنها هزار و دویست سال قبل خبر دادند و بکذا
بتفاوت اعصار ائمه صادقین علیهم السلام که ظهور صدق این اخبار و امثال
آنها که اکثری از آنها را در کتاب مستطاب بهجة الانوار نوشته‌ام در هفتاد
سال قبل از این هویدا شد و هم چنین هر روزه ظاهر میشود انشاء الله بتمامی
محقق و معلوم شود و از زمان خروج آن باب ضلالت تا بکنون فوج فوج
هر یوم و اسبوع و شهر و سال از غربال تمحیص خارج میشوند و نیز خارج خواهند شد
تا نه قسم از شیعه اثنی عشری از اعتقاد بامامت حجة بن الحسن روحی و ارواح
العالمین له الفداء برگردند و لی اولیاء خدا بنور هدایت ائمه هدی مهتدی شدند و اولیاء
شیاطین که بلباس اولیاء الهی ملبس شده اند و ایمان عاریتی داشتند
و واجب است در حکمت که آن لباس عاریت گرفته شود و بلباس شیطنت که
لباس کفر و زندقه و لباس اصلی ایشان است در آیند و خلط و مزج برداشته
شود و محض حق و محض باطل هویدا گردد و بعد از آنکه باطل محض جدا شد و دیگر
در اصلاب و ارحام و اشخاص خلط و مزج باقی نماند وعده حق جل و علا که بصریح

[illegible]

وجوب امتحان خبیث از طیب

آیات عدیده که در اینباب مشار الیه ذکر کرده‌ام و برخی از آنها در این کتاب بشرح میرود
انشاء الله تعالی که با اولیاء خود و مؤمنین داده است چنانچه فرموده است
وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ دِینَهُمُ ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا
ظاهر شود و ایشانرا تمکین در ارض فرماید و نفاق و شقاق که لازمه خلط و مزج است
برطرف شود فلهذا امتحان و اختبار و افتتان که در آیات عدیده قرآنی است و
سنتهای قدیمه الهی است و اخبار آن متجاوز از تواتر است در آن سر نیز لازم و واجب
شد تا خبیث از طیب جدا شود بعلت آنکه هرگاه غربال تمحیص و افتتان بگردش نیاید
و تلبیس بلباس اسلام و ایمان باقی باشد تمکین مؤمنین در زمین که حضرت اقدس الهی
جل و علا بایشان وعده داده است صورت نه پذیرد و تبدیل خوف ایشان بامن
میسر نگردد زیرا که در حال سلطنت و غیبت اولیاء خدا اهل نفاق و شقاق ظفر
یابند و نیز اسباب ایذاء و صداع اهل ایمان باشند پس باین دلائل و دلیلهای
دیگر که از نص اخبار ذکر میشود واجب شد امتحان شیعه اثنی عشری تا خبیث از آن
طایفه و کسانیکه لباس تشیع عاریت داشته‌اند و از مستودعین بوده‌اند از
طیبین جدا شوند و تا حال چندین مرتبه ممتحن شده‌اند و منافقین خارج شدند
مثل آنکه بعد از حضرت صادق و کاظم علیهما السلام بغربال امتحان درآمدند
مستودعین خارج شدند بعضی واقفی شدند و پاره دیگر متفرق شدند بلکه در
حال حیوة حضرت صادق بعضی از اصحاب آنحضرت ملحد شدند چنانچه ذکر میشود ان شاء الله تعالی

چنانچه در تمام امم بوده است

وهم چنین بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بسیاری امتحان شدند
و با شک و حیرت مردند و بسیاری را جعفر کذاب برادر آنحضرت گمراه گردانید اینجا
هم امتحان شدند و بعد در زمان غیبت صغری نیز در غربال امتحان در آمدند بواسطه
جمعی از ملاحده و زنادقه از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری و غیرهم که ادعای
بابیت حضرت را نمودند چنانچه بتفصیل در فصل دوم این کتاب خواهی دانست انشاء الله
و بعد از آن مدتی زمان قرار گرفت و آن نوع بدعت مندرس و منقرض گردید دیگر
چه بدعتها و ضلالتهای قدیمه در میان مردم بود حتی آنکه جمعی از نصاری پادریان
کتبی در اضلال عوام از اهل اسلام نوشته و هم چنین فرق صوفیه لعنهم الله
دامها در راه عوام بوده و میباشند لکن علماء اخیار شکر الله مساعیهم الجمیله ردها
نوشته و آنها را با حجه و ادله مضمحل نمودند باز هم ضلالت آنها این طور نبوده
بر اکثری از عوام ظاهر بود تا در سنه هزار و دویست و شصت و سه یا بیشتر از
نو مکر شیطان جلوه کرد و غربال امتحان و تمحیص بگردش در آمد و عساکر ابلیس رجیم
بر رقاصی و عیاری و حیله وری و مکاری تجدید و بر جدید راه باطل را راست نمودند
و دوات خبیثه را داعی شدند تا از طیبین جدا شده با حبل خود دعوت نمایند و چون
مهارت شیطان در اضلال بنی نوع آدم بحد کمال رسیده پس لطائف الحیل
و مکاید خفیه او بحدی شده بحدیکه بسا اولوا الالباب مشتبه میشود لهذا ملعون ان لعنت
که طایفه اثنی عشریه را باسم امامان خود بهتر میتواند اغوا نماید خصوص در این زمان که
غیبت طول کشیده و هزار و پنجاه سال تجاوز است که از خط لقای امام عصر

[illegible]

وجوب رجوع عوام

وتمنای تشرف بشرف ساحت آنجناب روحی فداه در قلوب شیعیان بوده و جنابه
و چنان محب و شیدای امام خود میباشند که اگر یکنفر از ذریه ائمه خود را از در حوا
طلبند در ایام و سنین افتخار نمایند لهذا در سنه مسطوره میرزا علی محمد نامی را باب
ضلالت و دام اغوای خود گردانیده و تا بحال الطماعان و جاهلان که در اصل طینت
خبیث بودند و لباس تشیع بعاریت در بر داشتند از دین حق و صراط مستقیم
ولایت آل محمد علیهم السلام و از میان اولیاء خدا اغوا نموده بیرون برد
فنحمد الله تعالی علی ظهور ضد اولیائهم فی زماننا لیزداد یقیننا علی الیقین وتعرف طلوع
وظهور امامنا بانه لا کل من کانت طینته خبیثة اگر پرسی که هر گاه جاهلی بواسطه محبتی
که با امام خود داشته روی بان مبتدع ملحد گذاشته و از جهل خود ندانسته و
نشناخته پس باید عقابی نداشته باشد گوییم تفصیل جواب آن تفصیلی
دارد و مجمل آن اینست که بر عوام واجبست که تمسک بضروریات مذهب
داشته باشند و در طریق خطا نکنند و بدون دلیل و برهان پای از جاده
شریعت بیرون نگذارند و اخبارات وارده درباره اهل بدعت و ضلالت را
از خواطر خود محو ننمایند و علائم و دلایلیکه آل محمد از برای حجت الله و معرفت
آنجناب بیان فرموده اند حتی آنکه حضرت صادق میفرماید که ما علائم و نام
او و نام پدر بزرگوارش را بیان کردیم تا آنکه نگویند که ما او را نشناختیم
فراموش نکنند و همین قدر بدانند که خدا تکلیف بما بیان نفرماید و اطاعت
احدی را بدون نص بر او واجب نفرماید و اذن نداده است احدی را که افسار خود

[illegible] لا حول ولا قوة الا بالله [illegible]
[illegible]

بعلمآء ابرار و ضروریات مذهب

اطاعت و پیروی هر ناعقی نمایند و اهل ریاست و جاه و مال در نظر ایشان بیاید پس در صورت اشتباه رجوع بعلمآء ابرار که خبره دین و ایمانند نمایند و هرگاه آنها را متهم بحب ریاست نمایند رجوع بآیات و اخبار و ضروریات مذهب و اقوال علمآء گذشته و عقاید ایشان نمایند و فکر نمایند که اهل بدعت و ضلالت که مدعی منصبی میباشند و قول مدعی در هیچ باب مسموع نبوده و نیست و این مسلم تمام ملل و نحل است و جاهل هم که خودش اهل تمیز نیست هرگاه بنا باشد که رجوع بضروریات مذهب بکند و تفسیر آیات و اخبار را قبول بکند پس از این قرار باید مثل بهایم مکلف نباشد هرگاه بر خود هموار میکنی که مثل بهایم باشی و جهل بابی خود میدانی و الا بر عوام نیز واجب است نظر کردن همین قدر که میتوانند بدانند که مدعی مسموع القول نبوده و نیست و دلیلهای خدائی واضح و روشن بوده است بعد از آن پیش از این خرجهای فهمید باری چون در این زمان و قصه شدم و این نوع ضلالتها را دیدم و پاره از مزخرفات و اباطیل و اضالیل آنها که بر عوام القا میکردند دیدم و حذف و اسقاط زیاد که در اخبار ما کرده بودند مشاهده کردم بلکه اخبار جعلیه را برای ابلهان ذکر کرده آنها را اخبار تبیانیه نام گذارده بودند و باشعار شعرآء و رموزات غیر معلومه بخیال خود استدلال جسته بودند ملاحظه شد و هکذا امثال اینها که در محل خود اشاره میشود پس چندین وقت در خیال آن بودم که اشاره بنوع جواب نمایم تا شاید ابلهان از آنها حذر نمایند بر دیدم که منکر بدیهیات را چاره نیست و چون طایفه سوفسطائیه عنادی نیست بدیهیات را

در اینکه این طایفه بدل میرزائی ندارند

چگونه عاقل در آن سخن گوینده خلاف ضرورت ملت اسلام و مذهب اثنی عشریه که فساد آن
واضح و روشن است دیگر چه احتیاج بجواب و سؤال است و آنکه باطل اینها ندارد و بعد تعصب
از برای آن ابیات و کلمات بیهوده و سخنان لاطائل گفتن بر هر ذی روحی آسان است
دیگر آنکه این طایفه کلام با میرزائی ندارند و بی میزان و بی قاعده سخن گفتن آسان است و
هرگز صاحب آن مجاب نمیشود نیست که مثل این طایفه مضله علیهم اللعنه را بطایفه عصفوریه هم
گذارده ام چون مانند گنجشک از این شاخه بآن شاخه پرواز میکنند لهذا جواب اینها بتشبیه نیکو
شمشیر اول کلام در نیابت و امامت میرانند چون مجاب شدند میروند بنبوت و از آنجا
که مجاب شدند کلام در الوهیت جاری میکنند تا آخر که اظهار اتحاد و زندقه و تناسخ
میکنند پس جواب بهذه الطایفه معطله عین جواب و نفس صواب است چگونه میشود
جواب داد ایشانرا و حال آنکه یکی غولانی و میرزائی و لو باطل و فاسد هم باشد قرار نمیدهند
حتی آنکه در اثبات تاریخ گاهی بابجد حساب میکنند چون درست نیاید بزبر و بینات
تمسک جویند بدعای باطل ایشان چون راست نشود بعد نقطی بپردازند و هکذا تمام
کلمات اینها دعاوی کاذبه است پی در پی ذکر میکنند و چون طلب دلیل کنی گویند ما
بدلیل حکمت یا اولوا الالباب سخن داریم و هم چرا دیگرا باطیل آنها ابد است اهل
علم و نشان آنها ندهند و در زوایا و گوشها مانند روباه و عیاران شب بار عوام کالانعام را
بفریبند و ان بیچارهها را با افتراهای اینکه بر خدا و بر رسول و خلفا او می بندند عاجز
نمایند و چون آنها از حجت عاجز شدند بگمان حقیت کلام و اینکه دیگران نیز مانند شان عاجز
باشند گمراه شود لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و من در حیرت و تعجب که چگونه

بیان کرد خلاف قواعد است و دیگر آنکه [illegible]
و قول انشا با طبعی است [illegible]
بیان خرافات و کلمات [illegible]
بطلان عرب [illegible]
[illegible]
و لغت عرب و از قواعد نحو و صرف [illegible] است و قواعد نحو [illegible] از زبان

[illegible]

[illegible] شده است [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جستن و [illegible] الابدان را [illegible] اکثری [illegible] این دو چیز

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و نجم و گند [illegible]

[illegible]

[illegible]

شد و حال آنکه در [illegible] فرمودند که غلبت [illegible] شد زود باشد که [illegible]

[illegible] ادعای مشاهده نماید پیش هر کس که ادعای مشاهده نماید پس هر کس که

ادعای مشاهده [illegible] کذاب است و اخبار [illegible]

[illegible] بوده باشد و مخالف کتاب و ضروریات [illegible]

[illegible] بسته باشند [illegible]

[illegible] که [illegible] ظاهر شود پس هر [illegible]

[illegible] های باطل [illegible] دلیل [illegible] ثابت [illegible]

[illegible]

... انسان از ... [illegible] ... یا استغراب ...

... معلوم ... شده ... ثابت ... [illegible] ... شده و واجب است

... اشاره ... [illegible] ... موافق ...

وارده درباره حضرت ... [illegible] ... رواه مجهول

... علوم ... شیخ ... اخبار ... [illegible]

ارشاد ... [illegible] ... بسیار است و تمام ... غالب در فصول ...

... [illegible] ... اخبار ... سیدی بد ...

... [illegible] ... فرموده ... [illegible] ... که او ...

... [illegible] ... همین قدر ... ایشان دیدیم

... [illegible] ... طاهره در سنه ۱۲۳ روز اول محرم ...

... [illegible] ... سید محمد رضا فوت شد در شیراز ...

... میرزا السید علی ... [illegible] ... الخ و بر فرض صحت نسب و ...

بودن ... احکام ... [illegible] ... اخبار ... بسیار است و ...

در ... فصول ... [illegible] ... اول اخبار صحیحه صریحه بر تحذیر خلق

از متابعت کردن ... [illegible] ... خصوص سادات ... [illegible] ... و ... ایاکم و

الخوارج منا دوری کنید ... خروج کنندگان از ما یعنی سادات فانهم

علی شیء ... [illegible] ... و ... چیزی نیستند ...

... نمی باشند ... [illegible] ... دوم اخبار بسیاریکه در آن

[illegible]

در اخبار ائمه درباره اخبار از غیب

میفرمایند از برای [illegible] ارشادات و غیرها [illegible] پس غیب

انها و بزرگواری خود بشنید [illegible] اخباریکه در آن تصریح میفرمایند که

در غیبت حضرت قائم علیه السلام دوازده نفر از بنی هاشم ادعای مهدویت

میکنند و دعوت کنند چنانچه اخبار متواتره وارد در مذمت ایشان

وضلالت [illegible] بخصوص درباب ظهور مهدی

ادعا میکنند و آن [illegible] حضرت [illegible] که آن علوی [illegible]

اگر خود [illegible] که قبل از قیام [illegible] دون الله

و از جمله اخبار [illegible] حضرت [illegible] قائم است که تفصیل آنرا

با تمام و کمال [illegible]

مثلا که مورد آن آیات [illegible] جماعت [illegible] در این

نازل فرموده در سوره بقره در آیه ۷۹ فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم

ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمنا قلیلا فویل لهم مما کتبت ایدیهم وویل لهم مما یکسبون

یعنی پس وای یا ویل و وادی جهنم از برای کسانیکه مینویسند کتاب را بدستهای

خود و پس از آن میگویند این نزد خدا است تا بخرند بآن ثمن قلیل دنیا را و یا

و جاه آنرا که بر آن نیز مترتب میشود رسید متاع دنیا پس وادی جهنم از برای

ایشان است بجهة آنچه نوشتند بدستهای خود و وای بر ایشان از آنچه کسب

میکنند احوال چشم بصیرت بگشا و بنور دل کلام غیبی که حضرت

نازل فرموده است قبل از [illegible] آن هزار و دویست و هفتاد سال [illegible]

الم ذلک الکتاب لا ریب فیه [illegible]

انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون [illegible]

قرآنا عربیا غیر ذی عوج [illegible]

انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون [illegible]

وهذا کتاب مصدق لسانا عربیا لینذر الذین ظلموا [illegible]

شد و بسمع میول اصنعا قرآن و فهم الناس بینها نفید و انچنین [illegible] ای بدعت و ذرا چه از تفانا بیند

ابا هضل و اضاالسبیل را حجت خود قرار دهند که شرح نقطه از وال بقلع [illegible]

بدون خلجان شک و ریب بشنبه زیرا که ابطال کسی کتابی خوشت که [illegible]

بدهند بلکه اینها الله مصنف که خود تصریح میکنند که علماء بفهم آیات الله [illegible]

مجمل آیات الله و غیر مصنف آن قول و میان [illegible] بعید انجیسو دیگر [illegible] بعضی آیات [illegible]

چنانکه رسم [illegible] آیات الله [illegible] رسید [illegible] که نبوده زبان و [illegible] زبان [illegible]

این بر [illegible] و خدا آن را [illegible] آیات را [illegible] که [illegible]

خدا [illegible] آیات [illegible] را [illegible] پس وجود [illegible] خوانده

آیات [illegible] اینکه [illegible] را [illegible] بر حضرت خاتم [illegible]

ای مصنف [illegible] خواهی کنی قرار خود [illegible]

بکلام خدا [illegible] و معارف و بوطن آیات الهی است [illegible]

فخری در برهم بافتن کلمات بارده بکسی که غیر مربوط مخالف تمام قواعد عربیت و

ادبیت که نه معنی آن را حکمی باشد و نه لفظ آنرا حلاوتی و نه اعراب آنرا فصاحتی آیات

خدا که معجزه است علاوه بر حلاوت و طلاوت و حسن نظم و ترغیب و اشتمال

بر حکم غریبه و اسرار مخزونه یک اعجاز آن اخبار بمغیبات است و بعد وقوع آنها بهمان

طوریکه اخبار فرموده است مثل این آیه شریفه که حقیقه نزول آن معلوم نشده تا آنکه

این میرزا علی محمد باب مفصل مزخرفاتی بافت و بدست خود نوشت بلکه بنوشتن را

اقرار نمود و مدعی شد که در شش ساعت هزار بیت مینویسم مع ذلک آنرا کلام

[illegible]

در نزول شیاطین بر دروغ‌گویان

خدا دانست پس این کلام نیز مانند سایر کلمات آنها بعینه مثال قول ... مشهور است که
در ناقص مثل زنند و گویند که هیچ و پیش هیچ پس اگر کلام خدا نیست و اختلاف
آیات نیست بر آن کفر و زندقه است اگر گویند این مزخرفات مضحکه اعراب تو ال کلمات
اوست که بنحو الهام الهی بر قلم او جاری شده است میگوییم خصم را میرسد که بگوید
که بسبک کلمات غیر مربوطه و دعاوی کاذبه شاهد محسوسی است که اینها الهامات شیطانی است
که بر قلم او جاری ساخته و الهام او را در ضلالت انداخته و شاهد صدق کلام صدق مبین
حق تعالی است که میفرماید هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ
که مضمون آن اینست که شیاطین نازل میشوند بر هر بسیار دروغگوی بسیار گناهکار
و در تفسیر این آیه شریفه امام علیه السلام فرمودند که [illegible] شیاطین
بر رؤسای ضلالت نازل میشوند [illegible] و چون [illegible]
آنها را بیان کند و هر گاه آنها [illegible] ولی امر و امام عصر
عرفه دارند خواهد گفت که شیطان چنین و چنان القا نمود و پس بصریح آیه شریفه
و خبر مطابق آن ثابت شد که شیاطین جن را وحیهائی است از برای شیاطین انس
در رؤسای ضلالت و بواسطه غالب میشوند بر عوام و اغوا میکنند آنها را من حیث لا
یشعرون و بسط این مقال در احوال بابیه در زمان غیبت صغری و طایفه ملاحده در
فصول آینده خواهد شد ان شاء الله تعالی پس هر عاقلی که این کتاب را ملاحظه کند و این آیات و
اخبار و امثال آن که در این کتاب مستطاب مشروح میشود در آن تأمل کند البته البته
هدایت خواهد یافت مگر آنکه طینت طینت سجین باشد که با عرفان حق انکار نماید

بر قوم نبا تقریر [illegible] و در سوره انعام وکذلک جعلنا لکل نبی عدوا [illegible]

صادق [illegible] بعثت [illegible]

[illegible] میکرده [illegible] قوم نوح [illegible]

[illegible] از همه [illegible] نوح [illegible]

و آنها در قوم عیسی [illegible] مریم [illegible] که در امت محمد بود [illegible]

[illegible] شیاطین الانس والجن یوحی

بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا [illegible] فی علی [illegible] حدیث [illegible]

[illegible] الحق [illegible] شیاطین [illegible] ان [illegible]

[illegible] یوم [illegible]

[illegible]

سار [illegible] ذکر [illegible]

نوع بدعتها و ضلالتها درمیان [illegible] خواهد بود [illegible] جریان [illegible]

کما جرت فی الامم الخالیه ولن تجد لسنة الله تبدیلا [illegible] ما کان الله لیذر

المومنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب [illegible] ولیبتلی الله ما فی

صدورکم ولیمحص ما فی قلوبکم [illegible] ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم مثل الذین

خلوا من قبلکم مستهم البأساء والضراء الایه وقال [illegible] احسب الناس

ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون وقال ولقد فتنا الذین من قبلهم [illegible]

[illegible]

در علل توالد اهل بدعت و ضلالت

زنا شود اما [illegible] که [illegible] است تا متعارف و ذبایح میشوند و از آن [illegible] عنصر [illegible]
و خوار آنها [illegible] از آن ظاهر میشود حضرت بقیة الله عجل الله فرجه
روحی [illegible] چنانچه در زمان نوح تمحیص شدند و ثلث از قوم
[illegible] ذکر میشود [illegible] و علت دیگر در تزاید اهل کفر و [illegible] وقوع کثرت
و [illegible] بهشت [illegible] میشوند البته هر [illegible] و عدد کثرت
[illegible] که استعمال هر [illegible]
[illegible] شهر [illegible] فرسخ
[illegible] آن شهر و
[illegible] آن شهر را
بسوزاند [illegible] المسیحی [illegible] حکم میکند که
بعد از آن [illegible] چنانچه
[illegible] نطفه حرام [illegible] نطفه حرام بسیار منعقد میشود تا نوع
مختلفه و اقسام غیر متناهیه [illegible] که ذکر تمام موجب طول کتاب و خروج از وضع
میشود پس باید اکتفا نمود بدانکه نطفه از جوهر غذائی است که آدمی اکل میکند پس
بعضی از نطفه از جوهر شراب و عرق و سایر محرمات ذاتیه منعقد میشود و از آن موفق
بخیرات نمیشود و از آن [illegible] تزویج برادر و خواهر رضاعی است که زنان احتیاط
نمیکنند و تاریخ بر نمیدارند و یاد [illegible] میکنند جهت اغراض دنیویه پس [illegible]
برادر رضاعی زن و شوهر میشوند و اولاد آنچه بیایند در صورت تحقق تمام شرائط

[illegible]

اولاد زنا خواهند بود چنانچه در بعضی از شهرها شنیده شد بعد از موعظه و بیان احکام
رضاع جمعی نزد فقیر اقرار کردند و زنان شهادت دادند و از یکدیگر جدا شدند از حکایتیکه
دختران و پسران آنها عروس و داماد شده بودند و از جملهٔ اولاد زنا حکایت جوانان
امردو لواطه میباشد که در این عصر مسموع میشود که زیاد است و اخبار اشراط ساعت که زنان
با مردان اکتفا کنند [illegible] پس در صورت تحقق آن خواهر و مادر و دختر ملوط بر
لاطی حرام [illegible] جوانان با یکدیگر دارند خواهر یکدیگر را
تزویج میکنند [illegible] آن [illegible] لات با حکام دین در این صورت
از اولاد [illegible] عقد در عده میباشد با علم هر دو بعده
یا [illegible] وقوع مواقعه در عده که در این صورت
بر یکدیگر حرام [illegible] و منعقد شود اولاد زنا است و این
نیز در میان جهال زیاد میباشد در این باب مراقصه است که در آخر کتاب اکسیر الاخبار نوشته
ام نوع دیگر زنا با زن شوهردار است که حرام مؤبد میشود و بعد از مردن یا طلاق
دادن شوهر او از زانی زانیه را که حرام ابدی است بر او تزویج نماید پس آنچه اولاد آید
اولاد زنا باشد نوع دیگر حکایت بطلان حج نساء میباشد بفساد نماز آن که هر گاه
لباس غصب باشد که مال غیر باشد یا از عین زکوة و خمس باشد نماز باطل و حج نساء
فاسد و زنان عالم بر او حرام است اگر نایب بگیرد یا دو مرتبه خود حج بنماید و بدون آن پس در
صورت حرمت زن بر مرد هرگاه اولادی منعقد شود ولد حرام است و همچنین
وطی در حیض و نفاس و ظهار نوع دیگر اصل زنا است که اولاد زنا هم سه باقسام

اثر صحبت اهل بدعت و ضلالت [illegible]

الزنا نعوذ بالله من غضب الله و مثال آن نوع [illegible] آنکه شیطان در انعقاد [illegible]
او وجه مداخله میکند آن است که در وقت مقاربت هرگاه نام خدا را نبرند و بسمله نگویند
شیطان در نطفه شرکت میکند یا تمام ولد از نطفه شیطان منعقد میشود و یا نطفه
مرد با شیطان که [illegible] و همچنین اولاد دیگر از لقمه حرام منعقد شوند از اولیاء خدا نخواهند شد
بلکه غالبا از اولیاء شیطان میشوند و لقمه حرام اقسام لاتعد و لاتحصی دارد و شرح آن
اگرچه مناسب مقام است لکن از غرض ما خارج است از آنجمله لقمه که از مال ربا باشد
و نطفه از آن بسته شود و از غصب و [illegible] که از [illegible] حاصل شده غالبا بی تقوی بلکه
بیدین میشود و دیگر لقمه که [illegible] که غذائی و لقمه که از عین ظلم حاصل شده باشد خواه از
ظلم ظاهری باشد و خواه از ظلم باطنی [illegible] و همچنین آن [illegible] میشود
منعقد شود و دیگر [illegible] جیوه در
این زمان مع حفظ الایمان و قلة الاعوان [illegible] از غم و الم دارم
و چه بی اندازه شکایتها از [illegible] و این زمان [illegible] الا الله اشکو بثی
والی الله اشکو حزنی و فوضت امری الی الله [illegible] اینها مثال آن [illegible] داخل بدعت
میشود و اگر بدقت نظر نمائی غالب اهل بدع و ضلال خارج از واحدی از این اقسام نخواهند
جهت دیگر که از [illegible] دارند بی اعتنائی علماء ابرار با نقوم اشرار میباشد و
علت بی اعتنائی و عدم رد کلمات این فرقه کفر و زندقه آنها میباشد و هرگاه [illegible]
شبهه میبود هر آینه علماء اخیار رد آنها نموده بودند و رفع شبهات فرموده بودند
و اگر جاهلی گمراه شود از جهت جهالت در طریق معاقب خواهد بود ولی هرگاه مطلبی بود که

[illegible]

خواص عهد قدیم میراثست واجب [illegible] لذا بیان آن در دفع شبهات عوام [illegible]
در زمان غیبت صغری جمعی [illegible] خاصه شدند و کاذب و مفتری چون [illegible]
بعد و بر عوام [illegible] شبهه شد [illegible] در صحت طرد و تبری از ایشان [illegible] آمد ولی در
صورتیکه نفس ادعا [illegible] اگر شخص مدعی باشد ابطال باطل و تحصیل حاصل است
و آن قبیح است مثلاً اگر کسی ادعای الوهیت نماید و یا مدعی نبوت و یا امامت شود
بضرورت مذهب اسلام نفس ادعای الوهیت کذب و مبطل او میباشد چنانچه نفس ادعا
کذب و بطلان [illegible] تحصیل حاصل است و آن قبیح است
مانند اگر کسی ادعای الوهیت یا مدعی نبوت و یا امامت شود نبوت بعد از رسول
خاتم [illegible] روایت و بضرورت مذهب شیعه اثنی
عشری [illegible] کذب او است و لازم
مبیان کردن [illegible] مشغول ایشان باشد بجهة واضح بودن فساد
آن [illegible] جاهل عذر او در ذکر ایشان از برای خود آگاه میکرد مثل
آنکه هرگاه تو بچشم خود دریائی را در آتش مشاهده کنی و آنها را عیاناً و محسوساً در روز
روشن ملاحظه کنی و بعد گرفتار شوی بمنافق علیهم اللعنه که [illegible] و براهین اقامه
نماید بر عدم آن و تو از عهدهٔ جواب بر نیائی نمیتوانی بمجرد عجز خود قول او را حق
دانسته چشم از محسوس خود بر داری مثل آنکه فرضاً گوید که این دریا و نار را
خیال کرده و محض وهم تو است و چون تمام خلق گفته اند که این دریا است تو
نیز تقلید ایشان نموده دلیلی بر آن نداری اگر گوید دلیل من آنست که از این آیات

[illegible]

ومُبطِل مدعی باشد بطلان [illegible]

انسانیت هم رفع عقلشان شد و بخشم خود می‌خیزند و حرقت آتش [illegible]
وبهم احساس سکنه آن زندیق و در جواب متبسم کنند و از راه تمسخر لب بدندان گزند
و دست برهم زنند و گویند هیهات هیهات هنوز در قید تقلید مقیدی و موهومات را
محسوسات نام گذارده تقلید [illegible] معنی دریا و نار و خرف [illegible]
از حال رفت بر تو گذارم و اسرار قدم که علمای ما [illegible] رحمه علیک ابراز دهم
[illegible] اگر این سر را فاش بکنی که الواح الکوان تاب تحمل [illegible] نه نکنی
ظاهر نما هر دریا دریای رحمت است که رحمت [illegible]
و بار یکدیگر رخت اند و حرکات یکدیگر [illegible] موسی عین فرعون و [illegible]
موسی العیاذ بالله [illegible] باشد [illegible]
ابداه است از محسوس خود او را [illegible]
از همین دریای محسوس و نار محرق معانیه [illegible]
میسکردم تا بر عوام فاش و ظاهر شود که امر محسوس را نتوان به تعریف
مستعجب و تأویلات بارده و معانی مزخرفه از نظر عوام محو نمود چنانچه
مار را نبار عشق معنی نماید و پیر آنها را او به بندد **فصل** چون بنستی علل عدم اعتنا
علمای ابرار و علماء هم نوشتن کتابی در رد آنجماعه زنادقه را پس بدان که فقیر
بچند جهت برخود لازم دانستم که در مقام رد و اعتراض آمده باشم اول
آنکه متشابهات در آیات و اخبار کرده اند و آنها را بتأویلات بارده بر عوام مشتبه
گردانیده و در ذهن اسلام آنها را متزلزل گردانیده اند و همچنین اخبار جعلیه

در ذکر حذف و اسقاط این طایفه اخبار را

اسقاط را در کتب خود نوشته اند و از این جهت عوام را فریب داده اند و قد [illegible]
آنکه دوست [illegible] خبر [illegible] و حذف [illegible] ذکر کرده اند مثل آنکه در حدیث [illegible]
الفا الف اسقاط نموده اند و رجا را قرار دهند و چند فقره می کنند [illegible]
لتبین اثاره يظهر آثارها ذلك مثل و آن نوشته اند و کذا دیدیم واجب است که بعضی
اخبار را نقل و حذف و اسقاط آنها را بر عوام واضح کنیم و بعضی از کلمات واهیه
که بعنوان برهان و دلیل ذکر کرده اند روشن نمایم که آنها محض از عوف [illegible]
و دلیل [illegible] آنها و نیست نزد همین کتابی از این
[illegible] الامل [illegible] و بعضی از کفریات آنها که در فقرات
[illegible] کتاب را ترتیب بر فصول و ابواب
[illegible] المقنع فی [illegible] الملحدین [illegible]
[illegible] آیات ضعفا و ارشاد جهال است که در آن
اجر جزیل و ثواب جسیم میباشد و اخبار بسیار در آن وارد است چنانچه در تفسیر
امام حسن عسکری و احتجاج طبرسی علیه السلام مذکور است و بسیاری از این
اخبار را در کتاب فلاح الایمان و زناد الاشجان که بطبع رسیده و منتشر است
در باب حق علما و که حق ایشان اعظم است از حق والدین نسبی ذکر کرده ام
و در اینجا از آن کتاب چند خبر ذکر نمایم تا جهت ازدیاد شوق علما ابرار و فقها
اخیار شود و در مقام اغاثه ضعفا از ایدی مبدع و ضلال بر آیند حضرت امیر المؤمنین
فرمود من قوی مسکینا فی دینه ضعیفا فی معرفته علی ناصب مخالف

در ثواب فریادرسی ضعیفان [illegible]

فاما لقنه الله یوم یکون فی قبره [illegible] خدا [illegible] اورا

قبر میگفتند که بگوید خدا پروردگار من است و محمد صلعم پیغمبر من است علی ولی و امام

من است و قرآن حجت و توشه من است و مؤمنان برادران منند پس خداوند

درست حجت خود را ادا کردی و نیکو جواب دادی فوجبت لک اعالی

درجات الجنة فعند ذلک یتحول علیه قبره انزه ریاض الجنة و بعد از آن

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] فرمود [illegible]

دست [illegible]

[illegible] فکانما احیا الناس

فرمود فمن احیاها وارشدها من ضلالها فکانما احیا الناس جمیعا

من قبل ان یفنیها بسیوف الحدید [illegible] حضرت [illegible] فرمود [illegible]

فی کثیر المواضع لمساکین الموالین لنا اهل البیت یکسر هم عنهم و یکشف

عن [illegible] ویستر عوراتهم ویختم امر محمد وآل محمد جعل الله همه الذی

الجنان فی بناء قصور ودور یستعمل بکل حرف من حروف حججه علی اعداء

الله اکثر من عدد اهل الدنیا املاکا قوة کل واحد یفضل عن حمل

السموات والارضین فکم من بناء وکم من قصور لا یعرف قدرها الا رب

العالمین وقال علی بن موسی الرضا علیهما السلام افضل ما یقدمه العالم من محبینا

وموالینا امامه لیوم فقره وفاقته وذلته ومسکنته ان یغیث فی الدنیا مسکینا

در ثواب فریاد رسی ضعفا

مجیبنا من ربنا [illegible] ولیس له یوم من فئة وما لا یقدر [illegible]
الی توضیع [illegible] من جبال انه یحملونه علی اکتافهم [illegible]
الکلاب عن الابرار و یا ایها المتعصب الا [illegible] الاخبار [illegible]
رفع شبهات قوم اصحاب از قلوب ضعفا و عوام [illegible]
خود نمایند و از سوء عذاب الهی خائف شوند و از اهل شبهات [illegible]
آل محمد علیهم [illegible] که هر که [illegible] از آتش غضب الهی [illegible]
[illegible] طاغوت [illegible] اخبار وارده [illegible]
[illegible] انجام [illegible] الهی که [illegible]
[illegible] در کتاب [illegible] کافی از حضرت
رسول [illegible] است که فرمودند نزد هر بدعتی که بعد از من پیدا
شود که [illegible] از اهلبیت من موکل بر آن باشد که آن بدعت را
دور گرداند و از جانب خدا ملهم شود در رد آن بدعت و حق را ظاهر سازد و واضح و
نورانی گرداند و کید کائدین را دفع نماید و از جانب ضعفا جواب گوید یعنی جواب
بدعت بدهد و زبان ضعفا که عاجزند از جواب دادن بوده باشد و بعد حضرت فرمودند
فاعتبروا یا اولی الابصار و توکلوا علی الله پس در اینمقام فصلی قرار بدهیم و
اول بعضی از آیات و اخبار وارده بر مذمت اهل بدعت و ضلالت [illegible]
ذکر نمائیم شاید عوام و جهال از خدا ترسیده از آنجماعت دوری کنند و تا آنکه یقین
نمایند که در تمام امم سالفه اهل بدعت و ضلالت بوده اند پس عقب صفحه [illegible]

[illegible]

بیان ادعای ایشان از دعوت [illegible]

[illegible] تعالی و بعد فصلی در ذکر حدیث حضرت صادق وارد است در تکذیب [illegible]

[illegible] و تصریح کرده‌اند و بر طایفه باطنیه علیهم اللعنه و بعد [illegible]

[illegible] مدعی نیابت و بابیت شده و بعد [illegible]

[illegible] بیان المتشابهات و مفوضه [illegible]

[illegible] و بعد فصول دیگر در مطالب [illegible] از امتحان و تفحص [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] و ترقیات [illegible]

[illegible] در محل و مقام [illegible] قال الله تعالی

[illegible]

[illegible] و اولیا خدا

[illegible] و همچنین [illegible]

[illegible] بر روی [illegible]

[illegible] تلاوت کردند و پس [illegible]

[illegible] یعنی [illegible] صاحب

[illegible] بر خدا افترا بندد و یا بر رسول و [illegible] او

[illegible] خواهد بود [illegible] حضرت معلوم میشود که مراد تمام [illegible]

[illegible] تمام [illegible]

[illegible] تناسخ و اتحاد باشد که دعوی الوهیت [illegible]

[illegible] طایفه باطنیه [illegible] بابیت شده [illegible]

[illegible]

در ذکر [illegible] که [illegible] از طایفه خبیثه بابیه میباشند

از دین باب پس [illegible] و این آیه شریفه [illegible] و انتم هم واره در ذیل

[illegible] خواهند بود تا [illegible] با [illegible] اسلام [illegible] آنچه [illegible]

[illegible] این آیه شریفه [illegible] زیرا که شیعیان [illegible]

منتظر [illegible] بکمال [illegible] سال [illegible] است که ایشان را فریب میدهند که عنقریب [illegible] خواهند [illegible]

برای [illegible] ایشان [illegible] نشسته [illegible] غلط است و جمع کرسی نیامده است [illegible]

باب را که [illegible] ندارد [illegible] ترقی داده [illegible] مانند گوساله پرستان خدا [illegible]

[illegible] فرا [illegible] داشته [illegible] که این طایفه مضله [illegible]

[illegible] از کفره فجره [illegible] قرآن در دار دنیا ذلت و در آخرت

[illegible] پس چه چند هزار نفر از شما و آبا و اجداد کفره شما

[illegible] را [illegible] سبیل آنها خواهید کردید [illegible]

[illegible] ما یکون للانسان مشرکا فالمبتدع

اذا فاحب علیه و ابغض یعنی [illegible] که بواسطه آن آدمی مشرک بخدا میشود

که بدعت گذارد و رای او خیالی را [illegible] نزد خود و بر آن حب و بغض قرار دهد [illegible]

[illegible] پس چه خواهند بود حال کسانیکه یکبار دست از دین خدا برداشته و خیالات

واراء فاسده و کلمات [illegible] و ساوس این طایفه مضله شریعت مطهره را

سر انداخته و چیزی از اسلام را باقی نگذاشته اند [illegible] ایشان از آتش سوزنده

و عقاب ابدی و [illegible] کلام اینها اغوا شوید فی الجمع ایّما داعٍ دعا الی

ضلالة فاتبع علیه ان علیه مثل اوزار من تبعه من غیر ان ینقص من اوزارهم

در فرق شیاطین [illegible]

در [illegible] قرآن هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین تنزل علی کل افاک اثیم یلقون السمع واکثرهم کاذبون فی الکافی عن الباقر ع لیس من یوم ولا لیلة الا وجمیع الجن والشیاطین تزور ائمة الضلال ویزور ائمة الهدی عددهم من الملائکة حتی اذا اتت لیلة القدر فهبط فیها من الملائکة الی ولی الامر خلق الله او قال قیض الله من الشیاطین بعددهم ثم زاروا ولی الضلالة فاتوه بالافک والکذب حتی لعله [illegible] [illegible] است [illegible] اخبرکت بکذا وکذا حتی [illegible] التفسیر [illegible] لا تتبعوا اهواء [illegible] نزلت فی الذین غیروا دین الله [illegible] اهل [illegible] واخذوا [illegible] الذین [illegible] المعانی عن الباقر ع فی هذه الآیة قال [illegible] قوم قد ضلوا من قبل واضلوا کثیرا وضلوا عن سواء السبیل [illegible] الم تر انهم فی کل واد یهیمون القمی یعنی [illegible] بالاباطیل ویجادلون بالحجج المضلین وفی کل مذهب یذهبون یعنی بهم المغیرین دین الله [illegible] که صریح است [illegible] وآیات فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمنا قلیلا فویل لهم مما کتبت ایدیهم وویل لهم مما یکسبون ان الذین فرقوا دینهم لست منهم فی شیء انما امرهم الی الله ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون در [illegible] از [illegible] از حضرت صادق ع روایت کرده است که امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] خواند [illegible] جدا شدند از دین

در ذکر [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

روایت کرده است [illegible] از این امت اند و در

حدیث نبوی [illegible] و سه فرقه شوند [illegible]

[illegible] و آنان [illegible] و من اظلم ممن

افتری علی الله کذبا [illegible] الناس [illegible]

ان الله [illegible] حضرت با قرآن [illegible]

[illegible] مستغرق [illegible]

در [illegible] حضرت [illegible] است که [illegible] او گرفته و از [illegible] جدا

[illegible] و [illegible] و بعد از

[illegible] آیه [illegible] شد که کیست که

[illegible] و من اظلم

ممن افتری علی الله کذبا او قال اوحی الی ولم یوح الیه شیء ومن قال سانزل مثل

ما انزل الله یعنی کیست ظالمتر از کسیکه افترا بر خدا بندد و یا که بگوید وحی میشود بسوی من

و حال آنکه وحی نشده است باو و کیست ظالمتر از کسیکه بگوید زود باشد که نازل کنم

مثل آنچه را که خدا نازل کرده است این آیه شریفه نظر بانچه حضرت صادق ع در شان عبدالله بن

سعد بن ابی سرح برادر رضاعی عثمان نازل شد و چون بمدینه آمد و اسلام آورد و خط

نیکوئی داشت و آنچه بر حضرت رسول نازل میشد باملاء حضرت مینوشت چون نازل

میشد ان الله عزیز حکیم او مینوشت علیم حکیم و [illegible] و بار [illegible] میشد

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلی الله علیه [illegible] حدیث [illegible]

روایت کرده است که فرموده [illegible] کسی است که [illegible]

[illegible] حقیقتا به شریعه [illegible] در باره [illegible] کفر [illegible]

[illegible] مثل قرآن است [illegible] قرآن [illegible] و با آیات قرآن [illegible]

[illegible] مخلوط میکنند و از این جهت عوام را اغوا کرده گمراه میسازند [illegible]

[illegible] بر عوام واجب است که [illegible]

[illegible] اخبار [illegible] فصل

[illegible] بدعت و ضلالت و اگر [illegible] آتش [illegible]

در کتاب [illegible]

[illegible]

فرموده [illegible]

شد و [illegible] بدعت [illegible] کتاب خدا را [illegible]

و آن بدعتها و حکمهای مخالف کتاب خدا [illegible] مردان [illegible] دوستی کردند

[illegible] پس اگر باطل خالص بود [illegible] صاحبان عقل نبود و اگر حق خالص بود [illegible]

نبود و لیکن گرفته میشود از حق چیزی و از باطل چیزی پس آنرا ممزوج و مخلوط میکنند در

[illegible] پس از این جهت است که غالب میشود شیطان بر اولیاء خودش و [illegible]

[illegible] پس دانستی که هر چیزیکه مخالف کتاب خدا باشد بدعت است [illegible]

[illegible] غالب میشود [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] الاسلام [illegible]

در مذمت اهل بدعت

تعظیم کند پس سعی کرده است در خراب کردن اسلام و در آن کتاب از حضرت رسول مرویست

است که فرمودند ابی الله لصاحب البدعة بالتوبة یعنی صاحب بدعت توبه وی قبول

نمیشود عرض شد که [illegible] فرمودند انه قد اشرب قلبه حبها یعنی

آلوده است و محبت بدعت قلب او را گرفته است یعنی از دوستی بدعت بر نمیدارد و در

آن کتاب است از آنجناب صلی الله علیه و آله فرمودند نزد هر بدعتی که بعد از من پیدا شود

و اهل آن ضرر رسانند ناصر و ولیی از اولیاء من موکل بر آن باشد که آن بدعت را

دور گرداند و از [illegible] بدعت و حق را ظاهر سازد و واضح

نماید [illegible] از او [illegible] ضعفا جواب گوید یعنی جواب اهل

بدعت [illegible] بوده باشد فاعتبروا یا اولی

الابصار [illegible] و در نهج البلاغه حضرت امیر المومنین

فرمودند [illegible] دو طایفه میباشند اول

آنکه دیست که خدا [illegible] گذاشته باشد پس او بیرون رفته باشد از

حق مشغوف بکلام بدعت و مشغوف باشد [illegible] داشته باشد بکلام بدعت و

نماز و روزه کند پس فتنه است و ضلالت است از برای کسانیکه مفتون

و فریفته او شوند و گمراه است از راه پیشینیان خود و گمراه کننده است کسانیرا

که اقتدا باو کنند [illegible] در زندگانی او و بعد از مردن او و یعنی اقتدا

کنندگان بوی [illegible] گمراه اند [illegible] خطایا غیره [illegible]

از [illegible] معلوم میشود که تمام [illegible] آنها هم بر دوش وبال میشود بدون [illegible]

[illegible]

در بیان بدعت و [illegible]

نسبت [illegible] نمودنا آخر جمیع شرعی [illegible] قرآن [illegible] است و رسول [illegible]
فرموده [illegible] بدعت است [illegible] کل بدعة ضلالة و کل ضلالة سبیلها
الی النار [illegible] ضلالت گمراهی است [illegible] ضلالتی [illegible]
جاهلی [illegible] بدعتها که از هر بدعتی [illegible]
که حضرت [illegible] تو بهتها کشیدند [illegible]
قرار دادند [illegible]
دست بر داشتند [illegible] حضرت [illegible] تا دل آن [illegible]
بدو ختم [illegible] لا اله الا الله در
الکتاب حضرت [illegible]
من نظر برایه هلک [illegible] ترک کتاب الله و
بتغییر کفر یعنی [illegible] خود [illegible]
و هر کس ترک کند اهل بیت پیغمبر [illegible] کتاب خدا را و
فرمایش پیغمبر خود را [illegible] هوای خود را گرفتند و اهل بیت
پیغمبر خود را واگذاردند [illegible] کتاب خدا را ترک کردند و گفتند حرام
است نگاه کردن در قرآن [illegible] پیغمبر [illegible] حضرت [illegible]
نام گذاردند [illegible] از حضرت [illegible]
هر کس فتوی دهد مردم را برای خودش [illegible]
ومن دان الله بما لا یعلم فقد ضاد الله حیث احل و حرم فیما لا یعلم

در رد تعریف و بنای حکما

قسمی شود و دین خود ... آنچه را که خدا ... تحقیق آن ضدیت کرده است با خدا ...

زیرا ... کرده و ... تحقیق ... کتب ... [illegible]

کرده ... فرمود ... بائمة الاولین بالسنة یعنی ...

... بر حرف ساخت الله الرحمن ...

گذشته ... اصول و فروع دین پیغمبر ما صلی الله علیه و آله را برانداخته ...

شریعتها شدند ... [illegible]

شریک بودند ... اعتقاد و دین ... [illegible]

ابدان ... [illegible]

از خدا ... [illegible]

بر خدا ... [illegible]

با اینقدر آیات ... [illegible]

متواتره و ضروریت تمام شما را اعتقاد بعالم آخرت و ثواب و عقاب آن چه ...

بلی ... فلا ایمان له و تعجب از خودم دارم که چگونه در جواب ...

ایشان ... ایستادم لکن چکنم که اینها ... اعتقاد خود را بعوام ...

آیات و اخبار را تجویز اگرچه صریح در بطلان خودشان باشد محض شبهه کردن ...

ایمان ... در جان خوب تامل کن در آیات و اخبار و آیات با نهایت ...

... مثل ... قل لئن اجتمعت الانس و الجن ...

... علیها السلام ... که خودشان ذکر کرده اند ...

وجوب بیان بر خدای تعالی

[illegible] که غیبت نموده [illegible] حجت الهی دانسته اند [illegible]
[illegible] آنها گذشت و مادرش فاطمه [illegible] نام حضرت و نام پدرش نام حسن عسکری
مذکور است و مراد از [illegible] آنحضرت غایب است که با آباء و اولیاء خدا [illegible]
[illegible] که با پسر [illegible] محمد بود و کنیه [illegible] رضا پدرش امام حسن عسکری
بود [illegible] حجم کن و خود را مستوجب عذاب ابد [illegible]
[illegible] کلمه حق [illegible]
مرا مشاهده کنی [illegible] برای حضرت [illegible]
[illegible] نجات [illegible]
واجب است بر خدای تعالی بیان [illegible] و تعریف [illegible] حجت بر بندگان و در کافی
بجهة آن قرار داده است [illegible] از حضرت صادق است
که فرمود [illegible] الله [illegible] و هم چنین از آنحضرت
سؤال شد [illegible] صنع الله [illegible] العباد فیما صنع و چندین
خبر دیگر هم [illegible] که بر خدا واجب است
که حجت [illegible] است که میگوید بیان خود [illegible]
[illegible] این سخنان [illegible] که از [illegible]
صادر شده این اخبار را ذکر میکنیم و در [illegible] از [illegible] روایت شده است [illegible]
لیس للعباد فیها صنع المعرفة والجهل والرضا والغضب والنوم [illegible]
و نیز [illegible] دیگر قرار داده است [illegible] بر خلق و از آنحضرت روایت کرده است

وجوب تعریف و بیان بر خدای تعالی

فرمود لیس علی خلقنا ان یعرفوا و للخلق علی الله ان یعرفهم ثم له علی الخلق اذا
عرفهم ان یقبلوا یعنی واجب نیست بخلق که بشناسند و بر خلق است بر خدا
آنکه بشناساند ایشان را و بر رای خدا بر خلق است که چون شناسانید ایشان را اینکه قبول نمایند
حال میگوییم که در وقتهای غیبت معلوم شد و مطلب دیگر هم معلوم شد که از شناختن حق و
دلیل باید اطاعت کنی مطلب سیم هم معلوم شد که آنچه را دانستی حقیت آن بدلیل
و [illegible] که بهروی نمایی پس [illegible] از خدا که [illegible] واضح
و [illegible] حقیت معلوم شد [illegible] حدیث شریف [illegible]
و آن [illegible] و در این زمان [illegible]
[illegible] و [illegible] ایشان است و
نیز [illegible] آنحضرت و [illegible]
تا دلیل [illegible] حدیث [illegible]
روح آنحضرت شده [illegible] باشد پس [illegible] آن بعد از هزار و دویست [illegible]
شد حجت بزرگی است بر عوام و قطع عذر ابطال [illegible] و اتمام حجت است بر [illegible]
و واجب است که شیعیان غالبا در عربی و فارسی آن تامل کنند بلکه اقلا هفته یکمرتبه
آنرا بخوانند تا قلب ایشان دائما مطمئن بوده باشد و شکوک و شبهات در قلوب آنها
راه نیابد و وحشت از طول مدت غیبت و ضلالتها نکنند بلکه هرگاه نه عشر و نه قسم از شیعیان اثنی
عشریه مرتد شدند قلب آنها بر حقیت آل محمد علیهم السلام مطمئن تر شود و قطع بصدق ایشان
مرتدین حاصل کنند بعلت آنکه تمام آنها را خبر دادند و مطابق شد با خبرهای اهل بیت عصمت

در ذکر حدیث حضرت صادق و اخبار ما

و این حدیث شریف از کتاب مستطاب کمال الدین شیخ الطائفه قدس سره و در کتاب [illegible]
الغیبه نوشته اند و در این مقام آنرا ترجمه میکنم و مضمونش این است که [illegible] حدیث شریف
از [illegible] که فریب خورده و اغوا شده اند بر گردانیده [illegible] هم [illegible]
[illegible] بینند که آل محمد علیهم السلام [illegible]
[illegible] پیش از [illegible] داده
[illegible] باقی نباشد [illegible]
[illegible] و یحیی بن [illegible]
[illegible] که گفت [illegible]
[illegible] ابان بن تغلب [illegible]
که بر روی خاک نشسته [illegible]
و آستین آن کوتاه بود و آنحضرت [illegible]
باشد [illegible] مبارک آنحضرت را [illegible]
عارض آنجناب ظاهر [illegible] کرده بود و قطرات اشک از دیده آنحضرت
جاری بود و [illegible] کرده بود و [illegible] آنحضرت را [illegible] آنحضرت [illegible]
خواب را از [illegible] دو [illegible]
[illegible]
متصل گردانید و یکی یک مفقود شد [illegible] و تمام میکند جمع [illegible]
نمیکنم اشکی که از چشم جاری [illegible] و آه ها اند و هرکه از سینه [illegible]

در ذکر مصیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام

زشت و بدی سالفه رسیده کما آنچه را که تلافی میکنم از دواهی عظیمه و فظیعه آینده
و مصائب باقیه که آمده اکثر و اصعب است از گذشته‌ها و نوازل و بلاهای نازل شونده
که مخلوط است بغضب الهی و معانیکه ممزوج است بسخط تو عرض میکنم و سدیر گفت
دلالت صریحه ظاهره دارد بر آنکه مصائب و بلاهای حضرت قائم اعظم و اصعب است از
تمام مصائب گذشته بلکه اطلاق کلمات دلالت دارد بر اعظمیت مصائب حضرت از
مصائب [illegible] آنجناب علیه آلاف التحیة و السلام پس سدیر گوید پس عقلهای ما از
[illegible] بجهت جزع و فزع از آن امر هائل و داهیهٔ حادثه
[illegible] گمان نمودیم که علامتی از روزگار [illegible] و مصیبت تازه بآنحضرت رسیده است
پس [illegible] فرمودند [illegible] چشم مبارک شما را گریانیده ام
[illegible] جاری گردانیده است که مانند باران
عبرات [illegible] حالتی آن ماتم را ابتداء لازم گردانیده است
پس حضرت آه طولانی از دل پر درد برآوردند و فرمودند صبح امروز نظر کردم در
کتاب جفر و آن کتابی است که مشتمل است بر علم منایا و بلایا و علم ما کان و ما
یکون تا روز قیامت و خداوند آنکتاب را مخصوص محمد صلی الله علیه و آله و امامان
بعد از او گردانیده است و تأمل نمودم در ولادت امام غایب از ما و غیبت آنحضرت
و طول غیبت و طول عمر آن بزرگوار و بلاهای مؤمنین در آن زمان غیبت و
تولد شکوک و شبهات در دلهای ایشان از طول غیبت آنحضرت و
ارتداد بسیاری از ایشان از دین خود و انداختن و دور گردانیدن ربقه

اسلام

[illegible]

سلام از گردنهای خود آنچنان رتبه که خداوند جل ذکره فرموده است که وکلّ
انسان الزمناه طائره فی عنقه ومراد ولایت است پس چون آنها را اشاره کردم
پس رقت مرا دست داد و احزان بر من مستولی شد پس عرض کردیم یا ابن رسول
الله گرامی دار ما را و تفضل فرما بر ما باینکه شریک گردانی ما را با وجود مبارک
خود در بعضی از آنچه رسیده است از آن علم یعنی بعضی از آن علوم را برای ما بیان فرما حضرت
فرمود بدرستیکه خداوند عالم تبارک و تعالی اراده فرموده است از برای قائم ما سه چیز را
که اراده کرده است آنها را از برای سه پیغمبر از انبیاء [illegible] ولادت حضرت
موسی قرار داد و غیبتش را نظیر غیبت حضرت عیسی و ابطاء و دیر غیبت را
نظیر ابطاء استجابت دعوت نوح [illegible] قرار داد و [illegible] آنحضرت
بعد از اینها عمر عبد صالح حضرت خضر [illegible] پس عرض
کردیم یا ابن رسول الله کشف کن معانی این ابیان را [illegible] فرمود اما
مولد موسی علیه السلام پس بدرستیکه چون فرعون واقف شد باینکه زوال ملک او
بر ید حضرت موسی علیه السلام میباشد پس امر کرد باحضار کاهنان پس دلالت کردند
او را بر نام و نسب آنحضرت و اینکه انتساب از بنی اسرائیل میباشد و امر کرد فرعون اصحاب
خود را که شق بطون حوامل نمایند و دلهای زنان حامله بنی اسرائیل را بشکافند تا
آنکه بیست و چند هزار مولود در اتقتل آورد در طلب حضرت موسی و قادر نشد بر قتل آنحضرت
بواسطه حفظ الهی او را هم چنین بنی امیه و بنی عباس چون واقف شدند که زوال
ملک سلاطین و جبابره ایشان بر ید قائم از ما میباشد با ما نصب عداوت نمودند

دشمنی در میان قتل آل رسول الله [illegible] اراده اباد نسل آنحضرت نمودند بود شد

وصول تعقل آنجناب خدا تعالی امر آنحضرت را از برای احدی از ظلمه قرار نداده بیت و

ابا دارد دیگر آنکه تمام کند نور خود را اگرچه کراهت دارند مشرکان وامّا

غیبت عیسی ع پس بدرستیکه یهود و نصاری اتفاق کردند که آنحضرت کشته شده است

پس تکذیب کرد خداوند آنها را بقول خود چنانچه فرمود وما قتلوه وما صلبوه

ولکن شبه لهم یعنی [illegible] نه ایشان و بر دار نکشیدند ولکن اشتباه شد از

برای ایشان [illegible] غیبت [illegible] صلوات الله علیه پس بدرستیکه این امت

زود باشد که منکر شوند آن غیبت را [illegible] غیبت [illegible] ضعیف و بعید

[illegible] متولد شده و از دنیا رفت و جمعی

کافر شوند [illegible] جمعی از دین خارج شوند

گویند [illegible] عاصی شوند بخدا و طغیان کنند و میگویند

روح قائم تکلم میکند در هیکل غیری عرض میکنم مراد از دو طایفه اخیره فرق باطنیه

[illegible] علیهم اللعنه میباشند که قائل بانتقال روح آنحضرت شده اند بهیاکل [illegible] و

هم قائل بتعدد و متجاوز امامت شده اند زیاده بر دوازده امام پس آیا جاهل بمعرفت

بالاتر نیست که هزار و دویست سال پیش از این حضرت خبر ضلالت و کفر اینها

داده باشند عجبا حال که با این وضوح آثار حجت نباشد بر خدا در روز قیامت نه

اگر گوئی من جاهل بودم و ندانستم ضلالت این طایفه را و خدا نفرستاد کسی از اولیای من

رفع جهل و نادانی را نموده بودند پیشتر از تولد هزار و دویست سال و تو را مطلع و عالم

[illegible]

کرده‌اند بوده‌اند انصافاً چه در جواب خواهی گفت و چه بهانه خواهی آورد از عذاب و خشم الهی
نجات ... سید جی برادر جان هشیار باش که این بدعتها و ضلالتهای بسیار خواهد شد پیدا
سادات و غیر سادات دعوتها خواهند نمود باید نوشت که بقرآن و عترت طاهره پیغمبر
که این هر دو حجت بزرگ خدا می‌باشند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا وقتی که بر لب حوض
کوثر بر رسول الله صلعم وارد شوند پس هر [illegible] مخالف کتاب خدا
شد از او اجتناب نما و آن کلام [illegible]
ثبت به عدم افتراق او است [illegible] انی تارک فیکم الثقلین کتاب
الله و عترتی لن تضلوا ما ان تمسکتم بهما [illegible]
[illegible] قبول [illegible] این تصریح
که کسی تصریح نماید که من مخالف کتاب خدا [illegible] احکام
تا [illegible] حرام کند نظر کردن در قرآن و کتب [illegible] تصریح نماید بشرع
و دین تازه و بر ابلهان جلوه دهد که حضرت قائم بن الحسن صلوات الله علیه شرع
تازه دارد و یک منصف در میان [illegible] نرسد که او را جواب دهد که بفرض اینکه
که آنحضرت را قضایای تازه می‌باشد پس آنحضرت کسی است که قضایای جدیده
دارد و قضایای اختصاص بنفس نفیس آنحضرت دارد نه هر مبتدع و مضلی که
احکام را سرنگون نماید فرزند امام حسن عسکری ع می‌شود یا آنکه واجب الطاعه
بوده باشد و احکامات جدیده آنحضرت موافق امر خدا و رسول [illegible]

ذکر حدیث امام حسن علیه السلام

جهتش میباشد که در زمان دولت باطل جاری نشده و در زمان آنحضرت که دولت حق است و تقیه برطرف میشود آن احکام را بیان میفرماید مثل آنکه حضرت بفرماید که شیخ زانی و مانع الزکوة را باید کردن زد و آن شریعت مقرر است لکن موقت است این حکم بوقت دیگر . . فرزند محمد بن الحسن علیهما السلام و او است کسیکه باید . . . . بنحویکه احکام نسخ شرع نیست بل عین حقیقت . . . . آن موقت بوده است باری تفصیل آنرا . . . . . دانسته انشاءالله تعالی اول . . . . . شریف را بانجام رسانیم حضرت فرمود تا . . . . حضرت . . . . . از خدا نزول عذاب را از آسمان بر قوم خود . . . . را بر آنحضرت نازل فرمود با جبرئیل بود . . . . لعنت که حضرت حق تعالی میفرماید که پرستنده اینها . . . مخلوق و عباد من میباشند من هلاک نمیکنم آنهارا بصاعقه از صاعقهای خودم مگر بعد از تاکید دعوت و الزام حجت پس دوباره قوم خود را دعوت نما و جهد و کوشش کن در دعوت ایشان پس بدرستیکه در آخر رحمت تو نورا ثواب اجر میدهم و این نواة را غرس نما پس چون بزرگ شود و درخت گردیده و میوه آورد فرج و خلاصی تو و دوستان تو بوده باشد پس بشارت بده مؤمنین قوم خود را پس حضرت مؤمنین قوم خود را بشارت فرج داده و امر نمود که آنهارا غرس نمودند پس بعد از مدت طولانی درخت شده سبز و خرم گردیده و بارآورده خرماهای نیکو داد پس حضرت نوح از خدا درخواست نمود که بوعده وفا شود و فرج مرحمت فرماید و اعدارا هلاک کند

[illegible]

وظهور [illegible]

پس [illegible] کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شدند [illegible]

دعوت [illegible] بعد از آن خداوند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از شب [illegible]

قوم [illegible]

اتفاق کرده باطنهای مؤمنین [illegible]

[illegible] پس اگر من هلاک [illegible]

[illegible] از آنها [illegible] ایشان ظاهری [illegible]

[illegible]

بودند در آن [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] آنچه را که من [illegible]

امتیاز خبیث از طیب در قوم نوح

بسیاری از ایشان از نتایج نفاق و شقاق و رسوخ ضلالت بود پس اگر امتحان نشده
مؤمنین را از منافقین و مؤمنین را ممکن نمیشد [illegible] و هر کس مستعد افتتان میشد
در وقتیکه اعدای ایشان را [illegible] هر آینه از نفاق منافقین [illegible] شده و [illegible]
ایشان قوت میگرفت [illegible] ایشان [illegible] دیده هر آینه
با برادران دینی خود [illegible] میورزیدند [illegible] جدال و قتال مینمودند
[illegible] و [illegible] مخالفت و بیجان فتن و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] نمیشد پس [illegible]
[illegible] بر دو قسم بودند قسمی از ایشان [illegible] و یقین [illegible]
[illegible] مانند [illegible] اخلاص [illegible]
[illegible] و قسم دیگر [illegible] از نفاق و شقاق بودند [illegible]
بر چند قسم بودند [illegible] در امتحان اول [illegible] شدند و مرتد گردیدند و برخی [illegible]
ثانیه و بعضی نفاق ایشان خفی تر بود و بروز [illegible] معلوم نشد که در مرتبه ثالثه واضح شد
و جمعی دیگر از آنها خفی تر و [illegible] آنها نفاق خود را [illegible] در مرتبه رابعه مرتد
شدند و هکذا تا در مرتبه هفتم و هر گاه امتحانات [illegible] در میان نیامده بود و باطن
آنها پدیدار نشده بود و آن نوع مؤمنین با منافقین باقی مانده در وقت [illegible]
[illegible] میکردند با مؤمنین مخلصین محاربه و قتال مینمودند و غرض از تمکین مؤمنین
که وعده داده شده بود حاصل نمیشد پس از این جهت در حکمت مقتضی است
و از همین جهة جدا شدن طیب از خبیث و تصفیه از کدورات نفاق و تخلیص از رواج [illegible]

[illegible]

[illegible]

پس همچنین است حال طایفهٔ امامیه در غیبت پس بعضی بخروج باب [illegible] شیرازی
مرتد شدند و بعضی از منافقین که فریب او خورده باقی بر دین خود بودند بعضی بخروج بها
ابی بهاء مرتد شدند و بعضی بضلالت عباس افندی از دین خدا و رسول خارج شدند
دیگر تا پی در پی اهل نفاق از این طایفهٔ امامیه مرتد خواهند شد و از این سلسله بیرون
خواهند رفت [illegible] تا قیام آنها خارج شوند این طایفه [illegible] اهل بدعت و ضلالت [illegible]
و انواع و فرق دیگر نیز پیدا شوند که عوام را اضلال و اغوا میکنند در این امت بار حق
میفرماید و همچنین است قائم صلوات الله علیه [illegible] میکشند
غیبت او بسیار [illegible] و ظاهر میشود حق [illegible] ایمان مؤمنین از [illegible]
مؤمنین منافقین مرتد شدن [illegible]
از شیعیانی که نفاق آنها ظاهر میشود [illegible]
و تمکن مؤمنین را بر روی زمین مشاهده [illegible]
قائم علیه السلام را یعنی باید صاحبان طینت خبیثه بواسطه سوء عقیده و [illegible]
بدعت و ضلالت مرتد شوند و از سلسلهٔ شیعیان خالص خارج شوند تا در [illegible]
قائم عجل الله فرجه شیعیان آنحضرت از نفاق آنها ایمن بوده باشند [illegible]
گوید عرض کردم یابن رسول الله صلعم نواصب گمان میکنند که این آیه
دربارهٔ ابی بکر و عمر و عثمان و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که خدا هدایت
نکند قلوب نواصب را در کدام زمانی از زمانهای یکی از اینها که مرتد [illegible] دین
رسول بود تمکن بود و امر حقیقت شریعت منتشر بود و خوف و ترس از دلها برطرف شده

[illegible]

دلهم

و بسیاری [illegible] مرتفع [illegible] شده [illegible] چنین [illegible] باطل [illegible]
از اهل اسلام مرتد شدند و فتنه‌ها و حرب‌ها و غزوه‌ها بیان آنها [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام همواره با اهل اسلام و کفار نزاع و قتال
بود و بسیار مسلمانان کشته شدند و در زمان حضرت [illegible]
[illegible] سلطنت و دولت اهل ایمان [illegible] ایشان را راحت [illegible]
شود [illegible] باشد [illegible] و از آیه شریفه این آیه است وعد الله
الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض [illegible] در سوره نور این آیه
[illegible] نازل شده [illegible] لیستخلفنهم [illegible] حضرت [illegible] و اما
[illegible] خداوند تبارک و تعالی تقدیر فرموده [illegible]
[illegible] کتابی که بر او نازل فرموده [illegible]
[illegible] حق تعالی تقدیر فرموده [illegible]
برای [illegible] که [illegible] واجب [illegible]
واجب و فرض فرموده باشد [illegible] علم او [illegible]
از برای عمر قائم صلوات الله علیه [illegible] علیه السلام [illegible]
فرماید در ایام غیبت آنحضرت [illegible] خداوند عالم
[illegible] انکار [illegible] طول عمر آنحضرت [illegible] و از این جهت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
علامتی [illegible] قطع شود [illegible]

مانند او نبوده باشند از برای مردم بر خدا حجتی تمام نشده حدیث شریف و حاصل جواب [illegible]

و ایستادگی آن شد که خداوند متعال [illegible] حضرت خضر [illegible] و [illegible] طول زندگانی

مرحمت فرموده بعض [illegible] استدلال بر عمر حضرت قائم تا آنکه دلیل [illegible]

[illegible] منفصل میشود و دلیل معاندین و استبعاد آنها طول عمر آن حضرت [illegible]

بشر [illegible] است که خارج عادت و خارق عادت باشد پس جواب طول عمر حضرت

است که او نیز بشر است پس چنانچه در [illegible] عمر او را طولانی [illegible]

داده است همان [illegible]

حقیقت این استبعاد ناشی [illegible]

[illegible]

[illegible] سال عمر کرده [illegible]

[illegible]

عمرهای طولانی داشته‌اند بعضی پانصد سال و بعضی چهارصد سال و بعضی بیشتر و بعضی کمتر

و آنها را شیخ صدوق [illegible] در کتاب اکمال الدین ذکر کرده است و [illegible]

[illegible] از تمام [illegible] که [illegible]

[illegible] آن حضرت داده نمی‌تواند انکار طول عمر حضرت قائم نماید

[illegible] آنکه [illegible] خدا خبر داده [illegible] طول عمر آن حضرت در نصوص [illegible]

که [illegible] شیعه [illegible] اخبار [illegible] است [illegible]

حضرت [illegible] رسول [illegible] ائمه [illegible]

[illegible]

در اینکه غیر عوام را دلیل بر تقلید نیست

میشنوی که از اول این حدیث شریف تا آخر آن و ساعتی نزد خود دقت و فکر نما که چگونه حق را واضح و روشن قرار داده‌اند و تمام اجزای عبارت حق و صدق و واقع شده دیگر چگونه شک و شبهه در دلالت خبر امکان میکند و بطلان اهل باطل و حقیقت اهل بیت عصمت علیهم السلام پس شیعیان را بجهود رانده و از منحرفات و از تحصیل اهل ضلال بر حذر باش زیرا که عوام طریق استدلال را نمیدانند و راه احتجاج به آنها بسته شده [illegible] بروند از حرفهای دهریه و صوفیه و یهود و نصاری و مجوس و امثال آنها [illegible] طریق خود کلماتی گویند و فقراتی ذکر کنند که [illegible] از فهم [illegible] بیرون آید و معنی جاهل و عامی نیز همین است پس [illegible] هدایت یافته با دین و ایمان از دنیا برود [illegible] در ذهن خود نگاه دارد که حقیت حق بی دلیل و برهان [illegible] واجب نمیکند و مدعای بی برهان را ادعا نمودن کمال احمقی و نادانی و بی تقوائی است و هرگاه در امر دینی شبه کمال بی دینی و بیرحمی بر جان خود است و مکرر با تو گفته و میگویم که دلیل و برهان باید چیزی باشد که تو از آن فهمی و بدانی و دیگران عاجز از آنند یا بمثل آن آشنا نه بمجرد قول مدعی و یا [illegible] ادعاء ادعاء خیلی بزرگ پس فصلی قرار میدهیم و در آن ذکر میکنیم مدعیان بابیت در زمان غیبت صغری که مانند این مدعیان در زمان غیبت کبری افترا بستند و ادعاهای بزرگ نمودند و بسیاری را بسبب آن فتنه و الحاد و کفر در آوردند تا دفع و رفع شبهه عوام شود و بدانند که نوع این کفریات فرزندی

[illegible]

پیش از غیبت بوده‌اند بیان مذمت ایشان کرده‌اند تا از آنها حذر نمایند **فصل**
در ذکر خلیفه بابیه علیهم اللعنه که در غیبت صغری ادعاء بابیت و سفارت حضرت
حجت صلوات الله علیه نمودند و افترا بستند لعنهم الله و ذکر میکنیم آنچه را که در کتاب
غیبت مجلسی قدس سره از کتاب شیخ طوسی برد الله مضجعه ذکر نموده است
بدان که تمام اخبار این باب را در کتاب بحار الانوار و کتاب بحوث الثالثه ذکر کرده‌ام
از آن کتاب و از کتاب احتجاج شیخ طبرسی قدس سره و غیبت شیخ طوسی قدس سره
میفرماید **اول** ایشان شریعی بود روایت کرده‌اند از محمد بن همام که فرمود شریعی
کنیتش ابی محمد بود و راوی گفته که من گمان دارم که اسم او حسن بود
و او از اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السلام بود و بعد از آن از اصحاب حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام بود و اول کسی بود که ادعا کرد مقامی را که اهل آن
نبود و خدا برای او قرار نداده بود و دروغ بست بر حجج الهیه و نسبت
داد به ایشان آنچه را که لایق به ایشان نبود و ایشان از آن بیزار بودند یعنی ادعای
ربوبیت و الوهیت شد درباره ایشان علیهم السلام پس شیعیان از او بیزاری
جستند و بر او لعنت کردند و بیرون آمد توقیع از جانب امام علیه السلام بر
لعن او و بیزاری از او و بعد از آن ظاهر شد از شریعی قول بکفر و الحاد پس هر که
و تمام این جماعت مدعیان اول دروغ بر امام علیه السلام می‌بستند و اینکه ایشان
وکلاء آنحضرت‌اند پس ضعفا را فریفته میکنند بسبب این مقالات و دست خود
بسوی ترقی میکشند بسوی قول حلاجیه چنانچه از ابی جعفر شلمغانی و نظرای او مشهور

در ذکر بابیه در زمان غیبت صغری

کردید علیهم جمیعا لعائن الله تعالی انتهی کلام شیخ رحمه الله [illegible] و یکی از
حلاجیه قول منصور حلاج و اتباع او است که اول دعوی بابیت و بعد نبوت
الوهیت نمود و عنقریب ذکر شود ان شاء الله پس بعضی از بابیه از آن بابیه [illegible]
ضلالت را تعلیم کرفته اند و بدعت و ضلالت آنها را تجدید نمایند که اول [illegible]
بدو کسی خود دعوت کنند یعنی بابیت حضرت بعد قایل بالوهیت [illegible]
میشوند و ایشان از جماعت بابیه محمد بن نصیر نمیری بود و او اول از اصحاب
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بود و چون حضرت وفات کرد ادعا
بابیت امام زمان علیه السلام کرد پس محمد بن عثمان رضی الله عنه را [illegible]
[illegible] خدا او را رسوا کرد [illegible] از جهل و الحاد و لعنت کردن
محمد بن عثمان رضی الله عنه او را [illegible] دوری [illegible]
نمیری [illegible] ابو طالب انباری گوید که چون خبر [illegible]
نمیری آنچه [illegible] محمد بن عثمان قدس سره [illegible]
نمود و از او تبری جست پس این خبر بنمیری رسید [illegible] محمد بن عثمان [illegible]
تا معذرت خواهد و قلب آنجناب را بخود مهربان کند پس آنجناب [illegible]
نداد و در بروی او نگشاد و او را خائب و ناامید برگردانید سعد بن عبد الله میفرماید که
نمیری مدعی بود که او پیغمبر است و امام او را [illegible] فرستاده و قایل به تناسخ
بود و غلو داشت درباره حضرت [illegible] و آنحضرت را خدا میدانست و قایل بود
بمباح بودن محارم و بحلال بودن نکاح مردان یکدیگر را در دبر یکدیگر و گمان میکرد
که این فعل [illegible] از برای مفعول تواضع و فروتنی و از خباثت و رذالت است و از برای [illegible]

[illegible]

[illegible] طیبات است و خداوند عزوجل [illegible] را [illegible]

[illegible] الذات [illegible] سببها [illegible]

[illegible] قاتل [illegible] او را دیدم [illegible] با او [illegible]

[illegible] کرده [illegible] نمودم [illegible] فصل [illegible]

[illegible] لذات است و تواضع از برای خداست [illegible] ترک کبر و تجبر است

[illegible] که چون [illegible] در [illegible] که از دنیا رفت [illegible] بود

[illegible] گفت [illegible] برای [illegible] ضعیف و [illegible]

[illegible] گفت [illegible] دل

[illegible] گفت [illegible] موسی بن [illegible]

[illegible]

[illegible] میکنم [illegible]

[illegible] تواضع است و [illegible]

[illegible] و کبری و صغری [illegible] ترتیب [illegible]

[illegible] از جواب [illegible] الذات [illegible]

[illegible] آیات [illegible] در حلیت طیبات و لذات [illegible]

[illegible] پس آیات [illegible] آیات [illegible] را [illegible]

[illegible] از جواب اول مقدمه و صغری باید صدق باشد تا نتیجه [illegible]

[illegible] باشد نتیجه [illegible] است [illegible] که تو [illegible]

الی هذا یدین مدعی حقیقت نمود و اال او بعد از عهد وفات خود مدعی جانشینی
حال ایشان بر اقامت میکرد و دلیلش آن که جمیع مخالفان او بر ایشان حجت
کرده میگویند که حقیقت او دلیل واجب و کلام ایشان حجت پس ثابت
ب مطلق واجب و کلام او وارد او حجت و جمیع مخالف او را باطل کرده
حق را کول میشمرند و خاصیت آن است که گر بدین اخر در وقت صدق دعوت که
نبوت و امامت ثابت باشد که معجزات آن ثابت و تحقق شد بعد از اقامت
د... ... ... تمام ... ... خاتم الاوصیا حضرت حجت
... ... پس ... ... نبوت و وصایت ... ... حق
... ... از ... ... البطلان قبیح و ... ...
و ... ... از حق ... ... و طلب ... ...
... ... پس است مطلق قول مدعی است ...
نیست از برای عوام تفحص و تجسس کردن و عقب به صدا ی رفتن
باد او ... باطل مدعیان دادن جواب معتقدین بدین مذهب ...
نیز سد انکار خاتمیت حضرت رسول و خاتمیت حضرت حجت ...
تاویل کردن آنرا بچیزی که مخالف مذهب باشد پس در صورتیکه ...
باشد که من آن جناب نیستم ضرورت مذهب و برشاد و بطلان و ...
و محتاج بدیدن او و شنیدن ادله او نیست بلکه حرام است بر عوام شیعه ...
ذکر شد بلی منکر این مذهب را میرسد که دلیل حقیقت مذهب را از علما شیعه

غلف و جلوس در زانیان

[illegible] پس [illegible] بر [illegible] حقیقت آنرا بر مخالفین اثبات کرده

بر آنها [illegible] قبول [illegible] این دین و حرام است تخلف از آن و دیگر

[illegible] از [illegible] اثنی عشریه میباشی پس اگر از اثنی عشریه هستی

هرگاه [illegible] مذهب ثانی مخلد در آتش خواهی بود [illegible]

[illegible] و [illegible] نباید فریب داده شوی چنانچه نباید [illegible]

[illegible] احق [illegible] زیرا که [illegible] این طایفه

[illegible] طالب راحت [illegible] خود میباشی پس [illegible] آنچه

آن [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

[illegible] بهره از علم

[illegible] که توانی [illegible] دیگر [illegible] آن [illegible]

[illegible] ثقالین [illegible] و [illegible] را بر [illegible]

[illegible] که [illegible] چنین [illegible]

با آن صفات [illegible] از آنکه او را امام جماعت

[illegible] خواهی دانست حقیقت مذهب اثنی عشریه [illegible]

[illegible] شده و اینکه جایز نباشد [illegible]

[illegible] چنانچه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] که [illegible] خود [illegible]

[illegible]

نسب بدعت در ریاست دنیا و جعل نیابتی از امام خود نمودند و افترا بر خدا و رسول و ائمه
هدی علیهم السلام می بستند لعنت و آثار آنها از آفتاب روشنتر است
احتراز از آنها واجب است [illegible] از جمله ایشان احمد بن هلال کرخی
بود و محمد بن [illegible] از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
بود و شیعه اجماع کردند بر وکالت و نیابت محمد بن عثمان قدس سره بواسطه نص
حضرت [illegible] یعنی بعد از نیابت حضرت امام علیه السلام
حضرت [illegible] را منصب خود نمود [illegible] از جانب خود و شیعه نیز اجماع بر
[illegible] دیگر نمی [illegible] نیابت و وکالت محمد بن
[illegible] آیا قبول نمی کنی امر ابی جعفر محمد بن
عثمان [illegible] حال آنکه امام مفترض الطاعه او را نصب
[illegible] شنیده ایم از آنحضرت که نص نماید بر او و بر وکالت
و نیابت و من شک ندارم در پدر او عثمان بن سعید رضی الله عنهما اما آنکه قطع نمایم که ابی جعفر
محمد بن عثمان [illegible] حضرت صاحب الزمان علیه السلام است پس چنین
[illegible] روا نداریم پس شیعه گفتند که هرگاه تو نشنیده دیگران
شنیده اند گفت شما خود میدانید با آنچه شنیده اید و توقف کرد پس شیعه
او را لعنت نموده و از او تبری جستند بعد از آن توقیع صادر آمد بر دست ابی
القاسم بن روح رضی الله عنه بر لعن بر او و برائت از او در جمله کسانی که حضرت
آنها را لعن فرموده بود و [illegible] از باب [illegible] لعنهم الله ابو طاهر محمد بن علی بن

[illegible]

در ذکر ابنیهٔ تاریخ غیبت صغری

دال است و حکایت او با ابی جعفر محمد بن عثمان عمری معروف و مشهور است که ... [illegible]

نزد او بود و از طلب امام ... [illegible] ... بشنیدم که در سوی ابی جعفر ... [illegible]

نزد او [illegible] آن و ادعا نمود که من خود وکیل حضرتم تا آنکه شیعه از او تبری

دارد [illegible] حضرت صاحب الزمان در بارهٔ او بیرون آمد آنچه معروف

و مشهور است عرض میکنم عنقریب ذکر شود ابو غالب زراری حکایت

میکند [illegible] محمد بن یحیی المعاذی که گفته [illegible] در وقت تفرقه

یعنی [illegible] بعد از امام حسن عسکری [illegible] گردیده بسوی طالبی [illegible] آن

[illegible] گرد [illegible] سؤال کردم

[illegible] ابو [illegible] رحم

[illegible] رضی الله عنه

[illegible] بخط

که [illegible] و پسر ابو جعفر عمری رضی الله عنه را خلعت

و [illegible] ایستاده و آنجناب در صدر مجلس نشست

[illegible] پیش روی او نشست پس ابو جعفر زنان را مهلت داد تا آنکه تمام ساکت

شدند [illegible] تعالی فرمود [illegible] قسم میدهم ترا بحق خدا آیا حضرت

صاحب الزمان [illegible] که در نزد تو میباشد ... [illegible]

من و [illegible] گفتا اللهم نعم [illegible] چنین است پس ابو جعفر برخواسته و [illegible]

فرمود [illegible] شکسته شده چون بحال خود آمدند ابو الطیب را در [illegible]

[illegible]

گفت که ابو جعفر رضه مرا [illegible] فرمود [illegible] حضرت [illegible] ما کی باعث تستر شده برین
امر کردند مرا که احوال [illegible] او دانایم [illegible] رضی الله عنه ابو العقیب گفت [illegible]
از این شخص حضرت [illegible] گفت [illegible] عجب
و خوفی که از آنحضرت بر من داخل شده خائف شدم که آنحضرت [illegible] پس اقرار کرد گفت از
این جهت از او جدا شدم یعنی چون ادعاء کذب او و افترای او بر من معلوم شد از او
وجدا گردیدم [illegible] بر اطبان [illegible] که هرچند
[illegible] واقف میشوند از آنها اجتناب میکنند و انچه
[illegible] بدیهیات و محسوسات [illegible] او شاد
[illegible] بزرگ [illegible] اگر ادعای [illegible]
[illegible]
[illegible] در
باره او زیاده تر شود لا حول و لا قوة الا بالله [illegible] ادعای بابیت
و بعد ترقی کرده مدعی نبوت [illegible] شد حسین بن منصور حلاج بود شیخ
طوسی ره میفرماید که خبر داد مرا حسین بن [illegible] از ابی العباس احمد بن
علی بن نوح از ابی نصر هبة الله بن محمد الکاتب پسر دختر ام کلثوم دختر ابی
جعفر عمری محمد بن عثمان نایب [illegible] حضرت حجة عجل الله فرجه ابو [illegible]
گوید که چون خدا خواست که امر حلاج را مکشوف گرداند و او را رسوا فرماید و
فضیحت او را ظاهر فرماید [illegible] حسین منصور حلاج [illegible] گمان کرد که [illegible] تواند کرد [illegible]

[illegible] قال الشیخ [illegible] حسین بن منصور [illegible] قال [illegible] موافق لغت [illegible] اقوال [illegible] معلوم شد [illegible] کاذب [illegible] ظاهر [illegible] علم لدنی و کشفیات [illegible] این قدر [illegible]

[illegible] خضاب [illegible] کرده [illegible]
و جوان مینماید که از خضاب [illegible] و از جمله [illegible] است [illegible]
و از [illegible] دست [illegible] کرده که باید [illegible] و آنچه [illegible] گناه [illegible] ترا [illegible]
شوهر افتد و حیله [illegible] از او [illegible] داشته باشد [illegible]
داشت بکار آنکه [illegible] خضاب و ایمان [illegible] باشد و چون [illegible] خضاب او را
پذیرفت دیگر امر ضلالت و [illegible] میشود [illegible] قوت میگیرد در ضعفا لکن
[illegible] آخر [illegible]
[illegible] و اول همین [illegible]
[illegible] امور شده
[illegible] دو در
[illegible] او که
[illegible] که ادعای
[illegible] که من جواری
[illegible] کان را [illegible] و چند نفر از آنها را دارم
جوانان اند [illegible] از آنها از من [illegible] باشد و هر روز
جمعه [illegible] خضاب [illegible] شدید [illegible] تا سفیدی
[illegible] از آنها [illegible] اگر [illegible] پیری و سفیدی
[illegible] من [illegible] جوانان [illegible] پس [illegible] ایشان مبدل

[illegible]
فارغ [illegible] کرامت نموده [illegible]
چنین کردی من با طاعت تو [illegible] و فرمان ترا [illegible] آمده
قبول تو [illegible] دعوت [illegible]
تو هم [illegible]
چون منصور حلاج [illegible]
مذهب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
عبد الله حسین بن علی بن حسین بن موسی [illegible] که فرمود منصور حلاج آمد
بقم و مکاتبه نمود [illegible] پدرم [illegible]
[illegible] حسین [illegible]
بدست پدرم رسید آنرا پاره نمود [illegible]
پس [illegible] گفت
[illegible] دعوت نموده است [illegible]
استهزا کردند [illegible] رفت بسوی دکان خود و با او بودند اصحاب [illegible]

[illegible]

و پس چون وارد خانه شد که دکان [illegible] بود [illegible]

[illegible] که در دکان نشسته بود [illegible]

پس [illegible] دوات خود [illegible] آورد [illegible]

[illegible] آورد [illegible]

[illegible] احوال او را [illegible] پس رو آورد [illegible] پدرم گفت [illegible]

[illegible] یک شهر [illegible]

[illegible] حال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بعد از آن دیگر او را [illegible]

[illegible] خود را صاحب کرامات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چنین جلوه [illegible]

[illegible]

[illegible] نمی تواند [illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible]

خلقتهای قرآن است و یکی اخبار بمضیات دوم حسن نظم و ترتیب مثال اینها
پس آنرا اقرار نمود و بر ابطال شبهه بود که من هر دو را در صدور یکی رنجیت و گفت یکی
کفایت است و آنرا چه چیزی قرار دهد که عاقل و جاهل هر دو آنرا مانند و از آن شرح
مفاوضه خودش که بیان باشد قرار داد پس چون اهل خبره و لسان صعق [illegible]
زدند بر کلمات مضحکه او و خودش هم دید که انقدر اغلاط فاحشه دارد که نمی توان
آنهارا ستر نماید و مخفی دارد پس حیله انگیخت که میزان کلام من آیات است نه کلام
دیگران [illegible] و بهاء هر دو قائلند که حجت من خرق عادات چیزی
[illegible] میکنند [illegible] خود را که غیر آنرا از ایشان نخواهند [illegible]
[illegible] پس [illegible] بیان [illegible] بنویسند و کرامت و خرق عادت
[illegible] آنرا خواهد بود و هر که دارا بود و نه بنا نیست انکار
[illegible] زنند که انکار کرامت نموده باشند پس
رجوع نما بکتب رؤسای اینها که باب و بهاء باشند تا بکتب فارسیه مریدان ایشان
و دست نده کن که مکرر مینویسند که یک معجزه کافی است و غیر آنرا نخواهیم و جواب
خواهیم گفت که بر فرض عدم تعدد معجزه آن یک معجزه تو کدام است این کلمات
مزخرفه بیان و آیات که ثبت فی علمی قائل آن است بلی عجب معجزه است و نیکو
کرامتی است که باید در میان مردم باشد تا بر همه کس فساد و بطلان و جهل و نادانی
او آشکار باشد و اگر نه بود کلمات واهیه باطله که نوشتند و مدرک ادعای اینها است
احتمال شبهه از برای بعض از عوام میبود خصوصا هرگاه مدعی کرامات هم شدند

کفن

نقل از آنان که مستند ایشان بمیان آن کفرها مفصل بیان است و اغلاط از خود
اقرار دارد پس راهی از برای شبهه بطلان آن نیست و واضح باشد که حسین بن
علی برادر شیخ صدوق رضه است و پدرش علی بن بابویه قمی است پس منصور [illegible]
معاصر علی بن بابویه بوده است و شرح حالات او در کتب مذکور است که تا جمیع
الشیعه مطلع باشند [illegible] از بابیه و طایفه ابن ابی العزاقر است که شلمغانی
بوده باشد شیخ قدس سره میفرماید که خبر داد ما را [illegible] از احمد بن
علی بن نوح از ابی نصر هبة الله بن محمد بن احمد الکاتب پسر دختر ام کلثوم دختر ابی
جعفر عمری رحمه که گفت خبر داد مرا [illegible] ابی جعفر محمد بن
عثمان رحمه و قیمی نواب اربعه بوده [illegible] ابن ابی العزاقر
نزد بنی بسطام وجیه و با اعتبار بوده [illegible] ابو القاسم
رضی الله عنه قرار داده بود و از برای او منزلتی [illegible] روایت
بعد از آن که مرتد شد در وقت ارتداد دستش هر کذب و افترا و کفری که در نزد بنی بسطام
میگفت آنها را نسبت میداد بسوی شیخ ابو القاسم حسین بن روح رضی الله عنه
یعنی کفریات را حکایت میکرد از آن بزرگوار و میگفت که او چنین بیان کرده است
پس بنی بسطام آنها را از او اخذ میکردند و قبول مینمودند تا وقتیکه این مطلب
شیخ مذکور منکشف افتاد پس انکار نمود او را و بنی بسطام را نهی فرمود از او و
استماع کلام او و امر فرمود آنها را که بر او لعن کنند و از او بیزار شوند پس بنی
بسطام منتهی نشدند و باقی ماندند بر دوستی و موالات او و علت بقاء آنها بر موالات

و این بود که ابو القاسم حسین بن روح [illegible] که چون [illegible]

از من [illegible] و دیگران [illegible] ابو جعفر محمد بن علی [illegible]

[illegible] دیگران [illegible] شد [illegible]

[illegible] بحالت کفر [illegible]

[illegible] ایشان و محبت لعن را از اعتقاد آن عظیم تر میدانم پس این کلام

[illegible] مبارک [illegible] ابو القاسم حسین بن روح رضی الله عنه رسید پس نوشت

[illegible] و [illegible] و بیزاری [illegible]

[illegible] مستحق [illegible] ایشان [illegible]

پس [illegible] بنی بسطام رسید [illegible] بسیار ملعون

[illegible] پیشگاه

این [illegible] عظیم [illegible]

[illegible] معنی کلام [illegible]

[illegible] در [illegible] مقام [illegible]

[illegible] بنی بسطام [illegible]

با [illegible] این [illegible] مشاهده کرده

باشد [illegible] ایشان میداند

[illegible] الیان [illegible]

خبری که [illegible]

ونظیر او از ذبابیه

انها از امرا است و شلمغانی بن عزاقر را که نیز از این طایفه ملعونه است [illegible]

و [illegible] آن فرق [illegible] شود که شخصی که مقبول القول [illegible] قول او قول [illegible]

باشد و امراو باشد مانند شیخ ابو القاسم حسین بن روح رضی الله عنه و غیر که [illegible]

باشد او مغضوب من عند الله [illegible] و قول او را قول امام و [illegible] که شیخ [illegible]

کند و بیزاری از او و از ایمان او چون [illegible] ذلک این ملعون شلمغانی [illegible]

کلام را قول کند و آن را منطبق با بیان خود مؤید کفریات خود [illegible]

و برای خود در [illegible] و [illegible] قرار [illegible] مثل حال شلمغانی [illegible]

و مریدانش [illegible] که [illegible] بیان [illegible] کردند [illegible]

رحم کنند و خود [illegible] آن [illegible] کرده [illegible]

[illegible] و [illegible] آن بیان [illegible] بعد از [illegible]

[illegible] گذارد و چنانچه [illegible]

این کتاب [illegible] از [illegible] نعمانی [illegible]

[illegible] فی فهرس [illegible]

این واقعه در زمان نیابت شیخ ابو القاسم حسین بن روح رضی الله عنه که وکیل

بود و [illegible] بعد از وفات محمد بن عثمان رضی الله عنه که پدر ام کلثوم [illegible]

باشد [illegible] ام کلثوم رحمه الله [illegible] ابو جعفر بن [illegible]

استقبال کرد [illegible] تعظیم و تکریم زیاد نمود حتی آنکه [illegible]

[illegible] آنها [illegible] انکار کردم [illegible] عمل [illegible]

از نزد حضرت ما دوری کن زیرا که او از ما نیست و قبول مکن و هر که قاصد او باشد
بسوی او فرستادن و اعتنا مکن و بعد از این در ملاقات مکن پس این کلام کفر بخدا
و الحاد و زندقه است که انجمنش [illegible] داده [illegible] که این کلام که انتقال روح
باشد بر قلوب مردم ظلم و [illegible] نماید و بعد از آن این طریق از برای خود قرار
داد که بگوید روح خدا در من حلول کرده است و با من متحد شده است چنانچه نصاری
در باره مسیح قائلند و میخواهد رجوع کند بقول منصور حلاج لعنه الله آنچه در ق
پس [illegible] بنی بسطام [illegible] و دوری کرده و ترک [illegible] آثار را قبول
از [illegible] و بعد از آن [illegible] مردم [illegible]
پیدا کرد و شیخ ابوالقاسم حسین بن روح [illegible]
سوی او [illegible] و برائت [illegible] رضی
بقول او و کلام او [illegible] از حضرت
صاحب الزمان صلوات الله علیه در لعن ابی جعفر محمد بن علی شلمغانی
و برائت از او و از تابعان و شایعان او و از کسانی که راضی بقول او باشند و بعد از
این توقیع رفیع باقی ماند بر [illegible] و بعد از این شیخ طوسی رحمه الله میفرماید که
شلمغانی را [illegible] باشد که ما کتاب خود را منزه میداریم
از بیان [illegible] و دیگران در کتاب خود نوشته اند و سبب قتل
شلمغانی آن بود که چون ابوالقاسم حسین بن روح ره ظاهر فرمود لعن او را
[illegible] تبری کرد از او [illegible] شیعه لعن و تبری از او

[illegible]

در بیان [illegible]

دیگر نقل شده از شلمغانی که تکبیر نمودن [illegible] پس روزی در خانه ابن مقبل
و دو [illegible] شده از آنجا حاضر بودند این حکایت بیکر دند از شیخ ابی القاسم رضی
عن بریت ازو پس شلمغانی گفت جمع کنید میان من و میان شیخ ابو
القاسم که من و بر نفرین نمایم او را پس شلمغانی گفت تا دست او را بدست
خود بگیرم و او هم دست مرا بگیرد پس اگر آتش نازل نشد از آسمان و او را نسوزانید
[illegible] و الا آنچه درباره من [illegible] همه صدق و قول است پس خبر رسید به راضی
پس حکم کرد [illegible] تا به قتل رسانیدند [illegible] رفتند و به قتل رسانیدند و شلمغانی
را [illegible] مرتبت [illegible] می‌کنیم [illegible] که در این کتاب سطر سطر نماییم
من چه [illegible] اقوال شلمغانی و نظرا و اشباه او
و طریقه [illegible] و کفر او در نظر طالبان جلوه داده و آنها را
سهل نماییم [illegible] آنها را مفتضح نماییم
و چون بعینه تمام این اقوال و مقالات را از این طایفه باید در این عصر و اعصار
شنیده پس [illegible] در عقب خود راه داده و دین خود [illegible]
پیشینیان خبر داده اند و آنها نموده اند و امامان خصوصا حضرت حجت عجل الله فرجه
آنها را لعنت فرموده و حکم تبری از آنها فرموده اند و فرقه که در این زمان بدع صوفیه
[illegible] همان اتباع و اشیاع شلمغانی و اشباه او هستند که
در توقیعات عدیده که به قلم غیب [illegible] حضرت [illegible] آنها را لعنت فرموده پس اگر تو
داخل فرقه اثنی عشری [illegible] فرمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام خواهی [illegible]

[illegible]

در هم نسبت باهل عصمت بدهد ای که بر تو واجب است که لعنت کنی این جماعت و بیزاری جویی
از ایشان و بدانکه اینها همان اشباه و امثال اتباع و اشیاع آنانند که حضرت
ائمه را از شیعیان خود را لعنت کرده اند و هر گاه از این فرقه ناجیه هستی که ما را
امامی نیست بلکه هرگاه طالب هدایت شدی و خواستی که ترا ارشاد نمائیم البته
نیز از ادله و براهین در هر بابت که خواهی بیان میکنیم و علما و ابرار و فقها و اخبار که از ایشان
اشاره بهم انقدر کتب در هر باب نوشته اند و دفع و رفع شکوک و شبهات نموده اند
دیگر قابل تألیف کتاب ... توضیح ما ... ... ندارند رجوع بعلما
نمیکنند و تتبع در کتب ... نمیکنند حال ... الحاد چنان شده
که اینها عهد آداب دین و دشمنان شریعت ... سید المرسلین ... شده اند از قبول
نمیکنند و آنچه علما و ابرار ... ... اعراض میکنند
... و ... انکار این علما اهل ... ... بهم جان خود شده
انفراد در بار ... آنچه میگوئی در آیات ... آنچه میگوئی
در هم با ایشان احسان است بعضی را منکر میشوند و بعضی را بضد و نقیض معنی میکنند
چنانچه قائم را شیطان معنی میکنند و عنقریب خواهی دانست لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم و دانسته که چگونه ابو القاسم حسین بن روح رضه ام کلثوم ... شکر
شده اند آنچه را که نسبت با ایشان بدهند از انتقال روح و سیر ذلک الحاد و ... ان
از کفر و زندقه برگشت پس ... که ... هوا پرست پس چگونه بر که ...
خود اصرار بر کفر و زندقه دارند و الحاد را آنان دعوت میکنند و خود را اهل باطن ...

... میکنند و کوسهها دارند و آسمان و زمین و جهان ... خود را افضل از انبیا ... نشانه بر کذب و افتراات خود قرار میدهند پس خوب در احوال گذشتگان ... فرقه فاسده ضاله که ذکر شود تامل فرما تا دانسته کنی استغراب ... و ... ولایت ادعاء الوهیت و آنکه او افضل است از تمام موجودات چگونه کذب میباشد بلکه نفس این دعاء مکذب او است و بدانکه دعاوی کفریه ... مخصوص ... طایفه نیست بلکه امثال اینها بسیار بوده اند و ادعاء الوهیت نموده اند و از ... الهی ... مانند فرعون و شداد و امثال آنها که ... مهلت داد ایشان را ... انما نملی لهم ... عذاب مهین فصل

... ابو الحسن محمد بن احمد بن داود گوید که ... بود و معنی آن را چنین کرده است که چون ... تفضیلت ولی را اگر بعض ضد در او و همین سبب ... که سامع طلب کند فضیلت ولی را پس در آنهنگام او افضل است از ولی زیرا که ممکن بوده است اظهار فضل او را اگر بطعن در او و از جمله قول آنها و مذهبشان قول بهفت عالم و هفت آدم است و موسی و فرعون و محمد صلعم و علی ع با ابی بکر و معویه را در یک مرتبه و منزلت دانند ولی بطور ضد پس بعضی گویند که ولی نصب ضد میکند و حمل بر آن مینماید هم چنانکه جماعتی از اصحاب ظاهر گویند که علی بن ابی طالب ابی بکر را در انتقام نصب فرمود و بعضی گویند نه چنین است بلکه ضد قدیم است با او و لم یزل و از جمله اقوال آنها این است که میگو[یند]

جناب طاهر گویند مرا از فرزند باید رضی داشته که بیب هم خواند فرموده
مراد بابن ابلیس است بعلت آنکه خدا میفرماید که سجده کردند مگر ابلیس که
کنند ذکر نسبت پسر ایستاده بود و بعد از آن گفت لاقعدن لهم صراطک
المستقیم پس آیه دلالت نمود بر اینکه ابلیس قائم بود در وقتیکه امر سجده شد
و بعد از آن نشست پس چنانکه میفرماید که یوم القائم مراد آنقائی است که
سجده پس ابا کرده و شیطان بوده است زان اشعار بر ان شاعر آنها
مذاق کفر آنها تعبیر مینمایند غرض [illegible] ال [illegible] داخل دوزخ
و ما داشتند مرول آمده ما خطه [illegible] قرآن که ابلیس خود معنی
میکنند چگونه بر عوام شبهه [illegible] شیطان [illegible] چون که
خود گویند که از اسم حق سه پا بزند [illegible] و سخن احلال
خنده نمایند دیگر چگونه باطل را حق [illegible] هند و نفرقه
بابیه نیز همین زند قهارا سر مشق خود قرار داده عوام کالانعام را گول میزنند
و بعضی را از امثال و اصناف خبیثه خود گرفته اند و ما ذکر اینها را نمودیم و تمام
بجهت رفع وحشت عوام و تا بدانند که هزار سال پیش از اینها نیز امثال این قبیل
مضلین در عالم بوده اند و چنین اباطیل را بر هم بافته اند و مستدلات
و نشر میکردند پس هرگاه دیدند کسی را که بهوای نفس خود قرآن را
آنها تفسیر قرآن فرض کنند و یقین بدانند که قول او باطل است و معنی و تفسیر قرآن
همان خواهد بود که اهل قرآن که آل محمد علیهم السلام بوده باشند تفسیر فرموده اند

در قول شلمغانی با اتباع خود

و بدل بخواهد و خواهش نفس به چیز حیوان بر زبان جاری کرد و نصیحت یاد روح له
مذهب خود میتوشد که در شان او زهر چیزی بسنده است زیرا که آسمان را زمین
گوید و زمین را آسمان و لعنت را رحمت و رحمت را لعنت پس در این مقام باید
بنیاد باطل بشنید زیرا که خدا اشاره برضوان و رحمت یاد فرموده تمام اشدا
باید نیکو و پسندیده باشند و لعنت آنکه خدا آنها را بلعنت یاد کرده است پس اینها می
آیا خود ... الکلمات کذبی که محسوس البطلان و بدیهی الفساد است رجعی
اتفاق کرد و عقل خود تا این کلام کذبی است که صدق بوده باشد حاشا و کلا به گفته
... از آن آتش دوزخ است باری
... از حسین بن حاجم که گفت شنیدم از شلمغانی که
میگفت ... و مختلف است پس روزی در بیش عبید
و روز ... ارزاق ... این کلام فرمود اول
چیزی بود که من او را انکار نمودم زیرا که این قول قول اصحاب حلول است غرض
میگیم حال نیز این فرقه مضله چنین قائلند و بزعم باطل خود بآیات و اخبار استدلال
کنند و صریحا ادعاء الوهیت میکنند چنانچه زندیق ملحد میرزا حسینعلی نوری بهاء
در سوره هیکل که اول سور آیات اوست میگوید قل لا یری فی هیکلی الا هیکل الله
ولا فی جمالی الا جمال الله تا آنکه میگوید ولن یری فی ذاتی الا الله خداوند دانا
این ملعون را بار از آتش جهنم نماید با این گونه کفر صریح که اینکه ادعای الوهیت
که میگوید هیکل و جمال من جمال خدا است و غیبت ... من گر خدا الحمد الله

در ذکر توقیع رفیع در لعن شلمغانی

ولما حده بود [illegible] و توقیع بلعن وی بر آمد [illegible] چنانچه ظاهر شد بر دست شیخ ابوالقاسم
بن روح رضی الله عنه و نسخه توقیع رفیع چنین بود خطاب به شیخ رضی الله عنه
بشناس زمان خدا طول دهد بقای ترا و بشناساند بتو تمام خوبیها و ختم کند عمل ترا
بخیر فرماید کسی را که وثوق بدین آنها داری و قصد نیکو به نیت آنها
دارد [illegible] از برادران ما خود دائم دارد سعادت ایشان را
باشند [illegible] خدا تعجیل فرماید از برای او نقمت
و [illegible] در راه [illegible] از اسلام و مفارقت کرد
[illegible] او دعا کرد [illegible]
[illegible] ست بر خدا [illegible] و در راه گفت بهتان
دائم [illegible] گان [illegible] شدند گمراه شدن
بعید و دور را و خاسر شدند و زیان کار گردیدند بخسران و زیان کاری آشکار
که ما بیزاری میجوییم بسوی خدا و بسوی رسول خدا و آل رسول خدا صلوات الله
و سلامه و رحمته و برکاته علیهم از او یعنی شلمغانی را و لعنت کردیم او را لعنه الله
لعنتهای خدا پی در پی در ظاهر و در باطن و در سر و در جهر و علانیه از ما و در هر وقت
و در هر حال و بر شایعان و پیروی کنندگان او و تابعان و کسیکه بر سند
و بداند که ما او را لعنت کردیم و منع ذلک با او موالات داشته باشند
[illegible] و دوستی او بوده باشد یعنی لعنت [illegible] باد که بداند که ما
شلمغانی [illegible] او را لعنت کردیم و منع ذلک با او موالات [illegible]

[illegible]

بشنید ... ما برادران ما را دوست دارد و خدا اشما را ... بجهت یکتا در تو

و ما ... دوری از او ... دوری و حذر کردیم از او ... دوری

کرده بودیم ار کسی ... بیش ... بودند از ایشان و وا ... و ... بنا

و ... ایشان ... خدا ... مع ذلک ... جمیل و نیکو

بوده است پیش از او و بعد از او ... توفیق ... و با و یاری ... و استعانت

... و اوکنایت ... در تمام امور ... و کجا است تمام شد ترجمه

توقیع مبارک و ... الشیخ ... ذکر کرده

است پس ... چنان ... اقوال ... را ... که

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... علیه السلام ... که ... [illegible] ...

والیقین ... طایفه ضاله ... لعن و ... پس ... داری

زبان ایشان آنها ... رجوع کن با قوال هر دو طایفه و موازنه کن هر دو را

با هم پس هرگاه ... دیدی آنها را پس ... که تمام ... و ... های

... دارد است ... و ... ایشان ... و ...

ست از آنها ... شیطان ... الولایت سکینه

... از آنها ... باشد پس ...

... واقع شد ...

در ذکر کتابت حضرت ولی الله تعالی

واهیه و کلمات جنایه و تسویلات شیطانیه و ترهات کفریه خبیثه منزول گردید و چنانکه شنیدی که چگونه فرعون و نمرود و دو صد و جلب شیطانیه حق و خوبی را دگرگون نموده است دلال نموده و بعضی بیچاره یاران را دو سه گوید بیچو گرفته و قوم از اصحاب دین مکدار که اگر بنا دین و مذهب خود را از زخرفات نوده بی چاره ای هرگز هیچ مذهبی اعتقاد نداشته باشی بجز اعتقاد و تبعیت شیطان و خود فرعون بنا بیدینی و نفس کفر و ضلال است پس ای کاهل که متعلد و معتقد باین فرقه ضاله شده حضرت ... بلکه یکباره از دین حق خارج شده و داخل کفر و زندقه شده ... که ... و ظهور ... کفر و ضلال بودن آن فرقه مخالف است ... و ... انبیاء و رسل ثابت شد ... است که آنها را کج میکنند و بهوای نفس لعین ... را بر عالم ... ظاهر شد هر آینه معرفت آنها را چنانچه مرضی خدا و رسول و ائمه طاهرین باشد می نمایند و کشف حیرت از قلوب جاهلین شده آنها را براحت در آورند و زنگ و شک و کدورات و شبهات را از دلهای آنها بر دارند ولی حیف که غالب عوام و جهال این عصر انصاف ندارند و ستم نمودن نفس خود را گویا حتم و واجب میدانند و بپای خود بجهنم میروند حال آنکه حقیقت مذهب شیعه از آفتاب روشنتر است و امام معصوم بر آن قسم یاد میکند باید دانست که این توقیع رفیع در ماه ذی الحجة الحرام سال سیصد و دوازده از هجرت از حضرت حجت عجل الله فرجه بر دست شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله

و از آنها ابو دلف کاتب لعنه الله تعالی

ظاهر شده آن بزرگوار آن توقیع شریف را نسخه فرموده انفاذ داشت بسوی ابی علی بن
همام و آن بزرگوار توقیع را گرفته و بر تمام مشایخ و روسای شیعه تلاوت نمود و بعد
از آن آن توقیع نسخهای متعدد نموده در سایر امصار و بلاد ارسال داشت پس آن در میان
طایفه ناجیه اشتهار یافت پس اجتماع کردند بر لعن او و برائت از او و کشته شد ابن
محمد بن علی شلمغانی در سنه سیصد و بیست و سه سال از هجرت تمام شد ترجمه
فرمایش شیخ قدس سره از جمله آنها ابو [illegible] بغدادی
است چنانچه شیخ طوسی رضه روایت نموده از شیخ مفید قدس سره از [illegible]
بلال مهلبی از جعفر بن محمد بن قولویه [illegible]
ابو دلف کاتب را که ملحد بود و بعد از آن [illegible]
او را در زنجیر نمودند و او را دیدند در مجلس [illegible]
میگفتند که زبانی اندک جماعت شیعه [illegible] حیرت میکردند و چون داخل
بغداد شد میل کرد بسوی ابی بکر بغدادی و از طایفه ناجیه برگشت غرض [illegible]
که ابو بکر بغدادی پسر برادر ابی جعفر محمد بن عثمان بن عمری رضی الله عنه بود که نایب
محمد بن احمد بن عثمان بود و او نیز از ملاحده بود و از کسانی بود که ادعای بابیت
کرد و ابو دلف از متابعان او شد و شیخ قدس سره میفرماید که جنون ابو دلف
و حکایات فساد مذهب او بیش از حد احصاست و کتاب خود را با آن طول نمیدهیم
و در جای دیگر میفرماید که امر ابی بکر بغدادی در قلت علم و مروت مشهورتر است و
جنون ابی دلف بیش از احصاست کتاب خود را بذکر آنها مشغول نمیکنیم و طول

[illegible]

نمیدیدیم و ابن نوح [illegible] از آنها ذکر نموده است تا آنکه از ابی عبدالله الرحیم روایت

میکند که گوید روزی در نزد ابی جعفر رضه رفتم و در مجلس آن بزرگوار بودیم و در مجلس او

جماعتی از اصحاب ما بودند اگر و بعضی از روایات میکردند و اقوال صادقین آل محمد

علیهم السلام را ذکر میکردند که ابوبکر بغدادی پسر برادرش باشد داخل شد پس

چون نظر ابو جعفر عمری بر او افتاد فرمود بانجماعت که امساک کنید پس بدرستیکه

این آینده از اصحاب [illegible] بن محمد بن احمد پسر دختر ام کلثوم دختر

ابی جعفر عمری [illegible] روایت کرده که ابو دلف [illegible] و امر مخصوص بود و بآن شهرت

داشت [illegible] بود [illegible] بود که [illegible] بودند که عمری

[illegible] از آن [illegible] بآن بود و اعتراف بآن داشت و

میگفت که [illegible] ابی جعفر کرخی بود [illegible] مذهب صحیح [illegible]

مذهب ابی [illegible] بود [illegible] و [illegible] کرد و ابن قولویه

میفرماید که چون دانستیم که ابو دلف میل بابی بکر بغدادی نمود پس او را لعن نمودیم

و از او بیزار شدیم زیرا که نزد ما اینست که هر کس که ادعای نیابت حضرت صاحب الزمان

عجل الله فرجه نماید بعد از فوت سمری پس او کافر منمس و ضال و مضل است [illegible]

میکنیم خوب گوشش خود را بگشا و این سخن را بشنو که فرمود [illegible] ادعا [illegible]

نمود کسیکه مدعی منصب نیابت و بابیت حضرت شود بعد از نواب اربعه پس او

کافر است پس چه شده است این طایفه را که از منصب بابیت ترقی نموده خود را بمقام

و نبوت و الوهیت رسانیده و آیا با این ادعا کافر و مرتد نیستند و آیا [illegible]

ذکر غلاة و مفوضه

غلو کرده‌اند است چنانچه کتاب خداوند تعالی اشاره به عیسی بن مریم و مادرش فرموده
که کانا یأکلان الطعام بود خدا نه‌اند که طعام میخوردند و لازمه اقل مراتب عدم خروج از حد بشریت
است پس محتاج ممکن خفی علی اطلاق در رب الارباب نیست و همین قدر از برای
فهم عامی کافی است و تحقیق آنرا با اخبار وارده در رد ایشان و خطب سید الاوصیاء
امیر المؤمنین علیه السلام را در جلد اول کتاب بحار الانوار ذکر نموده‌ایم و در کتب کلامیه مطول
بحث و تقریر است و در کتاب عین الحیوة ... قدری ذکر توحید و
نفی صفات حضرت عزت نموده‌ایم پس هر که قائل به الوهیت انسانی شود و قائل حلول خدا
در او یا متحد با خدا باشد کافرست ... اتحاد و حلول
اتحاد است ... هر چند چون
حال غلاة و مفوضه که قائل به تفویض خالق ... و یا قائل به نبوت
ایشان شده‌اند اعتقاد و بیزاری ... آنها
... پس حال دیگران و جزای این قول در حق غیر ائمه علیهم السلام که البته در
رابطه ... خواهد بود قال الله تعالی فی سورة آل عمران ما کان
لبشر ان یؤتیه الله الکتاب والحکم والنبوة ثم یقول للناس کونوا عبادا
لی من دون الله ولکن کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الکتاب وبما
کنتم تدرسون یعنی در این آیه شریفه که جایز نیست از برای بشری که خداوند تعالی
عطا فرماید او را کتاب و حکم و نبوت را و بعد از آن بگوید بمردم که بوده باشید اهل علم
و عمل ربانی ... از مجمع البیان روایت میکند که ابا رافع و سعید نجرانی بحضرت رسول ص

[illegible]

و در بیان آنکه ابن نوشت بسوی حضرت امام محمد باقر [illegible] آنحضرت را [illegible]

خود نمود [illegible] آنحضرت اقرار کند به نبوت و پیغمبری او [illegible]

[illegible] میشود و بیشتر می‌آمد زیرا [illegible] خبر میداد و چگونه [illegible]

شخص [illegible] اگر اظهار نمود [illegible] که با امام محمد [illegible]

[illegible] اظهار کفر [illegible] امام علیه السلام [illegible]

[illegible] آنها [illegible] و آنرا [illegible]

و گوید [illegible] چرا [illegible]

[illegible] لوح [illegible]

مرا [illegible]

[illegible]

[illegible]

روایت کرده است [illegible] حضرت امام رضا [illegible]

[illegible] حضرت امام رضا فرمود

داد مرا پدرم موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش علی بن الحسین [illegible]

فرمود که فرمود رسول خدا [illegible]

[illegible]

[illegible] امیر [illegible]

منزلتی که پیدا نمود بجهت کثرت طاعت بود خدا را پس مرتبه حضرت پیغمبر
را نیز مرتبه حضرت رسول است و آنحضرت نیز بنده خدا بود و از عبد الرحمن بن کثیر
روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام روزی با اصحاب خود فرمودند
که خدا لعنت کند مغیرة بن سعید را و لعنت خدا بر آن زن یهودیه باد که مغیره نزد
او میرفت و علم سحر و شعبده و نیرنگ را از آن زن تعلیم میگرفت بدرستیکه مغیره
دروغ بست بر پدرم پس خدا ایمان را از او سلب فرمود و بدرستیکه گروهی بر من
دروغ بسته اند چه میشود آنها را بچشاند خدا [illegible] آهن را پس بخدا
که نیستیم ما مگر بنده آنکسیکه ما را خلق کرده است [illegible] قادر نیستیم بر
نفعی و ضرری نیستیم و اگر خدا ما را رحمت فرماید [illegible]
بواسطه ذنوب و گناهان ما است بحق خدا نیست از برای ما بر خدا حجتی
از جانب او ایمنی داشته و دستخطی از نجات [illegible]
در قبر گذارده میشویم و مبعوث میشویم و در موقف حساب می ایستیم و مسئول کرده
میشویم وای بر ایشان چه میشود ایشان را لعنت خدا بر ایشان باد بتحقیق که اذیت کردند
خدا را و اذیت کردند رسول خدا را در قبرش و اذیت کردند امیر المؤمنین و
فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم السلام را اینک
من در میان شما حاضرم گوشت و پوست رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشم در
فراش خود و در حالتیکه از خدا خائفم و لرزانم و ترسناک [illegible]

و من فزعناک میخواهند بر فرشته‌های خود داخل شوند و خواطر من در شب [illegible] دهر است
و از بس ترسیدم از خواب بیدار شدم و در میان بیابانها بود که همه از ترس و اضطراب از خوف
بیزاری میجویم بسوی خدا از آنچه گفته است و بار دیگر رجوع بر او عدد بنی اسد ابو الخطاب
خدا لعنت کند او را بخدا قسم هرگاه [illegible] شده بود نه ما بود بر [illegible] آنکه
بود دیدیم که چنین گویند هر آینه واجب بود بر آنها که قبول کنند و حاصل آنکه رد نیست که
بر [illegible] اگر [illegible] آن شود واجب است بر مردم رد آن و خبر
که [illegible] در حال آنکه می‌بینند مرا که از خدا خائف و ترسانم
[illegible] در حق آنها میگویم و [illegible] خدا که [illegible] از آنها بیزارم از آنها
[illegible] ذریه رسول خدا که [illegible]
[illegible] هرگاه اطاعت کنم خدا را بر من رحم میکند و اگر
[illegible] مرا عذاب دردناک باشد عذاب [illegible]
بیان شعبده یکنوع بازیست و سبک دستی است مانند آنکه در نظرهای مردم
دیده میشود که حقیقت و اصل ندارد و مخاریق جمع مخراق است و اصل آن آنست
جامه بر هم پیچند و اطفال بر یکدیگر زنند و مخرق بسیاری کذابست و اجدع
کسیکه دماغ یا گوش یا دست یا لب او را بریده باشند و بر او گویا بعضی علما
سوهان و [illegible] ساز باشد و هشام بن الحکم از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که آنحضرت فرمودند که شیطان جلوه کرد از برای بیان و سری
و بزیع خدا لعنت کند اینها را در بهترین و نیکوترین از صورتها از سر تا قدم

از خرافات دارد حقیقت حال ... علیهم السلام را بگوید ... که صلوات ... ایشان
پس هرگاه ایشان علیهم السلام صادق و مصدق بوده چاره‌ای نداری جز راست
بودن ایشان را و از جمله طاعت ... قائل ... تسبیح ... الله ... لا تقولوا ثلثه ...
... خود ... دست ... لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ... از
... از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند ... شارب ...
... شده ... بوده ... فرمودند ... از ... ای
ایشان ... توبه کنید بسوی خدا پس ... عرض
میکنم ... دلالت دارد بر قبول شدن ... توبه ... علیه السلام
... پس لازم است ... باشد ...
... گردند از فضل عظیم ... رحیم ...
... است و نیز ... روایت ... که حضرت ...
... عرض کردم بشارات عرض کردم بشارات ... بشارت ...
... است حضرت فرمودند ... آنچه گفتند ... توحید کردند
خدا را و درستی که ایشان گفتند قول عظیم و بر رگی یعنی با وجود آنکه یهود گفتند عزیر
پسر خدا است و نصاری مسیح را مع ذلک خلق و رزق را نسبت بخدا میدادند و ... خلق
و رزق را نیز نسبت بخدا میدهند پس ... حضرت فرمودند چون
... بگو ... حضرت فرمودند ... من بیزارم از تو ...
چون ... آمدم و متاع و اسباب سفر را نهادم آمدم بدر خانه ... را و گفتم که بگو ...

[illegible]

اسمعیل که ملازم حضرت بود رفتم نزد ابی الحسن ... چون داخل شدم بر من پس یاد گفتم که خبر من خبر فرموده است بیتی که این فرمانده که ... ابراهیم ... پس ... گفت که ... کسی من را فرمود گفتم ... یاد کردند این ... گفتم پس گفت ... اینها میکرد عرض میکنم ... که چگونه شیطان جمیع الفار ... ضلالت ... داود ... استعاد خود میکردند ... بوجود ... که ... امام ... لعنت ... مع ذالک ... که عرض ... بجهت ... بگم ... که متصل ... مسلم ... که ... امام حق ... باشد و ... تقریح ... از ضلالت ... خود ... میکرد ... حجیت ... اگر ... است ... الملهان اعرب ... هندی ... مکار ...

نازحان اهل ضلال را و مریدان آنرا بفهم که حضرات ائمه هدی علیهم السلام هر طرف با آنها ... بحث ... میکردند و مریدان ... حضرات ... با وجود آنکه خود ائمه هدی علیهم السلام لعن و طعن میزدند بر آنها و میگفتند که نسبت ... باشد ... که ... دادند و مع ذلک ... میکرد ... کلام امام را بر ... میکردند پس ... اگر علاج ... دوزخ است ... ادل در کلمات صریحه ... غرض ... کلامی ... حکمت نخواهد بود اینکه امام علیه السلام حق ظاهر است ... میکند ... کفر ...

دلیل ... علیه السلام ... [illegible]
... حضرت ... [illegible]

[illegible]

... که ... [illegible] ... بعد [illegible]

بود از آنحضرت بجهة [illegible] خدا [illegible] بود [illegible]

[illegible] در باره آنحضرت و [illegible]

در آیه [illegible] مضمون آنکه در [illegible] شیخ [illegible] نقل [illegible]

[illegible] تعالی [illegible]

[illegible] دیگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله [illegible]

حال آنکه خود او عین ذات خدا بود [illegible]

خویش ذات [illegible] بود این مضمون [illegible]

خدا بود از [illegible] ظاهر [illegible]

[illegible] خود را [illegible] خود [illegible] ظاهر ساخته [illegible]

[illegible] چهار نفر علی و فاطمه و حسن و حسین [illegible]

[illegible] در حقیقة یک شخص [illegible]

است و بزرگ [illegible] شخص محمد شده اند [illegible] علی [illegible]

[illegible] سلمان را [illegible] محمد را رسول [illegible]

موافقت دارد با اصحاب [illegible] و تناسخ [illegible]

[illegible] شکر [illegible]

در [illegible] محمد را [illegible] علی گفته [illegible] رسالت [illegible]

[illegible] محمد [illegible]

در ذکر غلاة

عرض می‌نماید که پس معلوم شد که جمعی قائل شده‌اند بر ربوبیت علی و امثال الوهیت از جهت

سوی فاطمه و علی و بعد از آن سوی حسن و بعد از آن بسوی حسین و بنیکه پس از آن پیغمبر بود از

جانب محمد صلی الله علیه و آله بنیکه محمد صلی الله علیه و آله است و ادراع یعنی ... لعنهم الله تعالی جمیعا و فتح

عذابا. نیما پس ای عیالی در حیرت دیدیم شنیدی که کفریات این طایفه باییه علیهم اللعنة

که پیروی کرده‌اند آنها هم راه تجدید نموده حلول و تناسخ را و قائل شده‌اند با چه

محرمات و شنیدید که چگونه آل محمد علیهم السلام از آنها تبری جستند و لعن نمودند پس

بعضی از آنها [illegible] است که اسکان بجه اتحاد و اقوال از فصول با

ابهه [illegible] ای چاره عاقی [illegible] از [illegible]

محمد [illegible] که خدا بر تو پوشیده

است [illegible] کرده است [illegible]

کرده است [illegible] که [illegible] شیطان الیس

شیطان است گمان دارید یا خارج شده از [illegible] عرض می‌کنیم در صورتی

که امام حق حاضر انقدر لعن و تکفیر و ملعون نماید اصحاب خود بر ساند و مع ذلک

از اصحاب انتخاب غلاة آنها و اینکه از و شنیده‌اند چه توقع دارید از این ملعونان

که در ظاهر امام خود در دسترس نیست که مسکنت و پیشوا بخود نیکند خدا بهبای جای

که از متشابهات بپرسد ل خلفا هر شد لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

پس وای بر آن کسیکه در لباس اهل علم باشد و مخالفت شرع اطهر نماید و از آنجهت

جهال گمراه شوند و وای بر آنخواهم که دست از دامن علما حقه بردارند و مخبوط

شیطانی گمراه شوند در خبر است از ابن عمار گوید که حضرت صادق علیه السلام فرمودند
به شما رسید که خارجی [illegible] شما از من دور شد خدا را لعنت کنند والله سخنی بدتر و
[illegible] از [illegible] پس چون بیرون رفت فرمودند وای بر او چرا قائل نشد
بآنچه یهود قائل شدند و چرا نگفت آنچه را نصاری گفتند و چرا قائل نشد بآنچه
مجوس قائل شدند یا صابئیه یعنی قول این ملعون عظیم‌تر است از قول آنها و فرمودند
والله کوچک و صغیر قرار نداد احدی خدا را مانند تصغیر این فاجر بدرستیکه این شیطان
بن شیطان است که از دریا بیرون آمده است تا اغوا نماید اصحاب و شیعه مرا پس حذر
کنید از او و حاضران بغایبان برسانید که [illegible] خدا
بنده خالص فرزند امه [illegible] از اصلاب [illegible]
آمده‌ام بدرستیکه من میمیرم و مبعوث [illegible]
سئوال کرده شوم والله مسئول کرده [illegible]
وادعائی کرده است بر من وای بر او چه [illegible] یقین
بفراش خود میخوابد و مرا الفزع در آورده است و مرا [illegible] درآورده است
در خواب نموده است آیا میدانید چرا [illegible] در قبر
خود قرار بگیرم یعنی در قبر عذاب کرده نشوم از جمله غلاة ملاحده محمد بن بشیر است از
رجال کشی نقل شده است که چون حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از دنیا
رفت واقفه بر آنحضرت توقف نمودند محمد بن بشیر صاحب شعبده و مخاریق بود و در
و مشهور بآن بود پس آن ملعون مدتی بر وقف بر آنحضرت شد و گفت که آنحضرت خدا

در ذکر [illegible]

ایشان [illegible] می‌بینند [illegible] ایشان بر آنند که اهل [illegible]
بلکه [illegible] است که [illegible] باشند از حیث بشریت و [illegible] و بعد از آن خلق [illegible] از آنحضرت محجوب
شدند و از ادراک آنجناب محروم و حال آنکه آنحضرت قائم است و موجود است در میان
ایشان چنانچه پیش از این بود و لکن خلق محجوب از آنجناب و ادراکش شدند چنانچه
پیش ادراک می‌کردند و این محمد بن بشیر از اهل کوفه و از موالی بنی اسد بود و از جمله
اصحاب بود و گفتار [illegible] که موسی بن جعفر فوت نشده و در حبس هم نبود بلکه غایب شد
و پنهان [illegible] وقت غیبت خود خلیفه کرد [illegible] محمد بن
بشیر را وصی خود قرار داد و خاتم [illegible] داد و جمیع علوم دینیه [illegible] که مردم
باو محتاج [illegible] را باو تفویض نموده و او را قائم مقام
نفس خود [illegible] امام است بعد از آنحضرت و نیز از آنکتاب است
محمد بن [illegible] از عثمان بن عیسی کلابی
روایت کرده است که عثمان بن عیسی گفت که شنیدم از محمد بن بشیر که میگفت که ظاهر
انسان آدم است و باطنش ازلی [illegible] بود خدا بود و هشام بن سالم در این باب با آن
مناظره کرد پس منکر نشد و بان اقرار نمود و چون خواست از دنیا برود فرزند خود را که
سمیع بن محمد باشد وصی خود قرار داد و گفت که او امام است و هر کس را که سمیع وصی
داد نیز امام مفترض الطاعه میباشد بر تمام امت تا وقت خروج موسی بن جعفر و بر مردم
لازم است که حقوق اموال خود را و تمام وجوهات دیگر را ببرند نزد اوصیاء محمد بن بشیر تا
قیام قائم که حضرت کاظم علیه السلام است و این قوم را عقیده چنین است که خدا در [illegible]

[illegible]

دکان الدنیا

[illegible] و مرد عنان [illegible] رسول آنحضرت و از فرزندان [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] احوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] که قتل [illegible] آنها را [illegible]

باشد [illegible] آنها [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حلول کرده است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] مذهب علیا [illegible]

[illegible] آنحضرت که آل محمد علیهم السلام [illegible]

[illegible] مصداق آیه کریمه [illegible]

[illegible]

[illegible] بشر [illegible] که محمد [illegible]

[illegible] کرده است مذهب علیا [illegible] آل محمد [illegible]

در شعبده ...

وحی ملی اند در مذهب غلیا و یه دکاذب اند و ادعا نسب کرمیکنند زیرا که محمد بن علی رب
لا یلد و لا یولد تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا و لعنهم الله لعنا وبیا علت کشتن
محمد بن بشیر لعنه الله این شد که او علم شعبده و مخاریق بسیار داشته بانضمام فریفته
اظهار میکرد که او نیز واقفی است و او قائل به وقف حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
بود و خود را نبی و پیغمبر از جانب آنحضرت میدانست و صورتی ساخته بود با شباهت بر
حضرت از ... و ... پیدا ... حالیه نموده و حیلها در آنجا به فعل میآورد
و بکار برده ... شبیه بصورت ... بود و آنرا در میان جامه پیچیده و چون
اراده شعبده میکرد آنرا ظاهر میکرد و با ... میدید و آنرا شکل آدم برپا میداشت
و با ... خود ... حضرت ... منم ... اگر طالب ... اید
ملاقات او ... خود ... پیغمبر او ... پس
بیایید تا ... پس آنها را داخل حجره میکرد و آنجا به یه را
پیچیده نزد خود داشت پس چون داخل حجره میشدند میگفت نظر کنید آیا کسی را
در این حجره میبینید چون نگاه میکردند کسی را نمیدیدند پس
میگفت امثال بیرون روید چون از حجره بیرون میشدند زیر پرده میان خود و
ایشان میآویخت و آن صورت را بیرون میآورد و برپا میداشت پس از
شعبده که داشت چنان میکرد که گویا آن موسی بن جعفر علیهما السلام است
و به ایشان نشان میداد و خودش نزدیک آن میشد مثل کسیکه با یکدیگر
نجوی کنند پس ایشان را اشاره میکرد به سمت نشان میداد که دور شوید

و سبب کشته شدن او

پس پرده را فرو میگذاشت و دیگر چیزی پیدا نمیدید و از اینگونه مردم گمراه [illegible]

و غیر از این اشیا [illegible] انواع شعبده [illegible] اشت که [illegible] آنرا [illegible]

بودند پس بسیاری گمراه گردیدند و بواسطه آن هلاک شدند و [illegible]

بر آن مقالات گمراه شدند [illegible] بوده بغیر از [illegible]

که کلام آنست که [illegible] از خدا [illegible]

ذکر شد که او زندیق است پس او را گرفتند [illegible]

[illegible] بقتل [illegible]

و اعتقاد [illegible] بوده باشند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کارهای

دیگر [illegible] قرار داد تا آنکه روزی

بعضی از الواح شکست [illegible] پس آن [illegible] معطل [illegible]

ظاهر شد قول او و تعطیل و اباحات [illegible] حضرت ابو جعفر

و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام او را نفرین کرده [illegible] خدا

سؤال میکردند [illegible] را بانواع عذاب

معذب داشتند و آخر او [illegible] ابو عمرو

گوید که [illegible] محمد بن عیسی [illegible] روایت کرده و بعضی از آنها [illegible] بن

در اینکه شعبده مثال امر غریب [illegible]

الرحمن و هاشم بن ابی هاشم جعفی از آن شعبده خارق [illegible] ذکر شده بود پس

بعد از او [illegible] اسم [illegible] بوی [illegible] شد یعنی بعد از آن ملعون این ملعون هر دو هم اگر ابا میکرد

بعد از امر علی علیه السلام [illegible] که اگر گفته شود که آیا نیست ظهور معجزه به دست

کاذب قبیح بنا بر اصول اهل عدل و بواسطه معجزه اثبات نبوت و امامت میکنند پس چگونه

جاری شد این امور عجیبه بر دست این ملعون و آیا نیست در آن اغرا بر قبیح پس مثل

آنکه جاری شده [illegible] قبیح است بلکه محال است چون با آن اثبات نبوت و امامت

میشود [illegible] جواب [illegible] اینکه این معجزه بود که خارق عادت

باشد [illegible] شعبده بود [illegible] جهال و اهالی خلق از شعبده

باز [illegible] گمراه شود و پس از جهت تقصیر ایشان است

در تامل [illegible] است که مثل ابو علی [illegible]

آنکه ظهور معجزه [illegible] کاذب [illegible] و اغرا به باطل است که آن کاذب [illegible]

بوده باشد امر ممکنی اگر عقل حاکم [illegible] آن بناشد و این ملعون مدعی بود و [illegible]

از برای بشر محدث مؤلف [illegible] و این ضروری است که تمام عقول حکم میکنند بمحال بودن

آن پس اغرا بر قبیح نیست عرض میکنیم وجه ثانی بنا بر فرض محال است زیرا

که معجزه بدست کاذب ظاهر نمیشود ابدا و یک فرق میان معجزه و سحر است که اول

بر وجه حقیقت است و اصل دارد و دوم که سحر است حقیقت و اصل ندارد وجه [illegible]

صواب جواب دوم است که این نوع سحر و شعبده در بسیاری از جهال و عوام

الناس بوده است پس خارق عادت نیست و نیز از کتاب کشف الغمه [illegible]

و امدی [illegible] علیه السلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] والا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] روایت

حمید المدائنی روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت کاظم علیه السلام که کسی از
آنحضرت سؤال کرد و عرض کرد شنیدم از محمد بن بشیر که میگفت که تو نیستی موسی بن
جعفری که امام ما و حجت خدائی بر ما تو آن نیستی آن موسی بن جعفری که امام و حجت
حضرت سه مرتبه فرمودند لعنه الله خدا او را لعنت کند و بچشاند او را [illegible]
او را به بدترین کشتنها پس من عرض کردم فدایت شوم هرگاه من این کلام را از او بشنوم
آیا حلال است بر من خون او در ریختن خون او [illegible] حضرت فرمودند بلی
حلال است و الله حلال است و الله خون او مباح است بر تو و بر هر کسیکه این کلام
را از او بشنود عرض کردم [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible]
[illegible]
کردم هرگاه [illegible] کلام را از او بشنوم [illegible]
و او [illegible] آیا چه چیز است [illegible] حضرت فرمودند [illegible]
[illegible] آیا نمیدانی که [illegible]
[illegible]
[illegible] عرض میکنیم [illegible]
[illegible]
[illegible] پس تو [illegible]
[illegible] جواب [illegible]

دهم بشری علیه السلام

فیه ... لعنه الله اصحاب آنجناب بسیار است چنانچه در نسخه دیگر ال...
و از علی بن ابی حمزه بطائنی روایت کرده است که گفت از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
شنیدم که میگفت خدا لعنت کند محمد بن بشیر را و بچشاند باو گرمی آهن را بدرستیکه او
دروغ بر من می بندد خدا از او بیزار باد و بیزارم من بسوی خدا از او و خدایا بدرستیکه
من بیزاری میجویم بسوی تو از آنچه ادعا میکند در باره من ابن بشیر خدایا مرا راحت
انداز از او و بعد از آن فرمودند ای علی احدی جرئت نکرد که عمدا دروغ بر ما بندد
مگر آنکه خدا چشانید باو گرمی آهن را بدرستیکه بنان دروغ بست بر علی بن الحسین
پس چشانید خدا باو گرمی آهن او بدرستیکه مغیرة بن سعید دروغ بست بر
حضرت امام محمد باقر پس چشانید باو گرمی آهن او بدرستیکه ابا الخطاب
دروغ بست بر پدرم پس کشت او را ... گرمی آهن او بدرستیکه محمد بن
بشیر خدا لعنت کند او دروغ بر من می بندد من بیزاری میجویم بسوی خدا از او
خدایا بدرستیکه من بیزاری میجویم بسوی تو از آنچه او ادعا میکند در باره من
محمد بن بشیر خدایا در راحت انداز مرا از او خدایا بدرستیکه من سئوال میکنم
که خلاص کن مرا از این رجس نجس محمد بن بشیر پس بتحقیق که شریک شد
شیطان با پدر او در رحم مادرش علی بن ابی حمزه بطائنی میگوید
پس ندیدم احدی را که کشته شد بدتر از کشتن محمد بن بشیر لعنه الله بوده باشد انتهی
عرض میکنم از جمله غلاة و ملحدین علی بن حسکه قمی و قاسم یقطینی و فارس بن
حاتم قزوینی و ابن بابا قمی میباشند و نیز از الکتاب روایت کرده است از سهل بن

زیاد

[illegible]

و یا ... بعضی از اصحاب نوشت بسوی ابی الحسن عسکری یعنی امام

علی نقی علیه السلام که فدایت شوم ... و موالیان ... علی بن حسکه

مدعی است که از دوستان و اولیاء شما میباشد و اینکه تو اول قدیم ...

او باب تو و پیغمبر تو میباشد که امر فرموده او را که مردم را بسوی دعوت نماید یعنی برو

و میگوید که نماز و روزه و زکوة و حج تمام اینها معرفت و شناختن تو میباشد

بر ابوطیبت و بر کسی که ... [illegible] ... باشد در آنچه او ادعا

میکند از نیابت و نبوت پس او مومن کامل است و عبادات ... [illegible]

نماز و روزه و حج و ذکر کرده ... [illegible] ... که معنی آنها ... است که برای

تو ثابت میکند یعنی مراد ... [illegible] ... باشد و مردم

بسیاری میل باو کرده اند پس ... [illegible] ... بر موالیان خود

و نجات دهی ایشانرا از هلاکت ... [illegible] ... راوی گوید

پس حضرت نوشتند که دروغ گفته ابن حسکه براو باد لعنت خدا و کفایت میکند

ترا که منع کرد او را از موالیان خود نمی شناسیم یعنی از ایشان نیست چه میشود او را

لعنه الله خدا لعنتش کند پس بخدا قسم که خدا مبعوث نگردانید محمد صلی الله علیه

و آله را و پیغمبران پیش از او علیهم السلام را مگر بملة حنیفیه نماز و زکوة و حج و روزه

و ولایت ... [illegible] ... محمد صلی الله علیه و آله مردم را مگر بسوی خداوند وحده

لا شریک له و همچنین ما اوصیاء او از فرزندان آنحضرت بندگان خدائیم ... [illegible]

شریک ... [illegible] ... اگر اطاعت کنیم او را رحم میکند بر ما ... [illegible]

[illegible marginal notes]

میکند با امامت را برای ما بر خدا حجتی بلکه حجت از برای خدا ست بر ما و بر جمیع
بندگانش بیزاری میجوییم بسوی خدا از کسی که آن سخنان را گوید و از آن گفتن
دوری میجوییم بسوی خدا یعنی از مقالات این جماعت [illegible] دوری کنید از ایشان و هجرت
نمائید از آنها خدا لعنت کند ایشان را و مجا سازید آنها را با ضیق طریق [illegible] از امام
حجت است و باشد بهر ساختن آنها است و تکذیب نمودن آنها با زحمت پیدا
کردن آنها میباشد [illegible] هرگاه یافتی از آنها را در خلوت [illegible]
پس بگو [illegible] عرض [illegible] سلیم و نظر عبرت تامل کن
در فرمایش [illegible] تهدیدات [illegible] او از این طایفه [illegible]
[illegible]
بلکه آن ضلالت [illegible] عشق [illegible]
[illegible] معصوم بوده اند [illegible]
سایر عبادات را اول معرفت امام میگویند و این کفره فجره [illegible]
کافر می باشند و معرفت و ولایت او را اعظم طاعات میدانند [illegible] عبادتی را
غیر از آن نمی دانند پس شنیدی که از امام علیه السلام فرمودند [illegible]
یقول ذلک و انتهی الی تنه من هذا القول و بعد [illegible] فاهجروهم لعنهم الله
پس ای عامی و جاهل هرگاه از خدا میترسی [illegible] امام علیه السلام [illegible]
واجب است بر تو که از این کفره فجره بیزاری بجوئی و دوری کنی [illegible]
کفر آنها مذهبی پس هرگاه خواستی یقین نمائی [illegible]

وتشابه فیها بانها

بعضیه ملعون اند بیرون جسته پس خدا که باو آن بنا را که با سنگ و ریط آن
است که ایشم از قائل ... بسیار تامل و تفکر کن شاید خدا از تهمت
فرماید قائل که خدای نوعی بود بسوی نوعی حدی نوعی نشود که این قول قائلم ملعون
مذهب هاست و احدی از انبیا چنین قول نگفتند بلکه قائل آن را تکذیب و تکفیر فرموده اند
این صورتها و عکسها که اینها برمیدارند و پرستش میکنند عمل احدی از انبیا و اوصیا
بلکه مؤمنین نبوده است و همین بس است از برای فهمیدن تو فساد و خبث آنها
و خبث آنها از رجال کشی از نصر بن الصباح ... روایت کرده است ... داود که
بود که علیا وی ... بودند و در باره حضرت ... میگفتند و علی بن حسکه ... استاد
قاسم شعرانی یقطینی بود و ابن بابا ...
بودند تمام ملعون بودند لعنهم الله ... آنها ...
در بعضی از کتب خود ذکر فرموده است که ...
فارس بن حاتم قزوینی میباشد مجلسی فرماید بعد از این ... روایتی
روایت کرده است در لعن فارس و اینکه امام علی نقی علیه السلام امر کرد جنید را
که فارس را بکشد پس او را کشت و هم چنین حضرت امر فرمودند بکشتن جماعتی دیگر را
که از غلاة بودند مثل ابی السمهری و ابن ابی الزرقا کشی میفرماید که ذکر کرده است ابن
فضل بن شاذان در بعضی از کتب خود که از جمله کذابین مشهور ابن بابای قمی است
سعد میگوید که حدیث کرد مرا عبیدی گفت نوشت بود من حضرت عسکری علیه السلام
ابتدا ... مشغول که بیزاری میجویم بسوی خدا از فهری و حسن بن محمد بن بابای قمی پس بیزار

[illegible]

جو و تبری با از آنها و پس بدرستیکه میر پیامبر تور و ... با ایشان او تجویز میکنند
از آنها و بدرستیکه لعنت هیچکس بر آنها و بر آنها و بار لعنت خدا از و بر ند ها اند که
میخوانند مردم را بواسطه یا یعنی بالت ریاست و دنیای خود ترا زبانه اند که دو
فتنه انگیز و فساد کننده و موذی و اذیت کننده اند خدا اذیت کنندگان
دورا یعنی جزای ایشان بد بدوزخ و برد خدا آنها را از رحمت خود دور گردانید
میکنند این با یا اینکه او را من فرستاده ام و مبعوث بپیغمبری کرده ام یعنی
او با ... لعنت کند و را شیطان او را مسخره کرد پس اعتقاد
کرد ... پس لعنت خدا و ملائکه ... هر که این قول را قبول نماید
اگر ... آنها پس بدرستیکه او ... تحقیق که
او از ... خدا ... آنحضرت ابو عمرو گوید پس طایفه
قائل شدند ... و علت آن این بود که آن ملعون ادعا
کرد که او پیغمبر است و حضرت امام علی النقی علیه السلام او را فرستاده است و
قائل بتناسخ است بوده و غلو داشت درباره آنحضرت و قائل بود بربوبیت
آنحضرت و محرمات را حلال میدانست و نکاح رجال بعضی با بعضی را حلال میدانست
یعنی لواطه و میگفت که لواطه از فاعل و مفعول بیکی از شهوات و طیبات است
و بدرستیکه خدا هیچکدام را حرام نگردانیده است یعنی شهوات و طیبات حرام
نیست عرض میکنم با هوسهایش و کلمات و عقاید این فرقه باطله علیهم اللعنه را
بالفرق ... تا بحق الیقین بر تو واضح شود که این ها عین مجوس همان ... عنها

و تفصیل محرمات و ما ورد [illegible]

بفرما قبلا خطا بشند بر تمام لغات و تبریهای آل محمد علیهم السلام شامل بار الرحمن
حق و دست و تقصیر بار [illegible] بن حسن بن فرات آن ملعون [illegible]
و سبب او را فراهم ساخت و کمک میکرد و دید بعضی از مردم محمد بن نصیر را
و بعد از کشتن که جوانی بر پشت او بود با او لواطه میکرد پس او را [illegible]
و است نمود پس محمد گفت بدرستیکه این از لذات است و آن [illegible]
خدای تعالی است و ترک تکبر است و مردم درباره او [illegible]
و تبری از که اورا از سعد روایت کرده است گفت [illegible] محمد بن [illegible]
جعفر بن عیسی و از علی بن اسمعیل میثمی از حضرت امام [illegible] که حضرت
فرمود اذیت کرد مرا محمد بن الفرات [illegible]
و بچشاند باو تیزی آهن را اذیت کرد مرا [illegible]
اذیت کرد ابو الخطاب جعفر بن محمد علیهما السلام [illegible]
مثل انچه دروغ بست محمد بن الفرات یعنی اذیت محمد بن فرات لعنه الله و افترا کرد
انچه اول بالاتر بود از اذیت ابو الخطاب و اصحابش و افترای آن ملعون [illegible]
فرمودند و الله احدی بر ما دروغ نبندد مگر انکه بچشاند خدا باو تیزی آهن را محمد
عیسی گوید پس خبر دادند مرا آنها و راوی و غیر آنها که از او بالا کشید محمد بن فرات
بکرا اندکی انگشت او را ابراهیم بن شکله بدترین کشتنها و این محمد بن فرات مدعی
بابیت بود و ادعای نبوت میکرد و معرض میکنیم گویا ادعا میکرد که حضرت رضا
خدا است و من نبیم از جانب او باری میفرماید که قسم تقلیسی و علی بن حسکه نمیرا

از دعا بسکردند لعنها الله خدا لعنت کند او را و از علی بن حنظله روایت کرده

که گفت شنیدم از حضرت باقر علیه السلام در وقتی که ذکر شد نزد حضرت ابی عبد

لعنه الله فرمودند لعن کند ابا الخطاب را و لعن اصحابه و خدا لعنت کند هر که شک کند کلان در

لعن او و شک در آن نماید بعد از آن فرمودند ابو الغمر جعفر بن واقد و هاشم بن ابی هاشم

که میخواندند مردم را بواسطه ایشان که بودند ایشان داعیه و دعوت کنندگان مردم

بآنچه دعوت میکرد ایشان را ابو الخطاب لعنه الله و لعنت کند خدا ایشان را با او و لعنت

کند هر کس را که این قول را از ایشان قبول کند یعنی این سه نفر هستند ابو الغمر و زینب

[illegible] قول [illegible] داده اند و آل محمد علیهم السلام

الت [illegible] دنیا [illegible] حضرت فرمودند ای علی حنظله کسی در

لعنت کردن [illegible] ایشان را پس هر کسیکه خدا لعنت کرده

ایشان را [illegible] حضرت [illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند

آن یأنف من لعنة الله فعلیه لعنة الله یعنی هر کس کراهت دارد که لعنت

کند کسی را که خدا او را لعنت کرده است پس بر او باد لعنت خدا و یونس

روایت کند که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند ای یونس آیا نمی بینی محمد بن

فرات را و آنچه دروغ بر من می بندد عرض کردم ابعده الله و اسحقه الله

و اشقاه خدا او را از رحمت خود دور کند و غضب نماید بر او و او را بدبخت کند

حضرت فرمودند خدا کرده است با او این کار را چشانید با او تیزی آهن را چنانکه

چشانیدند بآنهائیکه پیش از او بودند از کسانیکه بر ما دروغ می بستند ای یونس اینرا

اقوال ائمه در این باب بسیار است [illegible] لعن ایشان [illegible] و در صورت صحت [illegible]

لعن ایشان و [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] از تفصیل و ادله [illegible] لعن ایشان

و اولیای ایشان با اعتقاد و فتوای [illegible] و باطل شمردن [illegible]

[illegible] از ایشان [illegible]

باو گفتم تا اگر تعدیل کنی اصحاب مرا از او و امر کنی اصحاب مرا که از او الفرج باخذ دارند از آن
بشنیدند پس چیست که خدا او حرام است و طعن با نبیه بر شنیده بروایت کرد او
که گفت نوشتم بسوی آنحضرت که فدایت شوم در رسته که نزد ما قومی میباشند که
اختلاف کرده اند در معرفت فضل شما با قوال مختلفه که دلها از آن مشمئز میشود و
بجهة آنها تنگ میشود و در آن پاره احادیثی ذکر میکنند که جایز نیست از برای ما اقرار
بآن بودن و آنچه در آن احادیث است از قول عظیم و جایز نیست از برای ما رد آنها
و نه انکار آنها زیرا که نسبت داده شده است بسوی پدران تو پس ما توقف داریم
در آنها جهة آنکه ایشان میگویند تاویل میکنند قول خداوند عز و جل ان الصلوة تنهی
عن الفحشاء و المنکر را و قول خداوند عز و جل اقیموا الصلوة و آتوا
الزکوة را میگویند مراد از نماز مردی است [illegible] و زکوة [illegible] آن
بان مرد است [illegible] اخراج [illegible] میگویند از
فرایض و سنن و معاصی تمام را تاویل میکنند [illegible] عرض کردم پس
هر گاه رای مبارک تعلق گیرد به اینکه منت گذاری بر موالیان خود بانچه در آن است
سلامتی ایشان و نجات ایشان از آنچه هلاک میکردند ایشان را بسوی غضب [illegible]
پس بنویسید و کسانیکه این تاویلات میکنند و این تاویل را میگویند ادعا میکنند که
اینها اولیا میباشند و مردم را بولایت خود دعوت میکنند یکی از آنها علی بن حسکه است
و دیگری قاسم یقطینی پس چه میفرمایند در قبول کردن از اینها پس حضرت نوشت در
او که لیس هذا من دیننا فاعتزله یعنی نیست این از دین ما پس عزلت کن از او

[illegible]

دیگر بآن فرقه که هست انست که این طایفه کفر و زندقه هر طایفه را جمع کرده و تمام
یکدیگر برای خود قرار داده اند و از هر جا سخنی میگویند ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم **فصـل** بدانکه از آیات و اخبار صریحه چنین مستفاد میشود که چون کسی
بدعتی گذارد و باب ضلالتی بروی مردم گشاید و دست از دین حق بردارد و [illegible] شود
اضلال این جماعت نماید در دنبال شیطان برا و ظاهر شود و تقویت دهد
او را با ضلال و اسباب ضلالت را برای او [illegible] آن [illegible] و اول
امر بیابد که خود را نزد او [illegible] بشناسد که او شیطان [illegible]
برا و القا نماید چنین [illegible]
وقتیکه کار آن [illegible] رسد که [illegible] او [illegible] شیطان [illegible]
و او را منع از توبه بلکه [illegible]
[illegible] کشته شدن که [illegible]
کوید که [illegible]
ضلالت شده با کمال اشتیاق خوشنود شود و کشته شدن [illegible] آخر
او را بکشند و یا بگمان آنکه بمقامات میرسد پس میبایستی اظهار شوق و شعف نماید
تا جان بمالک دوزخ بسپارد و اینها که گفتیم تمام تصریح اخبار است پس مناسب
نمایم بعضی از آن اخبار را در اینجا ترجمه کنم تا اتمام حجت شده باشد [illegible] از کتاب
شیخ ابو عمرو کشی [illegible] روایت کرده است که گفت حضرت صادق فرمود
که خبر ده مرا از حمزه آیا [illegible] میکند که پدرم [illegible] میآید عرض کردم بلی فرموده

[illegible]

دروغ گفت منبه انشم که بیاید او را اگر شکون بدست آید شیطان مسلط میگردد و بیتا

که نام او سکون است بیاید مردم را بهر صورتیکه خواسته باشد اگر خواهد بصورت

شخص بزرگ میآید و اگر خواهد بصورت شخص کوچک و نیز اقسم فی توانا است بصورت

پدر بزرگوارم بیاید عرض میکنم پس از تصریح این خبر صحیح معلوم شد که شیطان

بهر صورتیکه خواسته باشد میتواند خود را ظاهر کند و باسم هر کسی خود را جلوه دهد

مگر آنکه بصورت [illegible] امام [illegible] پس کسیکه نبی و امام را ندیده باشد

نمیداند شیطان [illegible] بصورت [illegible] جلوه [illegible] این کس نبی و یا امام علیهما السلام

و ترا [illegible] میکرد و از باقی این همزه

ملعون و [illegible] آنچه باشد میکرد و از قول

بر ربوبیت [illegible] قبول میکرد و خلق را با آن دعوت

شیطانی دعوت مینمود پس بحد صریح [illegible] این ملعونه نیز ظاهر شده و هر

کس [illegible] دیده باشد میداند که کلمات آن تعلیم از شیطان است چنانچه میرزا حسینعلی

بها ضال میگوید در لوح هیکل که ندا کرد مرا در فوق پس نظر کردم دیدم

حوریه را و بعد از آن تعریف آن میکند و کلمات بسیاری از آن حوریه بیان میکند

پس قطعا بدان که آن شیطانی بوده است که حضرت فرمودند و بصورت

حوریه از برای او جلوه کرده است و نیز دلالت دارد بر اینها که این ملعون در شهوات

فرو رفته که شیطان سکون بصورتیکه محبوب او بوده جلوه کرده است والا اینقدر

انبیاء آمدند و علما که بر آنها نازل شدند و در هیچ دفتری نرسیده که حکایت کرده باشد

[illegible]

[illegible]

ما نه بسوی ما نازل شده باشد انتها اگر چه خود تعجب است از این غفلتها و از آن جاهلی که
این غفلتها واضح است بطلان او و هیچ جهت اشتباه در فساد و ضلال آن
نیست چطور میشود که این غفلت کرا چه شد بلی نیست مگر از خباثت طینت خود با
مثل [illegible] بعد [illegible] و نیز در [illegible] کتاب [illegible] آن جناب علیه السلام بوده است گر ده
که حضرت [illegible] اکبر الی ابا الخطاب بروی دیوار
مدینه [illegible] پس [illegible] شیطان را [illegible] ابا الخطاب [illegible] که خوشحال
باش یا ساکت باش که الآن ظفر یابی [illegible]
که ظاهر از این [illegible] بود که [illegible] آمدند که [illegible] شیطان [illegible]
ترغیب میکرد ابو الخطاب را [illegible]
[illegible] وصل کنند پس معنی چنین [illegible]
توبه و [illegible] پس [illegible] الآن تو ظفر [illegible]
که بمعنی رضا و تصدیق بوده باشد یعنی بر ضلالت باقی باش که ظفر یابی و [illegible]
که [illegible] و [illegible] خوانده است که بمعنی برجستن بالا یا از [illegible]
[illegible] میکنم بنا بر این قرائت معنی چنین میشود که توبه مکن [illegible]
[illegible] بسی بیاور که الآن بالا میروی و [illegible] حاصل آید
وقت کشته شدن آن ملعون شیطان جلوه کرده او را تسلی میداد و بشارت
میداد پس این شباهت [illegible] که از [illegible] علیهم اللعنه در بعضی افرادشان دیده میشود و
در وقت کشته شدن آنها اضطراب نمیکنند مثلا آیا آنکه توبه نمیکنند [illegible]

او مسعود را سه مرتبه فرمودند عرض میکنم اینک حضرت بالاقرار [illegible]

جهت تکذیب پیغمبر باید جلا بتصریح میفرمایند که [illegible] نبوت واو رسول خیر بود یعنی

که روایت شیعیان از اهل ضلال و الحاد [illegible] پس بفهمید این [illegible]

که این که روایت و دعاوی باطله را میکنند تا ما را اغواء شیطان [illegible]

میگوئید که ما میشنویم یا وحی بما میشود یا آنکه چنین و چنان را امر و نهی بکو [illegible]

از جانب شیطان است نه از جانب خداوند [illegible]

روی عرش نشسته است و دست بر سر او [illegible] و با او [illegible]

عرش شیطان و دست و [illegible] شیطان [illegible]

پس ای ابناء آخر الزمان [illegible]

و از ادعاء ربوبیت و نبوت و امامت [illegible]

که لیس هذا اول قارورة کسرت فی الاسلام [illegible]

بلکه همین صنعت شیطان بوده و خواهد بود تا زمانیکه امام عصر عجل الله فرجه ظاهر

شود و آن ملعون را ادراک و اصل کرداند پس جواب دلیل تامید ربانی او هم داده شد

که میگوید احدی من بلغاء نفسه قادر بر چنین ادعائی نیست اینک انقدر اهل الحاد

و زنادقه در زمان ظهور ائمه بلکه در هر عصر هر کدام از آل محمد علانیه انکو کذبوت

قائل بودند بلکه دانستی از اخبار گذشته که با وجود آنکه حضرت کاظم علیه السلام

در حیات بود و او را خدا میدانستند و خود را رسول او و شخص حضرت را که موسی بود

بود انکار مینمودند پس چه تعجب است دیگر از این طایفه بیحیا در این طول غیبت

یعنی دینی غیر از اسلام را خدا نمی‌پذیرد و طاعتی بدون ولایت آل محمد علیهم السلام
قبول نمی‌فرماید پس عبادت [illegible] گشته [illegible] اسلام و ولایت [illegible] و [illegible] در
اضداد [illegible] و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و تفسیر آن گذشت [illegible] از
علی بن عقبه از پدرش روایت کرده است که گفت داخل شدم بر حضرت امام جعفر
پس سلام کردم و نشستم حضرت فرمودند که [illegible] در این مجلس [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] آیا خبر [illegible] افضل اسلام پس [illegible]
گفت [illegible] گفتیم [illegible] افضل اسلام این است که گفته شود [illegible]
[illegible] است و فلان [illegible]
[illegible] پس [illegible] افضل اسلام چه [illegible]
[illegible] و جز این نیست که [illegible]
[illegible] یعنی [illegible] حکم [illegible] پس [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] پس [illegible]
[illegible] یعنی [illegible] است که [illegible] مردم [illegible]
[illegible] کردند پس [illegible]
[illegible] شنیدم از پدر بزرگوارم [illegible] که [illegible]
[illegible] هر شکلی [illegible] بصورت [illegible]
[illegible] خدا [illegible] مگر آنکه آن شیطان جلوه کرده است
[illegible] پس [illegible]

[illegible]

کار ایشانی [illegible] با دکتت شده اند پس چند دور کرد انداختها را حضرت شیخ
در حقیقت خود غضب نماید بر ایشان پس در حقیقت پاک نا شود دگر شیخ که ما مراد
این است که حضرت ابو الخطاب را [illegible] و [illegible] مردود [illegible] از
[illegible] و [illegible] کردند و منع [illegible] [illegible] بسته [illegible]
نداشته [illegible] [illegible] نگفته [illegible] [illegible] از دو [illegible]
[illegible] تا آنکه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] گشته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
ثابت شد که [illegible] [illegible] [illegible] آهی دست [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] [illegible] [illegible]
گفتن [illegible] [illegible] [illegible]
خود را [illegible] نماید [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] که دو [illegible] [illegible] [illegible]
میرزا حسین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرماید [illegible]
[illegible] از [illegible] دست [illegible] چرا [illegible] دارم که هر که [illegible]
رجوع [illegible] و خبرهای [illegible] آل محمد علیهم السلام [illegible]
ظاهر شدن [illegible] [illegible] از آن [illegible] [illegible]
[illegible] شد [illegible] [illegible] [illegible]

فهدینا فانتم نستخبوا الخیر یعنی ما قوم ثمود پس راه نمائی کردیم

ایشان را از راه حق و باطل را با ایشان نمودیم پس خود ایشان اختیار کردند

[illegible] و چنین است حال ثمود [illegible] و [illegible]

[illegible] و همچنین بسیار [illegible] دیگر [illegible] از زمان آدم تا وقت

[illegible] پس [illegible] که هر کس [illegible] دیگر [illegible] یقین که تمام

خلق [illegible] که گمراه شدند و گمراه کنند [illegible]

[illegible] و بعث [illegible] کالائمة الاطهار

والمعرفة والعلیا [illegible] و [illegible] لمنا

[illegible] نیز معلوم است [illegible]

و مذهب [illegible] تمام نمی باشد از اینجاست که [illegible]

آخر الزمان رسیده است بتصریح باینکه [illegible]

شده است که از ضلالت ایشان و [illegible] ایشان است تا آنکه [illegible]

نخورند که چه میشود که تا گمراه کننده و گمراه شونده باشند پس [illegible] این [illegible]

باتیه لعنهم الله دیدند آن اخبار وارده درباره خود و امثال خود [illegible]

افتادند و آنها را درباره [illegible] که منکر ایشان هستند بیان کردند و از

بسیاری را گمراه کردند پس اگر [illegible] دنیا [illegible]

میکند [illegible] که [illegible]

الدنیا و فی الآخرة [illegible]

الرّادین علی اهل البدع والضلال هرگاه کوئی بجهت حب ریاست و ضیاع

و سایر اغراض فاسده ممکن است از شخص عالم باشد و بدعت گذارد پس چطور میشود

که علماهای دیگر مریدش شوند و دست از دین بردارند عرض میکنم اولا آنکه مریدان

این فرق عالم باخبار آل محمد علیهم السلام و آیات محکمه و متشابه فرق نمی نهادند و از علوم

حقه الهیه بسبب خوف خدا و تقوی باشد عاری بودند و غالب یا تمام آنها صوفی

صوفی مشرب و ملکی [illegible] مذهب بودند و ثانیا آنکه هرگاه تو قبول کردی که ممکن

است که شخص عالم باشد و بجهت [illegible] ریاست و ضیاع و جلال و کثرت مریدان دست

از [illegible] دین اسلام بردارد و [illegible] بیشتر کیرد پس چه عجب که دیگران چطور

مرید [illegible] نیان مریدان شان نگیرند ممکن خود نیز دیگر

[illegible] دیگرانند از عوام و [illegible] آنکس اینها

[illegible] بسا اینکه در لباس اهل علم بودند و باید شده و

علمیکه بتوان بان جواب اهل بدعت و ضلال را داد و دارای [illegible] پس بجز

آنها دارند [illegible] نظیر [illegible] او سایر عوام است [illegible] شخص جاهل و

عالم بعلم طب یکسان است چنانچه جاهل نزد فقیه عاجز است هم چنین تمام طبیب

یا نجومی نیز عاجز است پس [illegible] نیست و تمام علوم [illegible]

باطن و خوف الهی و تدین بدین اسلام و حفظ خلعت ولایت آل محمد علیهم السلام

پس ای بیچاره های اینها تمام از تسویلات شیطان است و نمی توانی نزد خود

عذر قرار دهی که علمائی دست از اسلام و مذهب حق برداشته [illegible]

کردم

بر خلاف آن تکلم [illegible]
باب چه بسیار گویند از آنکه [illegible] اعتقاد دارد
دیگر فرقه است و از همین اعتقاد [illegible]
را بسیار خوب [illegible] خود را [illegible]
[illegible] است [illegible] ندارد [illegible]
است تصریح ندارد [illegible] این اعتقاد
[illegible] هم ندارد [illegible] اعتقاد
اعتقاد در [illegible] اعتقاد [illegible]
معتقدیم پس همین دعا [illegible] بشنود
است [illegible] و تا [illegible] اول تا [illegible]
[illegible] جهنم [illegible] جهت
کرامات است ذکر [illegible]
اول آنکه کسی

پسردم ای جان من بر خودت ترحم کن که بنیه ضعیف است و طاقت قهر الهی را نداری بگری
برای آخرت تا که دنیا در پاست و جاه و جلال در گذر است و نمیدانم چه شد که در برابر
تو هر گاه نام تو یاد و تمام دفتر بنویسند و با تحقیق بر تو گریند و نه محقق در اینجا شده
باشی هر چه گیرد [illegible] شود و لا حول و لا قوة [illegible] بدانکه کسیکه معتقد باشد بامامت
ایشان [illegible] بوده باشد و آنها را معصوم و حجج الهیه بداند پس این خبر براو
حجت است و بر او واجب است که از اهل بدعت و ضلالت اجتناب کند خصوصا
[illegible] حجت خدا دلیل و برهانی است بزرگ براو و هرگاه
کسی باشد که اعتقاد بحضرت [illegible] نداشته باشد و علیهم السلام داشته باشد
[illegible] ایشان را نماید پس بعد از ثبوت حقیت ایشان
[illegible] در این کتاب کسانی است که معتقد
بوده [illegible] علیهم السلام [illegible] ایشان کرده
[illegible] فصل در اینمقام چند فصل واجب است که قرار دهیم
اول ثواب کسیکه در غیبت حضرت قائم عجل الله فرجه از دین خارج نشوند و ثابت
و باقی بر امامت آنحضرت باشند چنانچه از حضرت سید سجاد روایت کرده که فرمود
مَنْ ثَبَتَ عَلَى وِلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ
مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ پس ای جاهل که دین تازه پیدا کرده ملاحظه
کن که چه ثوابهای الهی را ترک کردی و در غیبت حضرت از دین خارج شدی و
فصل دوم در وجوب تصدیق بامام غائب [illegible] ظهور حضرت قائم

وقد انقطع الرجاء
مني في مالك الملك من كل شيء
اجار لنفسي معتصما [illegible]
الهي اغفر لي [illegible]
[illegible]
جاء [illegible] من [illegible]
[illegible] اشفع لي [illegible]
في [illegible] وانا
فاغفر لي اللهم [illegible]
فانا [illegible] مضطر الى الغفران

در ضلالت و هلاکت بسا بنگه تعجیل کنند چنانچه گفته شد چون بیّنه معونه خدا آنه

فصل چهارم در اسمای نها و صفتها و خصلتهایکه در زمان غیبت واقع میشود و فصل پنجم در خروج بسیاری از خلق از دین در زمان غیبت و فصل ششم در معنی احکام جدیده و کتاب جدید که احکام بسیاری دارد که تازه است مثل حکم داودی و هدم شرفهای مساجد و حکم بدون بیّنه و امثال آن و کتاب جدید یعنی که صریح حدیث دیگر است [illegible] مسئول از آنحضرت که کدام است مثال جدید [illegible] خود حضرت که [illegible] مکتوب است امر بکشتن و کشتن [illegible] که علی العرب شدید باشد [illegible] بر عرب سخت است [illegible] سخت بود که با عرب [illegible] بر عرب سخت و گران باشد اینست که مکرر نوشته و گفته ام که این طایفه بهر چه تمسک جویند و بهر دعوا اینکه برهان خود قرار دهند نقیض آن دعوا از و صریح و ابطال آن واضح و روشن است بر ضد ایشان مثل همین حدیث که کتاب آنحضرت بر عرب بسیار گران و دشوار است و سبب آنهم نزد عرب مجهول صرف بود تا معنای آیه شریفه لو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین حضرت حق تعالی بلا فاصله دو سال بالکبر او بنبوت و قهر خود گرفت اگر چه مراد اخذ و قطع حقانیت آنحضرت است ولی در دنیا نیز او را بزودی اخذ و قطع [illegible] و قمع فرمود و آل آنکه فرزند و شد او و نمرد [illegible] بیش از چهار صد سال سلطنت نمود و

وارد در صحیح [illegible] لکنه من الفاظنا [illegible] علی الغصن فی [illegible] لنا [illegible] رحمانات [illegible] مع [illegible] اهل [illegible] والبیان [illegible] والنا [illegible] الغزه [illegible]

وسلم و بدیهی است که خود را خود گفتن بالاتر است از اینکه غلام خود را غلام
گوید و فصل ششم در اثبات آنکه قرآن نزد حضرت قائم است که بخط حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام نوشته است و چگونه است آن کتاب و بعد آن قرائت
ذاتهم و در جواب تحت است بعلت مطالب خطابه و فضایل اولیاء و غیر آن فصل
هشتم در اینکه [illegible] در زمان غیبت سخت تر است از کفر [illegible]
مردمان کمتر [illegible] الخ و [illegible] اهل زمان غیبت که تا
باشند بر [illegible] امامت آن حضرت [illegible] اهل زمان فصل نهم در ذکر
امر [illegible] فصل دهم در حدیث
حضرت [illegible] انتقال روح حضرت
شده اند [illegible] فصل یازدهم در بیان
چند حدیثی که [illegible] ذکر [illegible] بعد
آنها بر عوام ظاهر شود و خیلی مناسب است فصلی در حدیث لوح نوشته شود و فصلی
دیگر در اشاره بقواعد کلیه که چهارده فصل باشد لکن بیم است که این کتاب بتفصیل داده
شود و از خارج چاپ آن زیاد شود و تمام اینها اخبار که در فصول آن ذکر شده بسیاری
از اخبار دیگر در کتاب غوث لائمة [illegible] برای رعیتهای نوشته ام و امیدوارم از نظر حجت
حضرت بقیة الله صاحب الزمان [illegible] العالمین [illegible] که آن کتاب
چاپ شود ان شاء الله تعالی [illegible] در چاپ [illegible] کرده [illegible]
و مقابل آن در کتاب دیگر [illegible] آن [illegible]

والبداء والامضاء
وما احاط بالآیات فیختص وما
وما احاط من القرآن والآیات وما
نزلت علیه من احکام الآیات و[illegible]
وفضلت علیه لیلة المعراج من [illegible] الآیات
وما کتبته لیلة [illegible]
ودلالات الآیات وما نزلت [illegible]
[illegible] علی الکل [illegible]
[illegible] الائمة [illegible]
[illegible]
نزلت علیه من [illegible]
انه بلغ ما احل من [illegible] الله
علی حق الامة [illegible]
[illegible] علیه من [illegible]
[illegible]

لفونی کنند بر تفضیل صحابه و در تفسیر صافی ملاحظه کن و ذهب این جماعت جران [illegible]

آنست که بگویند آنچه خواهید بیاورم خصوص بالکسانیکه یقین باشان دشمنی باشند

باری بترجمه کتاب مشغول شو حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام میفرماید

فانّما مثل احدکم فانتم تعملون السّیئة آمنین پس چه جرأت و چه

میشود که نبیک چشمهای خود را و چه میشود شما را که تعجیل میکنید بر سنگ آیا در

خانهای خود این نیستید آیا نیست مردی [illegible] میکرد

[illegible] بدرستیکه اینکه پیش از شما بودند [illegible] زبان در دو [illegible]

که میگرفتند ایشان را و قطع [illegible]

بالمنشار المنشار ثم لا یعدو ذنب [illegible]

در شاخهای درخت و زبان بیگردند [illegible] خود بجا

بیشگرند بعد از آن حضرت این آیه را تلاوت [illegible] ام حسبتم ان تدخلوا

الجنة ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مسّتهم البأساء والضرّاء

آیه گویا این خطاب [illegible] این طایفه معطله میباشد پس ای بی

انصاف چه در جواب خدا خواهی گفت در زمان [illegible] عقوبه انقدر شیعیان گشته

دست از ولایت علی و اولاد او برداشته [illegible] و چه دیدی که بقول [illegible]

که خود بشنوی [illegible]

[illegible]

دامر خدا را [illegible]

قوه الا بالله [illegible]

[illegible]

ومن فضائل [illegible]

[illegible]

بایغیب [illegible] از آنحضرت [illegible] شده و قطع آن انتخاب شود و از ابرار و زبان [illegible]

و بعضی [illegible] بهره ور است شدن [illegible] ذاتی و نفسی [illegible] صفات [illegible]

غیر آن [illegible] در این باب بسیار است چند خبر از آن [illegible] حضرت

صادق علیه السلام [illegible] شده که روایت شده است که صاحب این امر را

غایب شود پس [illegible] در آن زمان [illegible] فتمسکوا بالامر الاول

التی [illegible] آنکه [illegible] حدیث [illegible] بن حنظله

[illegible] حدیث [illegible] دیگر [illegible] فتمسکوا بالامر الاول

[illegible] الاول [illegible] بسیار باشد که تمسک جوی

[illegible] غایب [illegible] بر شما [illegible] شود که خود

آنچه [illegible] چگونه [illegible] دست از این و حیث [illegible]

داشت [illegible] در این باب ضلالت [illegible] از

جان و دین و آخرت بر [illegible] فضل

در امتحان خلق [illegible] غیبت [illegible] حضرت صادق علیه السلام

[illegible] البته غایب میشود [illegible] بسیار شوید [illegible]

گفته شود [illegible] فوت شد [illegible] هلاک شد یا بکدام وادی سالک شد هر آینه البته چشمهای

مومنین بر او گریه کنند و [illegible]

دریا متلاطم [illegible] حدیث دیگر [illegible]

و در [illegible] نجات [illegible]

[illegible]

فانک انت الله [illegible] انت [illegible] وانا عبدک [illegible] ماانت انت وانت الله انک تعلم [illegible] کل شی [illegible] والشهداء [illegible]

[illegible]

البته بیان نمود در دوازده علم ضلالت که دانسته بود که کدام از ایشان امام است و داعی

گوید بگریه در آمدم فرمود چرا گریه میکنی عرض کردم چرا گریه نکنم که میشنوم

دوازده رایة ضلالت بلند شود پس حضرت نظر کردند بطاقی که در حضرت بود دید

بود تابید از سوراخ بخانه و چون تابیده بود پس فرمود هی یعنی این آفتاب

عرض کردم بلی فرمود والله امرنا ابین من هذه الشمس یعنی والله امر ما واضح

تر است از این آفتاب یعنی آنقدر [illegible] ظهورات [illegible] حضرت

است که راه اشتباه بر کسی باقی [illegible] در کافی از حضرت [illegible]

علیها السلام روایت کرده است که فرمود [illegible]

احد یا بنی انه لابد لصاحب هذا الامر من غیبة [illegible]

هذا الامر من کان یقول به انما هی محنة من الله عز وجل امتحن بها خلقه

لو علم آباؤکم واجدادکم دینا اصح من هذا لاتبعوه پس هرگاه مفقود شود

پنجمی از اولاد هفتمی پس [illegible] شما را [illegible] در حفظ دینهای خود

زایل نکردانند شما را از دینهای خودتان احدی ای فرزندان لابد و ناچار است صاحب

این امر غایب خواهد شد تا برگردد از این امر کسیکه قائل بآن بوده است یعنی

از علمای اثنی عشریت و غیر ایشان نیست که غیبت آنحضرت امتحانی است از

جانب حق تعالی امتحان کرد بآن [illegible] خلق خود را اگر میدانستند پدران و

اجداد شما دینی را اصح از این دین [illegible] پیروی [illegible] میکردند [illegible]

تصریح این حدیث معجزه ایست ظاهر بر حقیت آل محمد علیهم السلام پنجم تفحص و تفحص
اول غیبت امام دوازدهم و قصد امتحان خلق در زمان غیبت در زمان جهود
ستمگر متدین شدن جمعی از شیعه اثنی عشر که قائل بائمه اثنی عشر بوده باشند
چهارم نهی حضرت از خروج از این دین مبین پنجم حکم آن که دینی از این
دین بهتر نیست و تمام این دلالتها و دلالت منطوقیه است اگر درس خوانده باشی
و با جان خود خصم [illegible] باشی ششم صدق خبر غیبی که حضرت داد که خروج
بابیه [illegible] پس [illegible] از دهم نشدند و هم چنین خبیثش و انهی
[illegible] سر بپیچیدند [illegible] تا نسخ [illegible] دین ترجیح دادند ملعنت باشد که
[illegible] در زمان [illegible] ظهور تا بدانم حیله اینها واقع نشوی
و نیز نتیجه توضیح [illegible] عرض میکنم که جابر جعفی عرض
کرد چه [illegible] فرمود هیهات هیهات لا یکون
فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا یقولها ثلثا حتی یذهب الکدر
و یبقی الصفو یعنی نمی باشد فرج ما مگر تا انکه غربال کرده شوید و در بوته غربال
امتحان بیخته شوید و در بوته غربال امتحان بیخته شوید سه مرتبه فرمودند تا بر
باد نماند خوبان یعنی بعد از آن ظاهر شود حضرت و حضرت کاظم علیه السلام
فرمود ما یکون ذلک حتی تمیزوا و تمحصوا و حتی لا یبقی منکم الا الاقل
ثم صغر کفه یعنی نمی باشد این یعنی ظهور حضرت تا خوب و بد از یکدیگر جدا شوید
و تمحیص و آزمایش کرده شوید و تا باقی نمی ماند مگر اندکی پس دست خود را

ربنا العالمین و اشهد ان لا
الا الله و اشهد ان [illegible]
و رسوله و اشهد ان [illegible] علیهم السلام
و فاطمه صلوات الله علیها [illegible]
و لحسانه و اشهد ان [illegible] حفظه الله
الله فی کل لوح محفوظ و انا [illegible]
صل اللهم علی محمد و آل محمد [illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
اهل الجنة [illegible]

بازگردند و چنین فرمودند یعنی مثل آنکه در میان کف دست چیزی نماند و حضرت
فرمود کذلک انتم یا معشر الناس [illegible] تمحّصوا وتمیّزوا ویغربلوا ویخرج فی الغربال
خلق کثیر در احوال و بحار و دلائل الطبری میباشد یعنی لابد و ناچار است
که مردم تمحیص شوند خبیث و طیّب از یکدیگر جدا شوند و در غربال امتحان
شوند و بیرون روند از غربال خلق بسیار مثل گندم میکنید که قریب بسیار
سال زرق [illegible] شدند و از غیبت نعمانی آنحضرت فرمود
ان لصاحب هذا الامر غیبة المتمسّک فیها بدینه کالخارط لشجر
القتاد بیده ثم اومی ابو عبد الله علیه السلام بیده هکذا فایّکم
یمسک شوک القتاد بیده [illegible]
الامر غیبة فلیتّق الله عبد ولیتمسّک بدینه [illegible]
الدین نیز ذکر کرده است یعنی از برای [illegible]
کسیکه در آن غیبت نگاه دارد دین خود را مانند کسی است که خراطی کند با
خود خار درخت قتاد را که آن درختی است که خارهای سخت دارد پس حضرت
اشاره بدست خود کردند و فرمودند هم چنین خراطی کند و فرمودند از
پس کدام یک از شما خار قتاد را نگاه میدارد بدستش پس سر مبارک را
بزیر انداختند و فرمودند بدرستیکه از برای صاحب این امر غیبت است پس بنده
از خدا بترسد و البته نگاه دارد دین خود را حال با تو میگویم کدام
حفظ دین خود کردن و کوشش با اهل بدعت و ضلالت نمودن و فریب شبهات

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی جعل الحمد [illegible]
[illegible]
الاول فلا اول له والآخر فلا آخر له [illegible]
والظاهر والباطن [illegible]
[illegible]
فتبارک [illegible]
تبارک کل شیء بدیع [illegible]
جاعل اللیل والنهار [illegible]
[illegible] ولم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد سبحانه [illegible]

و ضلالات و تاویلات انها کرده اند ایمان را بیان [illegible] تحصیل [illegible] شیطانی
مرد اضافت به حضرت باقر علیه السلام [illegible]
عرض کرد وصیت کنید مرا [illegible] به تقوی الله و آن [illegible]
[illegible] بنشینی در خانه خود [illegible] قوله [illegible] الناس [illegible]
والخوارج منا فانهم ليسوا على شيء ولا الى شيء [illegible]
این [illegible] از خروج [illegible]
یعنی [illegible]
[illegible] از سادات [illegible] خروج
[illegible]
[illegible] از سادات خروج کننده
باید حذر کرد [illegible] بقول [illegible]
بقول دیگران [illegible] و باید حذر کرد [illegible]
داخل شدیم بر حضرت صادق علیه السلام [illegible]
در خراسان ظاهر شده بود و جماعتی خروج کرده بودند پس عرض کردیم چه
رای مبارک شما فرمود اجلسوا في بيوتكم فاذا رأيتمونا قد اجتمعنا على
رجل فانهدوا الينا بالسلاح بنشینید در خانهای خود پس هرگاه دیدید
که ما اهل بیت جمع شدیم [illegible]
[illegible] خود [illegible] پس [illegible] خروج کننده را باید اطاعت کرد و اگر چه

[illegible]

جنس شیء باشد و در عقبها و صیتها آنچه دانسته باشد بلکه یک نفر را بدیدیم بود

در کسی نیست که دانایی و علم و ثبات داشته باشد مثل او صیتا و تقوا

نفاق با او بوده باشد و در جهت آن کس که علم و ثبات داشته باشد و امر هر دو

است که از قول روایت شده است عجب نیست از آنکه فرمود

حضرت صادق علیه السلام مراد ما ائمه ایم و جز ما کسی نیست

فرض کرده بود پس عرض کردم مراد آیه شریفه ان فضلنا الذی الکلام

وسع الناس لیتعلموا الذین آمنوا الذین یسکنون

سکنت اللیل والارض بحضرت ... جمع کرده

سرعت کرد اندیشی ...

فرمودند چه ... از خداوند راه ...

حدیث دیگر بفرمود ... پیدا

یعنی از آن ایمان باید ... آن حضرت ... پیدا شوید

بکلام اهدی اند ... واحد ... واجب الاطاعه والامر ... العلما

که آل محمد علیهم السلام داده اند بیان هر چیز را فرموده اند محبت ... ایشان

زیرا که میدانستند بعلم الامامت که اهل بدعت پیدا میشوند و مردم را بخود دعوت میکنند

پس بتمام طرق بیان و تعریف بیان نموده و معرفی فرمودند کما فی البحار

عن الصادق ... الاعتبار الله ... الی ... اخر

فرق

فأمّا [illegible] نتنقل کیف [illegible] ذلک [illegible]

عن [illegible] التی تجب [illegible] وفی [illegible] المنتقل قال [illegible]

بالمنتقل [illegible]

بها والمانع له [illegible] باب و در این باب [illegible] ذکر

بحار الانوار و کتاب [illegible] اثبات [illegible]

اشاره بنوع آن اخبار است **فصل** بدانکه [illegible] نمی تواند [illegible]

[illegible] است که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و قائلان آن از [illegible]

[illegible]

گردد بعد از آن مدعی الوهیت شد **فصل** بدانکه اخبار [illegible]

بلکه متواتر است که حضرت حجت عجل الله فرجه [illegible] قرآن [illegible]

ضرورت مذهب و اجماع محقق بر آن است [illegible] از غیبت [illegible] حضرت

باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند [illegible] القائم [illegible] علیه

ثلاثمائة سنة و یزدادون تسعا کما لبث اهل الکهف فی کهفهم یعنی مدت [illegible]

پادشاهی میکند بقدر آنکه اهل کهف در کهف بودند و پر میکند زمین را از عدل و داد

چنانچه پر شده باشد از ظلم و جور فیفتح الله له شرق الارض و غربها [illegible]

[illegible]

[illegible] قائم [illegible] پس خداوند مفتوح میفرماید از برای آنحضرت شرق و

غرب [illegible] نماند کسی مگر آنکه [illegible] محمد هم [illegible]

[illegible] که شما اهل بیت رحمت میباشید که

[illegible] آنان فرمودند چنین است و [illegible]

[illegible] نمی کنید و او را از هدایت بیرون نمی بریم بدرستیکه دینار و د

[illegible] ما اهل بیت [illegible] تا [illegible]

[illegible] این حدیث هم صریح است که حضرت [illegible]

[illegible] قیام فرماید که امر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فرموده [illegible] که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنچه را که در جاهلیت بود دور

[illegible] قائم علیه السلام هم که قیام فرماید باطل میکند

آنچه را [illegible] که باشد در دستهای مردم [illegible]

صریح [illegible] است که حضرت [illegible] بر طرف میکند و مردم را

[illegible] گذشته [illegible] کند [illegible] نمی کنی که میفرماید

[illegible] آنچه را که [illegible] غلبت بوده [illegible] تغییر میکند بجز آنکه در د

[illegible]

[illegible] است [illegible] پس [illegible] باطل خلاف است و نیز از حضرت صادق سؤال شد

از حضرت مهدی علیه السلام [illegible] فرمودند [illegible] صنع رسول الله [illegible] کما [illegible]

کار [illegible] رسول الله [illegible] اسلام جدید [illegible] از حضرت باقر علیه السلام

نیز چنین سؤال شد حضرت فرمودند [illegible] صنع رسول الله [illegible] علیه السلام

جدید [illegible] آنچه رسول [illegible] خراب میکند [illegible] پیش

از خود را همچنانکه [illegible] خراب [illegible] از سر میگیرد اسلام را [illegible]

[illegible] جاری [illegible] حتی

[illegible] پس این [illegible] صحیح است که حضرت اسلام را تازه میکنند

[illegible] از این احادیث در این مقام ذکر

[illegible] بلکه غرض [illegible] جهالت است

[illegible] را آن حضرت در ابطال [illegible]

اگر گویی پس ناسخ بودن دین حضرت از کجا [illegible] میگوییم که [illegible]

[illegible] لیکن هرگاه کسی [illegible] از او صادر شده باشد آن

دیگری بعضی از آنها [illegible] باشی که [illegible] را در آن [illegible]

[illegible] آیا چگونه [illegible] بیان میکنی آیا ظاهر این نیست که او [illegible]

[illegible] بعد [illegible] اگر زید [illegible] اشجار و اجرا نهر

اطعام مساکین کرده و عمرو [illegible] بیاید [illegible] طعام مساکین [illegible] بکند و

[illegible] سؤال کند [illegible] حکم [illegible] او در جواب گفته شود که [illegible]

سپردن ... بدست ... حکام ... ساختن بسیار داوری ... خداوند ... واجب است که از

اموات ... بجهت ... گشته باشند که هرکه در باره صورت شباهت گرداند

... تشبیه نموده ... و مراد بعضی از ... تشبیه ... حق ...

... صورت ... سیرت آنها ... ساختن بدون ... و در بعضی از آن

... و ... نیکی ... بوده ... که خدا ... تعالی ...

چند ... ذکر شده است ... مخفی ... شبهه کنند ...

خراب کردن تمام اموات ... [illegible]

شد دوم آنکه برطرف ساختن ... در زمان ... [illegible]

زده باشد خراب کردن چیزی از شریعت ... [illegible]

... چیست که ازین چند چیز که ... تمام ... امام ... [illegible]

... آنحضرت ... وقایع ... [illegible]

اخبار متواتره ... دین ... معلوم ... [illegible]

اسلام و دین ... فرمایش امام است که در خبر ...

فرموده ... الاسلام ... [illegible]

قید آخر ... حضرت چیست این طایفه ... و این فرقه تفصیل

... در کتابهای خود شان ذکر نمی کنند پس ما ... می گوییم اگر کسی مدعی عدالت

... ایشان ... پیش نماز ... شد ... طوریکه ... او باشد بعضی از

... اسقاط کنند ... دیگر را عادل ... الی

... [illegible] ...

بالبته چنین شخصی عادل نیست و منافق است پس بگو این طایفه آیا دعای حقیقت
خود میکنند و آیات و اخبار را بر هم میزنند و حذف و سقط میکنند و کم
منصفی بهم نمیرسد که آنها را منع و زجر کند چنانچه در حدیث زید [illegible]
الفاظ الفاظ را برداشته و بقیه را ذکر کرده شاهد کن که چه قدر فرق میکند چنانچه
در اخبار سیرت هم ذکر میشود که نظیر آثاره را اسقاط کرده و نوشته است که
ویظهر بآثار رسل قرآن که همه کس از اهل لسان میدانند که لفظ رسل قرآن غلط
است [illegible] که صریح است که حضرت ع مد ظهوره
خبر [illegible] مالک مشرق و مغرب [illegible] و حدیث شریفی است که در ذیل آیه
الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة واتوا الزکوة وامروا
بالمعروف ونهوا عن المنکر ولله عاقبة الامور حضرت باقر علیه السلام
میفرماید [illegible] اصحاب آنحضرت تا آخر ائمه و درباره مهدی
و اصحاب [illegible] مشارق الارض ومغاربها ویظهر الدین
ویمیت الله به وباصحابه البدع والضلال کما اماتت السفهاء الحق
لا یری اثر الظلم ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر شاهد در تصریح
کردن آنچه پیش از حضرت است بدع و ضلال که توضیح کلام تا قبله باشد
در تفسیر علی بن ابراهیم نقلا و در بحار کما اماتت السفهاء میباشد پس تفحص کن
که کفر و نفاق و بیدینی اینها بر احدی پوشیده نیست اگر تأملی کند از احوال و اسمی
اهل الحدیث را و فهمیدی معنی آنرا که حضرت اسلام را تازه میکند پس این چهار

[illegible]

حدیث و آیه باطل ساخت و بر اینها را چه جای آنکه مراد ایشان با او دقیق با

دلالت میکند بر آنکه آنحضرت بسیرت جد بزرگوارش عمل [illegible] نماید از

ارشاد از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود چون خدا

و حضرت قائم علیه السلام را از خروج و بیرون آمدن حضرت [illegible]

دعوت کند مردم را بسوی خودش قرآن یسیر فیهم بسیرة رسول

الله صلی الله علیه و آله و یعمل فیهم بعمله و آنکه [illegible] ایشان را

رسول خدا و عمل کند در ایشان بعمل آنحضرت یعنی بسیرت و شریعت آنحضرت

عمل کند پس جبرئیل بر آنحضرت نازل [illegible] کند بسوی [illegible] کند که [illegible]

[illegible] پس حضرت [illegible]

پس جبرئیل عرض کند [illegible]

جبرئیل بیعت کند و سیصد و سیزده نفر [illegible]

که از قبل منت داشته باشند تا وقتی که اصحابش بده هزار نفر برسند در اوقات

مدینه میشود حال با اینکه میبینی که جبرئیل با شیر ازمی بیعت کرد و کجا در کجا بیعت

کرد و چه شد علائم دیگر و چگونه شد که بسیرت و شریعت رسول خدا صلی الله علیه و آله

رفتار نکرد و از جمله اخباریکه دلالت دارد بر آنکه آنحضرت رفتار بسنت جد خویش میکند

و اما جد خود ایمان میکند خبریست در بحار از کتاب غیبت نعمانی از حضرت باقر

روایت کرده است که حضرت فرمود در صاحب این امر شباهت از چهار پیغمبر

میباشد تا آنکه راوی عرض کرد شباهت از موسی کدام است فرمود خائف و ترقب

ترسان است و انتظار فرج بکشد عرض میکنم که آن اخبار که دلالت دارد
بر خوف و بیم آنحضرت بعد از بزرگ شدن و تقیه و غایب شدن آنحضرت از سلطان
عصر و کارهای جعفر کذاب عرض کردم چیست شباهت عیسی فرمودند گفته
شود در باره آنحضرت آنچه در باره عیسی گفته شد عرض میکنم چنانچه در شباهت
امتحان مذکور است که بعضی گویند کشته شد و بعضی گویند هلاک شد و بعضی گویند
از دنیا رفت و بعضی گویند بکدام وادی سالک شد و بعضی از دین خارج شده
گوهر [illegible] آنحضرت [illegible] بکنند و امثال آن [illegible] باب را گفتگو فی نشد
عرض [illegible] از گفتگو [illegible] کردم چیست شبیه یوسف قال
السجن [illegible] و غیبت [illegible] عرض میکنم این خبر زندان
و غیبت [illegible] شد مرزبان دو مراد اشاره بلا فی آن است
که بعد از [illegible] برادران آوردند و حضرت از سر آن
خانه خود مستوری شد روی گوید عرض کردم چه چیز است از محمد صلی الله علیه و آله
فرمود اذا قام سار بسيرة رسول الله صلی الله علیه و آله الا انه يبين آثار محمد و يضع السيف
ثمانية اشهر هرجا هرجا حتى يرضى الله قلت فكيف يعلم رضا الله قال
يلقي في قلبه الرحمة در روایت دیگر از کتاب اکمال الدین غیره فرمودند
و اما من محمد فالقيام بسيرته و تبيين آثاره یعنی بر روایت اول فرمود که
ظاهر شود در رفتار کند بسیرت و رفتار پیغمبر و بیان کند و واضح سازد آثار محمد صلی الله علیه و آله
و مدت هشت ماه شمشیر کشیده قتال نماید تا آخر حدیث و یعنی روایت دوم

لا شريك لك أنت الله
لك وحدك لا شريك لك
أنا أشهد وأشهد ملائكتك وأنبيائك
شهيدا وأشهد ملائكتك ورسلك
ورسلك وحملة عرشك وجميع خلقك
والصالحين من عبادك أنك أنت الله
بأني أشهد أنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك
الله أنت الله لا إله إلا أنت ولا مثل لك
شهادات لا نظير لك ولا ضد
ولا شبيه لك ولا ند لك الواحد الأحد
لك وأنا أشهد الله الواحد الفرد الحي القيوم
الصمد الفرد السميع العليم
الدائم الأبد القائم المتعالي
الخبير الحكيم سبحانك

و امّا مشابهت از جهت اصل ظاهر شدن و قایم [illegible]

و بیان و وضوح نمودن آثار آنحضرت را حال نظر کن چگونه تصریح میکنند

بسیرت و سنّت پیغمبر است تا یکبار اتمام حجّت بر عوام و خواص شده شد و بعد [illegible]

و خوارج کردند این غیبت پیدا شوند و آنچه بر عالمیان واضح و روشن باشد

چون این را دانستی لهذا این دو خبر را بفهمی بلکه انکار از جملهٔ اخبار [illegible]

نمود و قرار داده اند همین خبر است ملاحظه شما [illegible] کرده پس

کسی را که زندان کرده اند این را نیز [illegible] قرار دهد باری [illegible]

فی الجمله سخن کلام را بفهمید [illegible] مشتبع باشد [illegible] که عوام [illegible]

غیبت ذکر کرده اند و کیفیت [illegible]

تغییر دادند و چون مشتبه [illegible]

بروایت اول مقید فرمودند که اذا قام [illegible]

تا کلمهٔ حکمت تغییر کلام را بدانی و ایضاً بدانکه چون دیدند که نصّ حدیث

صریح بر رد و ابطال ایشان است لهذا آخر آنرا که شمشیر [illegible]

قتال سکینه اسقاط کردند و همچنین بعضی آثار را تغییر داده چنین در کتاب [illegible]

ذکر کرده است که [illegible] آثار مثل قرآن حال ترا بحق خدا قسم میدهم که کیفیت

[illegible] کن که چگونه این فرقه ضاله آنچه میگویند باک ندارند و بدلخواه

هر طور اخبار را حذف و اسقاط کنند بلکه چیزی بر آن بیفزایند باک ندارند پس [illegible]

چگونه مطمئن میشوی باخباریکه این فرقهٔ ضاله ذکر کرده اند البته وحشت کن [illegible]

[illegible]

توان اخبار ... بعد غیبت ... [illegible] که نقض آن ... بر

تنها باطل میکند مدعای ایشان را حضرت ... دیگری نیست چنانچه در همین حدیث

پس آنحضرت از مخالفین نیست و تمام اخبار وارده بر ترس آنحضرت و تقیه آنحضرت

واخبار وارده بر ... خلق وخروج ایشان از دین ... واخبار وارده به

ثواب صابرین در دین و اخبار وارده بر ثواب منتظرین فرج ... را

... و ... در زمان غیبت آنحضرت که در آن زمان آن

که شیعیان ... [illegible] ... صغرای آنحضرت بود که حضرت

ونیست ... سال ... تقیه و ترس ... پنهان بود و بعد غیبت کبری

وانقضا ... [illegible] ... زمان ظهور ابدا خوف و

تقیه نمی باشد ... [illegible] ... بقاعده تشبیه نمودن نیز باید چنین

باشد بعلت ... [illegible] ... ن و غایب شدن از نظر پدر و برادران

سلطنت مصر نمود و در وقت سلطنتش ابدا از کسی خوف نداشت واحدی را

غالب نشد پس هم چنین است حضرت قائم علیه السلام که پیش از ظهور در

تقیه و خوف است ولی بعد از آنکه ظاهر شد تمام روی زمین در او بیم و خوف

واقع شوند و او را از احدی بیم و هراسی نخواهد بود دجال میگویم چگونه این

حدیث ادعاء بابیت را ثابت میکند و حال آنکه ابداً سلطنت نکرد و ... تا آنکه

بر کسی نداشت و چون علم ضلالت را بر پا نمود تا رفت ... ابلهان که بزیر

علم او در آیند آنملعون کشته شد والحمد لله و حال این ... پستان ای ...

رفتن

رفتن این دین را خوب بدست مردم داده اند و هم چنین بسیاری از دعاة نبوت
خوب بر منیتی سهل و آسان کردانیده اند که هرکس با وزنی قیامت بیاید
نامرد بهای مزخرفه را بر هم میبافند [illegible] ادعای نبوت کند [illegible]
از او به تبریزند و در قتل اثبات مشتغل شوند و در قتل نفی در [illegible] پس فقیر دالی
المرحوم الی رحمه و غفران ربه الباری از دانستن چنین معنی خیلی شاد شدم و
امیدواری بهترب ظهور حضرت حجة الله روحی [illegible] له الفداء و
عجل الله فرجه بهم رسانیدم بعلت آنکه [illegible] نفر
در دو [illegible] ادعای نبوت کنند و دوازده نفر از سادات ادعای مهدویت [illegible]
پس بحمد الله تعالی که در حیات [illegible] تا [illegible]
اول هم نقطه هم سید بود و هم در اول [illegible]
یکنفر از آن دوازده نفر محمد زندیق [illegible] نفر [illegible] سادات
نفر که مدعی نبوت باشند پس شود که همین میرزا علی محمد ملعون هم یکی از آنها است
زیرا که در آخر ادعای نبوت نمود و حال هم مریدان ملعونش او را پیغمبر میدانند
و بهاء بی بها که میرزا حسینعلی باشد برادرش میرزا یحیی که ازل باشد [illegible] نفر تا اول
به نفر و حال هم هستند پس چهار نفر و هرگاه متعدد باشند پس شیر و این طریقه برود
تا آخر بسر انشاء الله تعالی پس اکنون که بعد از من میآیند از بدعتهای خارج از دین
وحشت مکنید بلکه در دین خود ثابت تر و حقیت آل محمد صلی الله علیه و آله از صدق
اخبارشان بعد از هزار و سیصد سال شما از آفتاب روشنتر شود که باید بعد از اعشار

[illegible]

از ملتی که متعهد بهجرت نبودند خارج شوند در حدیث دیگر ثمّ الناس
در بود که رقم ثبت ... دم بود احادیث بخیس القمان ... ان میفرمایند که یخرجون
ویفرقون ... یخرجون اکثر الناس ... الیهودی ... من دینه ... ان ...
خارج میشوند از دین بیرون میروند پس ... از دین خود ... و ...
... خارج شدید پس چگونه ... امتحان ... تاویل ... نمیشوند
ظهور که خارج نشوند ... شما ... امتحان میشوند و ...
اما ... بی حیا و شرم ندارید کاش تاویل ...
در ... میتوانستید از عهده ... و ... را نها ... پیدا کرد ...
... قبول میکنند لاحول
ولا قوة الا بالله ... مثل یا عجبا عجبا منی ...
طایفه ... و حیله باز و مکار و محب ریاست و دنیا
باشند از برای سلب عدالت ... یک کلام متناقض بی معنی دروغ کفایت
آیا از برای سلب اعتقاد ... کافی نیست که میگوید و ان الله فی ...
ظهور ... ان یدخل الناس فی دین الله ... بعد از سطری متناقض میگوید
که لیدخل الناس فی دین الحجه سواء یحیطون علمهم او لا یحیطون ... از عبارت
... نشانه ... ان یدخلن هرگاه جمع ... باشد غلط و واضح است و
هرگاه نون تاکید باشد بی محل است ... اول میگوید که ... دوست ...
که مردم با دلیل و برهان بدین ... داخل شوند معنی کلام متین و صدق ... است

...

ولی هرگاه که حمید شبیه کرده قول اگر بسیار بدیده و در دخل در پس شوند خواه
دلیل باشد یا نباشد چه معنی دارد پس ابراز در بنجا همین است کلام شاعری
در فصاحت و تناقض معنیش را مثبت شوهر گاه فرصت نمیداری که در بیست
که هر یکی از این سه علت عدم فصاحت و قبح عبارت و تناقض معنی باشد چنانچه
میکند تمام مقتضای او را و همین است معنی عطف و ابطال باطل **فصل** بدانکه
بر انسان با خصه خود واجب است چند چیز اول آنکه بداند و تفصیل دین تنها
عقلا و نظرا و کتابا و سنتا نماید هر کار … دشمنان با جور و ظلم آن
تا فرمود … نهایت … [illegible]
در کتب … دیده تأمل در آن … [illegible]
است که قبیح است عقاب من دون بیان … [illegible]
جهت آنکه هر سید حقیقی بر آن عبد ندارد که چه … [illegible]
مطلب مجهول … هر کار چنین که … تمام مقتضای … [illegible]
دلیل عقلی است که عقول اولو عقلا بر آن حکم میکنند وقتی هر سید مولی اگر نصب
کند عبد خود را بر تکلیفی که بیان آن تکلیف را کرده باشد بنحوی که در آن تکلیف
وجوه مجهول و مشتبه نباشد اگر تکلیفی را مجهولا بگوید مثل آنکه بگوید باید ادای مکتوب
مخصوصی که در میان تمام مردم … معلوم است … بر غیر آن
کس قرار دهد و عبد هم نتواند به علامت او را بشناسد آیا … تکلیف شده
هر گونه … مجهول … معلوم … فرض عدم آن است اگر …

همچنین گوییم عقلا مذمت کنند چون ممکن نیست و تکلیف ما لا یطاق حقوق [illegible]
یعلم لم یمکن [illegible] الجواب با تو میگوییم که خدای تعالی در کجا امر با طاعت [illegible]
و نوری و غیره [illegible] ست و هرگاه در قیامت از تو سئوال کند بکلم کی از انبیا و امام
در جواب الهی عرض [illegible] کنی گر گوئی که اطاعت امام دوازدهم واجب است یا لقرآن
و الاجماع گویم کدام آیه [illegible] ازی که غیر او بود ما لبداهه و شهادت [illegible] گر گوئی [illegible]
متناسخ گویم این [illegible] شیعه [illegible] و ترکی و زندقه است و اخبار آن را
شاهد گوییم [illegible] و قول آن طریقه [illegible] است که آن شخص
پیر و دروغ [illegible] تا کجا ثابت شد و یقین کردی که حضرت
[illegible] اگر منصب [illegible] بر فرض
قول مجهول که [illegible] ان بکار ضرورت اجماع و
اخبار متواتره است [illegible] سرازی [illegible] امام تعلق گرفته باشد
ورنه [illegible] دیگری و محل دیگری باشد بفهم چه میگوییم که هر کفر و زندقه مدعای شما ثابت
نشود [illegible] همه کفریات و کذب و افترای شما یک شخص غیر معلومی [illegible]
این [illegible] بعینه وقتی بیان و حجت است که شخص [illegible] به وجه
و بعینه ثابت نشود پس [illegible] که اول این طایفه [illegible] افترا [illegible]
و [illegible] آن که بدون بیان الهی و بدون واضح ساختن تکلیف تمام حجت خدا [illegible]
عذاب نکند چنانچه دلیل عقل آن دانستی و خوب عقل خود را بکار [illegible]
اما دلیل از آیات قرآن پس بسیار است دو سه آیه شریفه اشاره میشود [illegible]

[illegible] فانهم [illegible]
[illegible] الذی [illegible]
[illegible] الذی [illegible]
[illegible] الذین [illegible]
[illegible]

لا یکلف الله نفسا الا ما آتیها یعنی بر هر نفسی خدا تکلیف نمیفرماید احدی را مگر آنچه

که داده باشد [illegible] رسیده است این که غرابت آیه دیگر لا یکلف الله

نفسا الا وسعها یعنی تکلیف نمیکند خدا احدی را مگر بقدر وسع و طاقتش [illegible]

[illegible] باشد چگونه قدرت [illegible] میرزا علی محمد رضا [illegible]

[illegible] آیه [illegible] ذکر [illegible] دیگر [illegible] خارج شده [illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] بیان حدیث [illegible] صادق [illegible]

معرفت [illegible] فرمودند بر خدا [illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] حرام است [illegible]

[illegible] معجزه باهره [illegible] عقاب [illegible]

[illegible] فریب [illegible] لازم [illegible]

بعضی [illegible] و خشوع [illegible] تعالی الی [illegible]

[illegible] وما کان الله لیضل قوما بعد اذ هدیهم

حتی یبین لهم ما یتقون یعنی خدا [illegible] که هدایت کرد آنها را

[illegible] ایمان [illegible] برای ایشان آنچه را که باید عمل کنند یا ترک [illegible]

[illegible] حرام [illegible] حضرت پیغمبر [illegible]

[illegible] آنچه [illegible]

ومن بعده [illegible] ومن بعده [illegible] ومن بعده الباقر ومن بعده جعفر [illegible] ومن بعده موسی الکاظم ومن بعده علی الرضا ومن بعده محمد التقی ومن بعده علی النقی ومن بعده الحسن العسکری ومن بعده [illegible] القائم

چهل آیه شریفه و حدیث شریف [illegible] جهت [illegible] است که [illegible]

غضب خدا شده [illegible] گردانیده [illegible] رضای خدا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کردن [illegible] و خارج شدن از دین اسلام [illegible]

[illegible] تعالی با آیات و اخبار و اجماع [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] پس [illegible] کن که [illegible]

ابو [illegible] مسلم [illegible] حدثنا [illegible] قتیبة و یحیی بن یحیی عن

[illegible] و قیام [illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible] است بر کفر [illegible] شده است [illegible]

بدانکه آنقدر ایات بینات در ذکر بیانات الهیه در قرآن است که چون خواستم

فهرست آنها بنویسیم مشاهده کردیم که بسیار میشود این قرآن است [illegible]

لکن اگر [illegible] شده است نهی کرده است از نظر کردن بقرآن و کتب [illegible] باز

دلیلش [illegible] سنت است و چند خبری ذکر کنیم از آنها است خبر صحیح معتبر از حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله که رفع عن امتی تسعة الخطاء و النسیان و ما استکرهوا علیه

و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطروا علیه الخبر پس از جمله خبرهائیکه خدا عقاب

نمیفرماید آنخبر است که نداند پس بر فرض محال اگر خدا بفرماید [illegible]

... که از ... عرب ... سخن معلوم شد ... [illegible] ... دست

... [illegible] ... از حرف با اهل زبان ... [illegible]

بست ... فصیح اللسان ... عربی است با ... سخت ...

ورقاً عربی جاری نشده است پس ... چیزی ... فهم نتوانم ...

عربی نیست ... باشد حاشا از چنین حکیم فصیح ... هر گاه ...

جاری شده بود ... فصحا و بلغا سخن گفته بودند ... [illegible]

فرقی میان خدا و بنده نبود ... [illegible]

این نوع حیله کرده است ... نیست که ... قرآن آنست که بعینه لغت

عرب ... زبان خود ... است چنانچه ... [illegible]

قرآنا عربیا ... آیه دیگر و انه لتنزیل رب العالمین ... [illegible]

دیگر و کذلک انزلناه حکما عربیا و آیه دیگر ... [illegible]

قرآنا عربیا غیر ذی عوج و آیه دیگر کتاب فصلت آیاته قرآنا عربیا لقوم یعلمون و

آیه دیگر ... اوحینا الیک قرآنا عربیا لتنذر ام القری و آیه دیگر و هذا کتاب مصدق

لسانا عربیا و با وجود آنکه بر لغت و زبان فصحا نازل شد نتوانستند که ... و کلامی

که زبان دیگری باشد و نتوانند اهل لغت غیر آن بگویند که اعجاز و حجت نیست ...

الله لا حول و لا قوة الا بالله چه بسیار این طایفه ابله و جاهل اند که این گونه

گویند ... که این کلمات را کلام ... خطیب تر

کس ... [illegible] ... تو بیچاره

که تسبیح و تهلیل خدا [illegible] بشنود [illegible] نخواهند [illegible] آوردند

اگر آیات قرآن را بر [illegible] شده [illegible] هم بدانی [illegible] فانی بزبان عبرانی و

بجز دیدی و آنها جهت نام بکذاری و عذر خواهی کنی که اینهای شما فصیح و عربی

و فارسی را جا شا کنی و بگویی که موافق است و چون خود را سواد دیدی جای

دیگر بگویی که کلام خدا نباید بلفظ زبان شما نازل شود و تمام اهل کتاب تورات منسوخه

کنند [illegible] صحف منزله از آسمان چه تورات و انجیل و زبور و قرآن

[illegible] نیست [illegible] آن کتب منزله بلغات خودشان نازل شده

تمام میدانستند [illegible] و کجا میگویی کلام من موافق آیات الهیه

است [illegible] پیغمبران [illegible] گویند موافق کدام یک از این کلمات منزله است

[illegible] بر احدی پوشیده نیست مگر جاهلان

[illegible] وحیدی در دین داری ندارند و خود را بهتر از

دینداران میخوانند از بطور واضح میگوییم که طیران مرغان اعجاز نیست

نسبت بغیر مرغان که گویند ما پیغمبران میباشیم زیرا که ما طیران نمیکنیم و شما

نمی توانید پس واضح شد و قول او میگوید که نباید کلام خدا مثل کلام شما

باشد و دانستی که وقتی اعجاز است که مثل کلام ما باشد بفهم چه میگوییم و مرادم

چیست و آن اینست که باید بطور بی معنی کلام او را بر [illegible] واضح کنم [illegible] آنکه از

از علم و قانون [illegible] است و [illegible] صد هزار مرتبه بهتر مزخرفات [illegible] میگوید

از کسانیکه اهل لسان یا عالم باشند [illegible] حضرت پیغمبر [illegible]

[illegible] من رب العالمين [illegible] فأتوا بسورة [illegible] مثله [illegible] من دون الله [illegible] لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا [illegible]

حدود علی العباد فنهی وضع حدود هم یعنی آنچه را که خدای مستور گردانیده باشد هم

آنچه را از بندگان خود پس آن موضوع است و برداشته شده است از

ایشان مثل اسلاف آنچه را که حق تعالی به بندگان خود نمایانیده باشد و

بیان آنرا نفرموده باشد از ایشان آنرا نخواسته و سئوال و عقاب از بندگان

در آن باره نمیکند حال ای تو جاهل میگوئی در کجا خدای این بدعت اندوخته

و بچه دلیل و بیان حقیقت آن بر تو معلوم شد بلکه مشاهده نمی کنی که متعلق

این ادله قطعیه که یکی از آن دلیل عقل قاطع بود و دیگر [illegible]

دین [illegible] دلیل آنرا [illegible]

تعالی [illegible] و حال اگر در هر مقامی خدای [illegible]

بیانات فرموده است [illegible]

پس [illegible] بدعت [illegible] خدا اشد تمام کلمات [illegible]

معین [illegible] این طایفه ضاله را تا نجات یابی

[illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید ان الله تعالی

حد حدودا فلا تعتدوها و فرض فرائض فلا تنقصوها تا آخر یعنی خداوند عالم

حدود را قرار داده و معین فرموده پس او برای آنچه معین شده است

تجاوز نکنید پس ای بیچاره تو در جواب خدا چه خواهی گفت هرگاه بفرماید

که من خلفا [illegible] حضرت رسول [illegible] را منحصر در دوازده نفر گردانیده بودم

و در آیات قرآنی نیز اشاره کرده بودم که ان عدة الشهور عند الله اثنی عشر شهرا

فی کتاب

در کتابهای انبیا و بر زبان رسول خود مرقوم نگاشته و نصا فرموده [illegible]
شیعه و سنی در کتابهای خود ثبت کرده بودند پس چه سبب شد که [illegible]
داخل قرآن شدی بلکه بعد از اثبات ختم نبوت بخاتم انبیاء صلی الله علیه و آله بعنوان
ضروری مذهب تمام فرق اسلام گردانیده بود هم چگونه اقرار بر این [illegible]
آنرا اعتقاد نمودی ایمانی چاره بود در جواب خدا چه خواهی گفت [illegible]
آن [illegible] ذکر کرد که فهمیدی و دو دلیل آن [illegible]
بود و با آن حال هم آنها و دلیل دلیل بطلان او بود و پنج دلیل دیگر که
آن [illegible] داخل آن [illegible] از قرآن بلکه آیه از قرآن تمام [illegible]
[illegible] و تصریح به ابطال و افساد قولهای او است [illegible]
[illegible] بالفرض چنانچه گذشت [illegible]
[illegible] بدان الناس فی سعة ما لم یعلموا یعنی که مردم در آنچه نمی دانند در [illegible]
یعنی تکلیف در آنچه نمی دانند ندارند و حدیث دیگر [illegible] عبد الاعلی از حضرت
صادق علیه السلام پرسید عمن لم یعرف شیئا هل علیه شیء قال [illegible]
از کسی که چیزی را نداند آیا بر او تکلیفی باشد و یا عقابی یا باشد فرمود نه [illegible]
ششم هم بدان ان الله یحتج علی العباد بما آتاهم و عرفهم بدرستیکه حق تعالی حجت
میکند و حجت قرار میدهد بر بندگان آنچه را که با ایشان رسانیده و [illegible]
و آنرا با ایشان شناسانیده باشد پس بهمین اقتصار میکنیم و غرض از [illegible]
شد که حق تعالی در حکم [illegible] و فهم [illegible] از [illegible] دلیل [illegible]

نظیر آن خدا و در خبری از حضرت امیر که ثبت است و تعلق بآن گرفته بود

فرموده برآن دلایل و براهین قرار داده و امر الهی بازیچه نیست پس بر تو واضح

شود فساد قول این ملحدان که دلیل نمی خواهی مانند صوفیه ناقصه دلایل و بینه فلها

شریعت را رها کرده و داخل بدعت و ضلالت شوید و هم چنین واضح شود بر تو اگر

بر خدا می بندد در چند ورق طول میدهد و حاصل آن این است که انتهای گذشته در

ظهور هر نبی و رسولی او را نشناخته و الا تعجب صبر نکرده ایمان نیاورده [illegible] بادوا

براین مطلب [illegible] ابطال ان را فریب بدهد و مکر بد [illegible]

روحی فداه نباشید بلکه در قید شخص حضرت [illegible] باشید و تقلید میکنند که

نفی نباشید بلکه هر مدعی که ادعای منصبی کرد [illegible]

کلمات کفریه اثبات ظلم بخدا و عجز انبیا و اثبات [illegible]

انکه مخالف ادله عقلیه و نقلیه باشد چنانچه گذشت [illegible]

پس از تقریر او انتها تقصیری ندارند زیرا که نبی و وصی را عجز [illegible]

و آنها عاجز بودند و برگشت عجز انبیا بعجز خدا و سبب [illegible] تعالی

عن ذلک علواً کبیراً و نیز طعنت [illegible] در شغل آینده [illegible]

اقرار میکند که حجتی و دلیلی ندارد و آنرا منحصر در خرق عادات ثابته بر خلاف

نوامیس قرار میدهد و چون مشاهده میکند که عامی و جاهل که نباید [illegible]

کنند که بکلی اهم حجت و دلیل ایمان کجا آورده [illegible] نیست [illegible]

داوران ابطال میگویند و آنکه میگوید [illegible] و خدا [illegible]

منو دو الی موسی شد بوده هم آنگه با دین خود و خدائی که میسکوئی محمّد و امت بر

آن مداری نظر کن در امت داود پانصد سال هم بر ترتیب شده تا آنکه [illegible] رسید

بعد از آن [illegible] قلیلی ایمان آوردند و باقی ماندند و کن با دین خود و خدا خود [illegible]

بود که میخواستند [illegible] سال [illegible] که فرصت [illegible] و

دوست میداری که یقین [illegible] موسی امت داود علیه السلام [illegible]

تصور کن که اگر [illegible] نمودند که موسی همان پیغمبریست که داود خبر داده

احدی [illegible] مکر و حیله [illegible] کافر شود تا آنکه امت موسی

پانصد سال ترتیب شده تا آنکه [illegible] رسیدند آنچه وعده داده بود

با ایشان [illegible] اهل حکمت و بصیرت بودند ایمان

بعضی [illegible] را نمودند و با دین خود و خدا میخواستند

که با آنچه [illegible] یقین نمودند و ماندند که تا الان ماندهاند و

هنوز منتظرند پیغمبری را که موسی خبر داده و با دین خود و خدا خود در حساب میدانند

تا آنکه میگویند و بعد نظر نموده امت عیسی ع که با پانصد سال ترتیب شده مثل امت

موسی وقتیکه بکمال رسیدند در دین خود و خداوند محمّد رسول الله ص ظاهر فرمود

و حال آنکه عیسی از امت خود عهد گرفته از ایمان آوردن با و در ظهور زیرا که در این

سنت کل رسل بوده هیچ رسولی مبعوث نشده الا آنکه از امت خود عهد گرفته با ایمان

برسول بعد را و بعد از ظهور رسول الله ص شنیده که بر آنحضرت چه گذشت تا آنکه

میگویند تا هفت سال [illegible] امیر المؤمنین [illegible] وعده داده بود [illegible] بنیاد زندگی [illegible]

میگویند

[illegible]

میگوید و اهل کرامت شیعی اگر یقین نمینمودند که این کار ان احمد هو خود است

احدی از نصاری متعجب نمی ماند از رسول الله تا آنکه میگوید و کل با هم بخود خدا

خود را مجاهد و معاتب میدانستند که اگر فی الحقیقه یقین نمینمودند که رسول الله بعد از آن

پیغمبریست که عیسی خبر داده کل اقرب از همه بعبر ایمان میاوردند میگویم این بیجا

نوشتم بعض خدا ایندان اهل علم و دیگران بدانند که اینها هرگز [illegible] انداخته اند

و این ترجمه انداختن [illegible] باشد که ترجمه کرده [illegible] آتش درو

آنرا هر گاه نوشته بود در فصاحت و بلاغت [illegible] آنقدر غیر مقبول

غیر محسون [illegible] اغلاط فاحشه دارد که نیکو [illegible] بطلان [illegible] ذکر

غیر [illegible] دانکتاب را در حاشیه ها آن نوشته ام [illegible]

در حیرتم که چطور [illegible] خود جاهلند که فریب این کلمات [illegible]

میخورند بیقین [illegible] احمل [illegible] وهم میکنند و عقاب من دون بیان را بر خدا لازم میدانند

بالای مکابره ندارند نوشته ام پس در صورت عدم مکابره یا معاقب اند و یا

مثاب اگر گوئی معاقب اند چنانچه فرض تو همین است پس خدا را ظالم دانسته و معاقبت

بودن با وجود عدم یقین [illegible] مخالف قول تمام عقلا و اهل ادیان است و اگر

[illegible] بدون دلیل و اثبات [illegible] چگونه میشود که خدا حجت

خود را بر خلق تمام نکند و آنها هم مکابره نکنند بغیر آنکه برهان خواهند و با ایشان برسد

و با ایشان خدا آنها [illegible] پس خطا از [illegible] تعالی الله عن ذلک

غلو اکثیر از انبیاء میکنی یا این پیغمبر تا به که مرتبه علم و تقریر او از دانشمندان معلوم شد
زیرا که این نیست مرتبه علم و وجود نامی محمد باد ان آیا آن انبیاء که خبر داده به نبی
بعد خود و علائم و دلائل ذکر کردند راست گو بودند یا نه اگر راست گو بودند آیا فایده شد آن
علائم و دلائل از برای خلق و یا اگر دروغ گفتند فایده در آنچه پس بسیار سهل است که
رد قول و عقیده تو زیرا که انبیاء را کاذب دانستی و ذکر دلائل و علائم را که جهت ارشاد
و هدایت امت [illegible] آن را علت اغوا و ضلال و اغراء باطل قرار دادی
خبر کنایات تو این است که خلق تقصیری ندارند و ابداً عقاب ندارند زیرا که انبیاء آنها را
بضلالت انداختند و علائم و دلائل ذکر کردند که بعد از انبیاء بیاورند و چون آنها
[illegible] آن علامات [illegible] بر عقیده سابق باقی ماندند حال ای عامی
آن [illegible] بر قول این باب نار تقصیر از انبیاء میشود و مرجع
[illegible] لکن صاحب این قول را چه نسبت باید داد و هرگاه
بگوئی که همین صادق بودند و انبیائی که آمدند یا آورند میگوئیم جمع نمیشود که
[illegible] صادق و معصوم کاذب شود و انبیاء العیاذ بالله تهی دست و بی برهان باشند و حال
آنکه صاحب معجزات باهرات بودند و هرگاه که صادق بودند و انبیاء نیز با آیات باهره
آمدند و خلق هم دانستند و فهمیدند و یقین کردند و ایمان بیاوردند و منکر بر هم
نداشته میگوئی با نبیکو خود در مضحکه کردی و نیز قول تو منافات دارد که
میگوئی یقین کردند والا قرب [illegible] ایمان بیاوردند و نیز از تو سؤال
میکنیم که حق تعالی قدرت دارد که معجزات باهرات بر دست انبیاء خود جاری سازد

[illegible]

یانه

یا دو نیز اگر چاره‌ای ساخت تا حجت [illegible] گر چاره‌ای نساخت و نیز [illegible] هم که چنانچه

خود دست گرفتی [illegible] خبر از دست خود را برسولی که بعد خدا ظاهر شود و ما هم [illegible]

کرد رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام خبر ظهور حضرت محمد بن الحسن عجل الله فرجه

و ارواح العالمین له الفداء داده‌اند پس کو خبر تو و کجاست کی خبر داده است

بنبوت تو بعین کیفیت اثبات ما و آنچه تو میخواهی ادعا کنی و [illegible] عاجز شدی

دلیلی و برهان نداری پس تمام اقوال تو باطل است زیرا که [illegible]

مدعی را تا نه دلیل و برهان مسموع نیست [illegible]

هرج و مرج بی نهایت و وجود [illegible]

و غیرها است کما لا یخفی سید انعم [illegible]

و [illegible]

[illegible]

تمام آنها [illegible] پس از حدیث حضرت صادق [illegible]

از دین خارج شوند و قائل با انتقال روح حضرت [illegible] شوند یکی از آن طائفه [illegible]

قوم بدعت و ضلالم گویم راست گفتی پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را اطاعت

کنند با وضوح بودن بطلان و فساد و ضلالت تو [illegible] ای برادر [illegible]

حیله و تدبیر این طائفه شو که چگونه این قوم را فریب میدهند که یکباره چشم از حق

خود بردارد و یقین [illegible] بطلان آنها را [illegible] شمارد و ضلالت را یقین دارد و دیگر بعد از

حیله که گذشت کار به [illegible] نیست و میخواهی یقین [illegible] کمال [illegible] از یقین بردار و [illegible]

[illegible]

قول

تن برنده و اتحاد شود دیگر چه میخواهی بالاتر از این چه بسیار جای شگفت و تعجب است
که میگوید میان خود و خدای کریم [illegible] است و حجت بر آن نداری نمیدانم که محسوسات
حجت نخواهد نظیر [illegible] که تصرف تو باشد و خود ندیده باشی دیگری را ادعا آن باید [illegible] گوید
تصرف من است و خود ندیده ام مدعی گوید تصرف محسوسی تو و علم و یقین تو مجرد نیست و وهم
است و حجت بر آن نداری حتی تصرف محسوسی تو حجت نیست و ادعا [illegible]
حجت [illegible] و بر آن [illegible] نظیر دیگر [illegible] آن شخصی که مشاعرش سالم باشد و در وقت
[illegible] چشم خود [illegible] کند و باید خود احساس حرارت
[illegible] این شباهت شخص بگوید که [illegible]
[illegible] حرارت آن را احساس [illegible] آن مدعی گوید
[illegible] حرارت آفتاب خیال است دیگر آنکه
اضافه کند و گوید چون تمام مردم گفته اند که روز است تو نیز تقلید میکنی و ایات
بسیار در مذمت تقلید وارد است حال ای عامی این مدعی چه میگوئی و این
سخنان زور و ضح الفسادی را چگونه جواب میدهی بهر نوع که منکر وجود آفتاب را
جواب میدهی جواب منکر وجود شخص حضرت مهدی بن الحسن عجل الله فرجه
را بده بعلت آنکه حقیقت آل محمد علیهم السلام از آفتاب روشن تر است
اگر چه [illegible] از آفتاب واضح تر باشد چگونه بسیاری از خلق منکر میشوند
عرض میکنم خدای آل محمد علیهم السلام از آل محمد علیهم السلام واضح
تر و روشن تر است چگونه این قدر خلق [illegible] و همه منکر

فصل در بیان آنکه مراد از سلطنت قائم علیه السلام سلطنت و دولت ظاهره غالبه میباشد بسبب ... و طریقه آن اخبار بحدی است که ابدا تأویل در آنها جاری نیست بطور اختصار که تا نوع آن اخبار معلوم شود در کتاب ارشاد و بحار و کتاب صافی و غیر آن از کتب معتبره از حضرت صادق روایت شده که فرمودند که چون قیام نماید قائم ع حکم مینماید بعدالت و برطرف میشود در ایام آنحضرت جور و ستم و راهها امن و ایمن میشود و بیرون میآورد زمین گنج و ظاهر میسازد برکات خود را و هر حقی باهل آن برمیگردد و اهل ادیان باقی نمی مانند مگر آنکه اظهار اسلام مینمایند و بایمان شناخته میشوند آیا نشنیده قول خدای سبحانه را وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا یعنی برای او اسلام آورده هر کس در زمین و آسمانها است از روی رغبت و یا کراهت و بسوی خداست بازگشت ایشان و حکم مینماید در میان مردم بحکم داود ع و حکم محمد صلی الله علیه و آله پس در آنهنگام ظاهر میسازد زمین کنوز خود را و برکات خود را و بطوری غنا و ثروت شامل حال مؤمنین میشود که فقیری بجهة گرفتن خیرات و صدقات یافت نشود بعد از آن حضرت فرمودند بدرستیکه دولت ما آخر دولتها است و باقی نمی ماند اهل بیتی که از برای ایشان دولت و سلطنت باشد مگر آنکه مالک شوند پیش از ما تا آنکه نگویند در وقتی که می بینند سیرت ما را

[illegible]

که هر که ... نیز ... سلطنت حکم ... بسیرت ... ایشان ...

وهو قوله تعالی والعاقبة للمتقین عرض ... بوضع احادیث ...

استشهاد است اوّل بر طرف شدن ظلم و جور که اخبار مستفیضه دیگر ...

آنست و از زمان ظهور بدعت این فرقه مضلّه تا کنون ظلم و جور بر طرف

نشد بلکه روز بروز زیاد شده و میشود و هم چنین است در برکات زمین و

... صریح حدیث شریف بظهور اسلام و ...

شدن تمام ادیان مختلفه ... آنست اخبار بسیار ... دیگر شاهد ...

... محمد صلی الله علیه وآله وسلم شاهد ...

... از آن غفران ...

... که دولت را نام برده دولت ...

تاویل نتوان نمود علاوه آنکه بیان دولت و سلطنت سلاطین امیر ...

که باید سلطنت امام پیش از سلطنت باشد پس آیا در اکر ایشان ...

و رسول و خلفاء راشدین آنحضرت علیهم السلام داری که ...

فرما و انصاف را شعار خود فرما و ملاحظه کن که آیا این نوع اخبار را

میتوان تاویل بسلطنت ... نمود وان ... الاول بآنچه از

حضرت باقر نیز روایت شده ... در تفسیر آیه شریفه امّن

یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء ویجعلکم خلفاء

الآخر منها از حضرت امیر [illegible] روایت میکند که نماز امام در باره قائم آل محمد

علیهم السلام [illegible] و [illegible] منتظر در [illegible] دو رکعت نماز گذارد در

مقام ابراهیم و بگوید [illegible] پس خدای تعالی اجابت فرماید او را

و [illegible] او را [illegible] و در روایت دیگر [illegible]

[illegible] با او بیعت میکنند [illegible] سیصد و سیزده نفر [illegible]

بسیار در دل [illegible] که [illegible] حضرت [illegible]

سیزده نفر در رخت خواب خود مفقود شده در خدمت آنحضرت [illegible]

و جبرئیل بصورت طیر [illegible] با آنحضرت بیعت میکند [illegible]

و در آخر روایات تفصیلی دیگر نیز [illegible]

[illegible] و قتل کردن آنحضرت [illegible]

و در صافی از صاحب مجمع البیان نقل میکند که [illegible] که

اخبار [illegible] از ائمه هدی علیهم السلام رسیده است که [illegible]

در وقت ظهور حضرت [illegible] زنده میفرماید قومی از [illegible]

و اولیا آنحضرت را که قبل از ظهور فوت شده اند تا ثواب نصرت [illegible]

دریابند و مسرور شوند بظهور دولت و سلطنت آنحضرت تا آخر

[illegible] این اخبار [illegible] تمام لغو و کذب [illegible] العباد

باشد و یا تاویل دارد [illegible] تاویل بردار است آه آه که عوام [illegible]

نیست و از جمله مسلمات مذهب شیعه آن رجعت است و نیست رجعت
مگر بخصوص انتقام کشیدن از اعداء دین پس چگونه آنها را دلیل [illegible]
میشود و اگر بنا شود باز هم کشته شوند چه ثمر دارد و آن غیر ظلم [illegible]
نه راحت و شفاء غیظ مومنین که رجعت بجهة آن است و مجلسی علیه الرحمه
در کتاب رجعت [illegible] که چگونه شک میکنند کسیکه اعتقاد باشد [illegible]
دارد [illegible] متواتر شده [illegible] از ایشان در قریب [illegible] و دویست حدیث
صریح که چهل و چند نفر از ثقات [illegible] و علما [illegible] کرده اند در
بیش از [illegible] کتاب [illegible] از علما
و [illegible] در کتب [illegible] اخبار [illegible] میکنی
و [illegible] جواب خدا را میدهی هرگاه منکر شوی [illegible]
است از ادله [illegible] براهین و اخبار داله بر آنکه حضرت حجة بن الحسن [illegible]
منکرین احکام خود را میکشد بشمشیر بسیار است و اما از اخبار [illegible]
روایتست که فرمودند که حضرت قائم حکم میفرماید [illegible] باینکه بعضی از
اصحاب آنحضرت منکر شوند حال آنکه آنها از کسانی [illegible] که پیش
روی حضرت با شمشیر جهاد کرده اند پس حضرت آنها را گردن میزند [illegible]
حکم حکم آدم است و بعد حکم دیگری میکنند و جماعت دیگر که [illegible]
آنحضرت شمشیر زده اند منکر میشوند پس آنها را نیز گردن میزند پس حکم [illegible]

[illegible]

میکنند و جماعت دیگر که حدیث [illegible] حضرت [illegible] کرده‌اند با شمشیر منکر میشوند
و حضرت نیز آنها را گردن میزند و آن حکم حکم ابراهیم است و بعد حکم
پدر هم میکنند و آن حکم محمد صلی الله علیه و آله است پس [illegible] انکار
میکنند پس چند موضع این حدیث قابل استشهاد است اول آنکه قضایا
و احکامی دارد که بعضی منکر میشوند و آن قضایا قضایای [illegible] باشند
بدعت و ضلالت باشند دویم آنکه هر کس آنها را [illegible] شمشیر
کار او را تمام میفرماید پس اگر کسی [illegible] بگذارد و شبهه برطرف [illegible]
که حضرت نیز احکام جدیدی دارد و [illegible]
و نتوانند منکرین خود را دفع نماید معلوم میشود که هر کس [illegible] گذارد
و نام آنرا حکم تازه بگذارد امام نخواهد بود [illegible] حضرت قضایا [illegible]
که تصریح دارد حدیث که قضایا محمد صلی الله علیه و آله حکم میفرماید و
آن اخباری است که اشاره میشود انشاء الله سیم آنکه کار با شمشیر است در
موضع این حدیث تصریح بآن بود پس کسیکه مغلوب شود مردود است چنانچه حضرت
صادق هم میفرماید که چون ظهور فرماید حضرت قائم علیه السلام [illegible] و بین العرب
و الفرس الا السیف نمی باشد میان او و عرب و عجم مگر شمشیر لا یأخذها الا
بالسیف [illegible] میگیرد مگر بشمشیر و لا یعطیها الا به و نمیدهد مگر بشمشیر [illegible] این نوع اخبار
صریحه در قتل و قتال است [illegible]

از دین [illegible] و حضرت باقر فرموده که قائم شبیه ذوالقرنین است [illegible] با مکث اصحاب کهف در کهف بوده و پر کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده بود از ظلم و جور پس خدا مفتوح گرداند برای او مشرق و مغرب زمین را و آنحضرت بکشد مردم را تا باقی نماند مگر دین محمد صلی الله علیه و آله [illegible] چنانچه [illegible] است بر انبیاء علیهم السلام اول عمر آنحضرت و مثل انبیاء [illegible] زمان [illegible] دوم پر شدن زمین از عدل و داد در زمان حضرت سیم اگر مراد [illegible] مشرق و مغرب زمین را فتح نماید [illegible] اگر [illegible] کشته شده اهل بیت [illegible] پنجم آنکه در زمان حضرت باقی نمی ماند دین دیگر [illegible] منظره را بر هم زد و مغفل و مبتدع بود و اداین نیز بر قرار است ای منعطف الضعاف [illegible] در دین خود متزلزل شوی و نیز کافی در آخر حدیث میفرماید که دنیا بر طرف نشود تا آنکه خدا ظاهر فرماید مرد دیگر از اهل بیت که عمل کند بکتاب خدا و نه بیند منکری را مگر آنکه انکار فرماید پس حضرت عمل بقرآن میکند و منکرات را بر طرف میسازد و این شیرازی جمیع المنکرات شده و تمام ادیان را پاک دانسته و مخالف کتاب خدا و سنت پیغمبر نموده و احادیث بسیار است که حضرت بر مخالفین خود دشمن نقمت است و دهم حدیث دیگر در کیفیت نزول حضرت با عیال ایشان در

در [illegible] حضرت صلوات الله علیه ٧

[illegible] جمله در [illegible] حضرت میفرماید که حضرت پیغمبر ما را در دولت بعضی [illegible]

نیست [illegible] خدا [illegible] است زیرای ما خونهای [illegible]

قائم [illegible] ما [illegible] بر او و شما حرام است پس کسی ترا [illegible]

[illegible] انتقام میکند از دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا و

دشمنان ما اجمعین و حال [illegible] از حدیث [illegible] تاویل معلوم میشود [illegible]

[illegible] شود [illegible] نیکو [illegible] تا ذبیحه [illegible]

حضرت صادق [illegible] میفرماید که [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] پس [illegible] که [illegible] کشته اند [illegible]

[illegible] رسول [illegible] است [illegible]

[illegible] شد پس [illegible]

[illegible] پسر [illegible]

از رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] بغلبه ظاهر و واضح

[illegible] دیگر [illegible] پیغمبر است که مراد از آن کتابی خواهد بود که در آن حکم

[illegible] انتقام بوده باشد چنانچه در حدیث دیگر میفرماید که حضرت قائم [illegible] میکند

با مر تازه و [illegible] تازه [illegible] میگویم یا چه چیز است [illegible] تازه میفرماید

کتابی است که در آن حکم [illegible] است [illegible] کتاب تازه

[illegible] حدیث که فرموده اند که آن کتابی است که در آن حکم [illegible] است و واضح

[illegible]

در غیبت آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه

میکنند مرو را که در جهان ظاهر است که بر عرب سخت است چون ... ذریه
پیدا شده اول حضرت محمد باقر شیر بکشد و در چند جا در دست ... شمشیر را قطع میکنند
و در چند جا است که حضرت مولی بجهت بود و حضرت قائم ع نقمت و عذاب
است از برای دشمنان و چنین خبر هست شان آنحضرت که شمشیر حمایل کرده
بشمشیر و از مذهب ... در حدیث زراره حضرت باقر علیه السلام ... نام
حضرت ... کردم آیا سیرت و طریقه آنحضرت سیرت رسول خدا ص
خواهد بود فرمودند هیهات هیهات ای زراره ما یسیر بسیرته بدرستیکه رسول خدا ص
... آنحضرت خواهد بود قائم رفتار و سیرت کشتن
... است ... دوران کتاب است که قتل نماید و قبول
... را نابب نمی کند وای بر کسیکه با او عداوت نماید
... در حدیث شریف که کتاب جدید همان کتاب است
که حکم قتل و قتال در آنست و این حدیث هم صریح بود که حضرت قائم ع بسیف است
و غالب بر تمام خلق با غلبار کلمه آخر حدیث پس آن شیرازی ملعون گفته که اول
شده بشمشیر که نتوانی رد کنی و نیز از حضرت صادق ع سؤال شد از
سیرت قائم ع فرمودند میکند آنچه را پیغمبر فرمود میکرد چون این کلمه جهل
بود فورا تغییر میفرماید که خراب میکند آنچه پیش از آنحضرت بوده یعنی از بدعتها
و ضلالتها چنانچه حضرت رسول خراب کرد امر جاهلیت را باز میگویند انکه

...

بسم الله ... مالک الملک ... انت مالک الملک ... العظیم ... من ... معول ... من ... النار ... او ... النار ... و ... لا ... و ... و ...

و در خبر است [illegible] رسول الله صلی الله علیه

بدعتها و ضلالتها خراب سازند و در طرف [illegible] آخر این حدیث

و بستانند اسلام جدید را از سر گیرد [illegible] در [illegible]

[illegible] این حدیث و غیر [illegible] صریح است که آنحضرت بدعتها و

[illegible] حاجت [illegible] تصریح بیان فرمایند

[illegible] این حاجت باشد که [illegible] را [illegible] کنند

[illegible] قریب [illegible] را [illegible] است

است بطریق صحابه اول خلفا [illegible] اگر [illegible] نتواند چنین موجود

[illegible] دارد و دویم و سیّم تجدید کرد [illegible] احکام آن

و بر طرف ساختن بدعتها [illegible] اسلام و

آنرا [illegible] سال [illegible]

اخبار [illegible] معجزه صادقین باشند که هزار سال پیش خبر داده‌اند و

[illegible] فرقه مرتده پیدا شده‌اند چون وصیتان الاسلام جدیداً

بعنوان آفتاب روشن بود که اسلام را تازه میکنند این فرقه مفتریه بر خدا و

رسول هر جا که این حدیث را ذکر میکنند این کلام را حذف مینمایند و نقص

حذف و سقط از خبر خود دلیلی روشن است بر حیله و مکر این طایفه و نیز از آنها

سؤال شده آیا سیرت قائم بر خلاف سیرت امیر المؤمنین است

فرموده‌اند بلی و جهت آن این است که حضرت امیر مهلت گذاشتن و دست از آنها

در سیرهٔ آنحضرت صلوات الله علیه

نگاه داشتن عمر نمود و تعجب انه میدانست که بعد آنحضرت بر شیعیانش غالب
میشوند و حضرت قائم هرگاه قیام فرماید قتل میفرماید ایشان را و اسیر کردن
چون میدانند که احدی بر شیعیانش غالب نمیشود ابداً این حدیث تصریح بر
غلبه ظاهره دارد بلکه صریح است که احدی بر شیعیان آنحضرت غالب
نخواهد شد و او بعد از آنحضرت و نیز حضرت باقر علیه السلام فرموده
بامر تازه و کتاب تازه [illegible] حکم تازه که بر عرب سخت و دشوار است شأن ایشان
[illegible] بشمشیر قبول نمیکند از [illegible] توبه و باک ندارد از ملامت لائمی
[illegible] که در [illegible] هستی که خود [illegible] علیه السلام تغییر
[illegible] بسبب حکم قیام بسیف [illegible]
[illegible] داشتن بلیت سالها که تفقه [illegible]
و [illegible] خبر تغییر شد بعدم احتیاج به عمل کردن
بعلم خود که در اخبار بحکم داودی ذکر شده است و قضایای جدیدهٔ آنحضرت
بسیار است و در این کتاب نیز انشاء الله تعالی پاره از آنها ذکر میشود و
شاید اعراق شخص بوده باشد و جمله جمیع اینها و امثال آن به آنکه بطور
واضح با تو میگویم اگر انصاف داشته باشی و راه راست و نجات
آخرت را خواسته باشی بطور مجمل و آن این است که در زمان حضور حضرت قائم
علیه السلام چون بدعتها و ضلالتها و فتنهها و فسادها عالم را فرا گرفته است

[illegible]

بطور که

شرح سیرت انحضرت صلوات الله و سلامه علیه

[illegible] نظر مردم بدعت است و بدعت سنت [illegible]
معروف [illegible] منکر [illegible] حق را باطل و باطل را حق و صدق را کذب و کذب را صدق [illegible]
[illegible] و لهذا تمام احکام شریعت [illegible] از میان رفته چنانچه
[illegible] بسبب [illegible] ثابت [illegible] است پس
[illegible] لا یبقی من الاسلام الا اسمه [illegible] یعنی در آخر الزمان [illegible] اسلام
[illegible] شده [illegible] پس همین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از [illegible] پاک گرداند و بعدل [illegible] برپا دارد [illegible]
[illegible] و در همین خطبه میفرماید که آنحضرت [illegible]
[illegible] و ذلک ان الامة کلها یومئذ جاهلیة الا من رحمه الله [illegible]
[illegible] در باطنیت [illegible]
الا کسی را که خدا براو رحم کرده است پس در این هنگام همین قرآن نیز
[illegible] تازه است از جهت عمل کردن بآن و سنتهای پیغمبر تازه است در نظر

[illegible]

آنها البته احکام تازگی دارد و سخت است زیرا که بدعت است [illegible]
آداب و رسوم خود بردارند و متدین بدین اسلام شوند البته که آن
حضرت و حکم حضرت تمام تازه است برآنها و این واضح است و محل
شک و شبهه نیست و همچنین احکام شیعه بر غیر شیعه از همه
فرقه اسلامیه سخت و دشوار است و بر آنها کتاب تازه و حکم تازه است
مسلمانان [illegible] آداب و رسوم خود بردارند یا حامی [illegible]
[illegible] کلمات که با سرعت [illegible] بسیار [illegible] بر قلم [illegible]
[illegible] آنرا خود بفهم و [illegible] نظر نما
[illegible] اشخاصیکه [illegible] آل محمد علیهم
[illegible] آنها اندک [illegible] خصوصاً که ایشان هم
امتحان میشوند [illegible] از دین خارج شوند پس البته
در این هنگام اجرای احکام شریعت مطهره در نظر خلق روی زمین تماما
تازه است و جلوه دارد و سخت و دشوار است و نیز اشاره [illegible]
میگویم الحال خودت انصاف بده که اگر الان کسی خواسته باشد حقیقة
حقیقت احکام شرع را اجاری دارد بهمان نوعی که رضای خدا و رسول
است آیا غالب مسلمانان او را [illegible] بلکه آیا غالب آنها حکم
بقتل و اخراج او نمی‌کنند بادی اگر تکلیف من بود [illegible]

و ال کفته است در ارشاد شیخ مفید [illegible] از حضرت باقر ع است که فرمود
چون قائم ع قیام نماید میرود به پشت کوفه و در آنجا چهار مسجد خراب میکند
ولا یبقی مسجد علی وجه الارض له شرف الا هدمها و جعلها جماء و وسع الطریق
الاعظم و کسر کل جناح خارج فی الطریق و ابطل الکنف و المیازیب الی الطرقات
و لا یترک بدعة الا ازالها و لا سنة الا اقامها و یفتح قسطنطنیه و الصین و جبال
الدیلم الحدیث پس تمام بدعتها [illegible]
بر [illegible] ظاهر [illegible] و صریح در فتح [illegible] میشود و چون بدعتها را [illegible]
[illegible] است و در کتاب کمال الدین [illegible]
وصف ذی القرنین [illegible] که خدای تعالی [illegible]
و هر چیزی با و مرحمت فرموده و او [illegible]
زده باشد [illegible] جاری کند سنت او را در قائم از فرزندان من [illegible]
و غرب عالم تا آنکه نماند زمین سهل و نه موضع زمین و نه جبل و کوهی که ذی
القرنین قدم زده است مگر آنکه آنحضرت نیز در تمامی آنها قدم زند و برود و
خداوند کنوز و معادن زمین برای او ظاهر فرماید و نصرت دهد او را برعب
ترس در دلها و پر کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده است از جور
و ظلم [illegible] در نوع اخبار وارده در ظهور و سیرت آنحضرت که تغییر بعضی
که [illegible] در آنها جاری نیست و نیز [illegible] هدایت عوام چند خبر دیگر

الدین و کتاب کمال الدین و غیر آن ... در کتاب الکافی از
کراجکی از حضرت صادق ... است که ... بخدا قسم ... که
نازل نشده است تاویل آن ... تا بیرون آید قائم ...
... شود تا آنکه باقی نماند کافری و نه مشرکی ... مگر آنکه کاره باشد
خروج آنحضرت را حتی آنکه اگر کافر ... در شکم سنگی باشد ...
ای مؤمن ... پس بشکنید ... در تفسیر آن ...
از ... که خدای تعالی ...
... ولایت ... است تا آنکه ...
... و قیام ... ولایت قائم را اگرچه کاره ...
... و در کتاب ... در حدیث ...
... و علاء ذکر ... صلی الله علیه و آله ... فرماید
میفرماید قسمت ... لاظهرن دینه علی الادیان کلها و لاعبدن ...
البته غالب میکرد ... دین او را بر تمام ادیان و عبادت کرده شوم در تمام
مکانها و در کتاب احتجاج حضرت امیر ... در وصف قائم ...
تا آنکه میگوید و یظهر دین نبیه علی یدیه علی الدین کله و لو کره المشرکون و در
این حدیث و احادیث گذشته و آینده تصریح است که حضرت قائم عج رواج
دین پیغمبر ... میدهد و همان شریعت را برپا میدارد نه آنکه دین تازه اختراع ...

[illegible]

تا آنکه باقی نمی ماند قریه مگر آنکه در آن ندا کرده میشود بشهادت ان لا اله الا الله محمد رسول الله بکرة
و عشیا و در بحار از کتاب کنز الکراجکی نیز چنین روایت شده است و در مجمع از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمودند لا یبقی علی وجه الارض بیت مدر و لا وبر الا ادخله الاسلام
اما بعز عزیز او بذل ذلیل اما یعزهم فیجعلهم من اهله فیعزوا به و اما یذلهم فیدینون له باقی نماند
در روی زمین خانه سنگ و چوب و موئی مگر آنکه خدا اسلام را داخل نماید در آنجا یعنی سنگ
و چوب و مو [illegible] تمام روی زمین است یا بعزت [illegible] بطوع و رغبت
قبول کنند عزیزند و کسانیکه قبول نکنند [illegible] داخل اسلام [illegible] شوند
و در بحار از تفسیر قمی روایت میکند که این آیه [illegible] قائم آل محمد نازل شده [illegible]
[illegible] غالب میگرداند خدا او را [illegible]
چنانچه پر شده است از ظلم و جور [illegible]
[illegible] در وقتی که باقی نماند یهود و نه نصاری و نه [illegible] داخل در اسلام
شوند تا آنکه گوسفند و گرگ و گاو و شیر و انسان [illegible]
[illegible] صلیب را پاره کند و جزیه گذارده شود و صلیب شکسته شود و خنزیر کشته شود
این است که خدا میفرماید لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون و ذلک یکون عند
قیام القائم [illegible] این فرقه کفره فجره گویند تأویل است که کسانیکه داخل بدعت و
ضلالت شدند از فرقه ضاله بابیه با کمال تباین کمال انس و الفت دارند ای حمقا
ای ابله اول حدیث را ملاحظه کن که چون صرفه نداشت از آن چشم پوشیدی و چون
رد صریح بود آنرا حذف و اسقاط کردی پس اگر این حدیث را تأویل میکنی صدر
آنرا چه میکنی که باید دین یهود و نصاری و هیچ ملت باقی نماند مگر آنکه داخل

زمان او را و بشنوند کلام آنحضرت را عرض میکنم ملاحظه کن عبارات حدیث را که
چگونه آنحضرت غایب است و مراد صلح سماع همان عدم ضرر ایشان است
بسکه بکرد تاویل او و در این حدیث شاید اجاری نیست بعلت آنکه اول ذکر میفرماید
ایمان کفار و وجوب شدن بدا تا باخر پس اگر مراد تاویل بود ذکر اینها تماما
لغو و بیفایده بود و کلام لغو از حکیم و امام جایز نیست و اختلاف مدت
سلطنت آنحضرت باین نحو است که بعضی از آن محمول بر تمام سلطنت از
اول ظهور تا به آخر است و بعضی محمول بر زمان استقرار سلطنت و دولت
است و بعضی محمول بر حساب سالهای ما میباشد و پاره محمول بر حساب
سال ... است که ... آنحضرت بروایتی ده سال است و
نیز از غیبت ... قائم است تا آنکه میفرماید یفتح الله له شرق
الارض و غربها ... حتی لا یبقی الا دین محمد بسیره بسیرة سلیمان
بن داود ... ابی بصیر است که گوید که شنیدم از حضرت
صادق ع که فرمودند در سه سنت انبیاء جاری است در قائم ما اهل بیت فرمود
ای ابابصیر او پنجمی از فرزند من موسی است و آنحضرت است پسر سیده
کنیزان غایب میشود بغیبتی که بشک میکنند مبطلان پس از آن خداوند
او را ظاهر میفرماید فیفتح علی یدیه مشارق الارض و مغاربها و مشارق و مغارب
زمین را برای او مفتوح میفرماید و نازل میشود عیسی بن مریم پس نماز گذارد خلف آنحضرت
وتشرق الارض بنور ربها ولا تبقی فی الارض بقعة عبد فیها غیر الله الا عبد الله
فیها و یکون الدین کله لله ولو کره المشرکون و نماند در روی زمین بقعه و مکانیکه

المشرق والمغرب و بلغ ...
عزوجل دینه ولو کره المشرکون
نماند در زمین عبادت ...
و نازل شود عیسی بن مریم و نماز
کند خلف آنحضرت عرض شد
عرض شد چه زمان ظاهر شود قائم
شما فرمودند وقتی که مردان
شبیه بزنان و زنان شبیه بمردان
شوند و مردان بمردان و
زنان بازنان کفا کنند
بلواط و مساحقه مشغول شوند و زنان
بر زینها سوار شوند و شهادت زور
و دروغ قبول کنند و شهادت
عدول را رد نمایند و ...
آسان شمارند و ...
ربا را حلال ببینند و ...
شود ... لسانهای

آنحضرت است پس در نزد آن خروج قائم ما باشد پس چون ظاهر شود پشت به
کعبه گذارد و سیصد و سیزده نفر دور آنحضرت جمع شوند پس اول کلامیکه بفرماید
این آیه را تلاوت کند که بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین پس بفرماید منم بقیة الله و
حجة الله بر شما پس مسلمی [illegible] سلام کند مگر آنکه گوید السلام علیک یا بقیة الله فی
ارضه پس چون [illegible] ده هزار نفر شوند ظاهر شود و خطبه نماید پس باقی نماند در
[illegible] خیر [illegible] عزوجل [illegible] صنم و غیر آن الا آنکه آتش در آن واقع
[illegible] و ذلک بعد غیبة طویلة [illegible]
[illegible] کیست که اطاعت [illegible] غیب
[illegible] و دیگر بیان آنکه شیخ مفید [illegible]
[illegible] روایت کرده که گفت [illegible] چون [illegible] آن
[illegible] حضرت بمن فرمود یا حمزه [illegible] یا ابا محمد
فیما [illegible] قال [illegible] التابع
من بعدی [illegible] الارض عدلا کما ملئت ظلما و جورا [illegible] بتصریح است
[illegible] حضرت قائم از امورات حتمیه است که البته در آن واقع میشود و هر کس شک
کند و احتمال بدا دهد کافر بخداوند عالمیان است پس اینفرقه کفره فجره بصریح قول
حضرت کافر و مرتد زیرا که قائل به بدا شده و غیر او را امام دانسته اند آیه دوم
در سوره انفال وقاتلوهم حتی لا تکون فتنة و یکون الدین کله لله یعنی بکشید ایشانرا
تا نبوده باشد فتنه یعنی شرکی و بوده باشد دین تمام آن از برای خدا و ادیان باطله
منسوخ شود و بر همین مضمون از کافی از حضرت باقر روایت کرده که فرمود هنوز

سعید بوده‌اند و علامات پیشتر از ظهور و وقت ظهور و بعد از ظهور و علامات ظهور حضرت و نسب او و پدرش و [illegible] و امثال آنها که بسیار است بیان کرده‌اند محض هدایت تو و اتمام حجت بر اهل بدعت و ضلالت پس تو بر خودت رحم کن و همیشه اهل بدع و ضلال بوده‌اند در زمان دنیا دوست و محب ریاست و جاه و جدل و اهل شقاق و نفاق بوده‌اند اینها عجب و تازگی ندارد پس تأمل کن در احوال ایشان زمان غیبت صغری **و از ارشاد** مفید رضه از آنحضرت روایت کرده است که فرمود که چون قائم [illegible] بسوی اسلام در حالتیکه تازه باشد یعنی در نظر [illegible] داشته باشد و هدایت [illegible] ایشان را بسوی امریکه تحقیق کهنه شده باشد و [illegible] خلق را [illegible] و جز این نیست که نام گذارده شده آن مهدی [illegible] بسوی امریکه خلق از آن گمراه شده‌اند و نام گذارده شده [illegible] اما حق نیاید عرض تسلیم در نیست در احادیث تأمل [illegible] و قضا و جدید که در خبر دیگر است که آنحضرت [illegible] میکند اسلام را بعد از [illegible] و میباشد دعوت آنحضرت مردم را بسوی امری تازه بجهت آنکه غالب آنها در احکام و سنن گمراه شده‌اند و آنها را ترک نموده‌اند و بدع و ضلالات را ظاهر نموده‌اند چنانچه فرمود بدا [illegible] پس بعد از آنکه جمهور از اهل اسلام گمراه شده‌اند دعوت کردن ایشان بسوی آن البته تازه میباشد **و از اکمال و عیون** و امالی صدوق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود امامان بعد از من دوازده نفر میباشند اول ایشان تو یا علی و آخر ایشان القائم الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق الارض و مغاربها در [illegible]

تمام باقاً بامر خدا او هادی دین او بود بشم و لکن نفاق باکی میکند زمین را از کفر و [illegible] میکند از عدل و قضا چنانچه پست که مخفی است بر مردم ولادت او و غایب میشود از ایشان شخص او حرام است بر مردم بردن نام او و او است همنام رسول خدا و هم کنیت آنحضرت و او است کسیکه زمین برای او پیچیده میشود و هر صعب برای او سهل و آسان میشود و از نزد او جمع میشوند بعدد اهل بدر سیصد و سیزده نفر از اقصی بلاد و این است قول خدای عز و جل اینما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر پس چون این عدد

کردم چطور میفهمد که خدا راضی شده است حضرت فرمود القاء میفرماید رحم را در دل آنحضرت پس چون داخل مدینه شود لات وعزی را بیرون آورد و هر دو را بسوزاند و در کتاب غیبت نیز این حدیث را روایت کرده است عرض میکنم ای برادر اکمل اول تا باخر این خبر را نیکو تامل کن که چگونه حضرت جواد ع قائم در اخبار را مخصوص میگرداند با آنحضرت با آن صفات پس دیگر چه شبهه باقی است در بطلان و فساد میرزا علی محمد شیرازی که عدل را برپا داشت کی عالم را مسخر کرد دیگر این خبر را که بهیچوجه تاویل بردار نیست زیرا که صریح است که حضرت میفرماید لایزال اعداء الله را میکشد عجب اینجا است که اینگونه اخبار صحیحه صریحه با کثرت بل تواتر لا اقل من المعنی و تطابق آن با آیات محکمه قران را تاویل میکنند و اخبار بی اصل چند را اخبار قطعیه نام میگذارند و حال آنکه آن اخبار هم مبطل ایشان است نه مثبت علاوه همان اخبار که اخبار قطعیه میگویند صدر و ذیل و وسط آنها را حذف و اسقاط میکنند چنانچه در همین کتاب اشاره کرده ایم پس نیکو تامل کن و اول تا باخر همان اخبار را پیدا نموده ملاحظه کن که بنص همان اخبار مفتضح میشوند اینکه پیش عوام قدری فکر و فهم بکار نمیبرند و میدانستند وسوسه و مکرهای این فرقه مضله را و عاقبت خود را خراب نمیکردند نه اینکه بگمان تو برسد که این اخبار را ذکر میکنند و بعد در مقام تاویل بر میآیند چنین است بلکه اینها را از عوام پنهان میدارند و بمجرد لفظ که اخباری که دلالت دارد بر بطلان باید تاویل نمود غافل از آنکه میان ظاهر و باطن و تاویل و تفسیر بکلی نوع ارتباطی باید بوده باشد نه آنکه ضدیت و نقیضیت در میان آنها باشد از دیگر آیه شریفه است که در سوره نور میفرماید

وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف ... خلفاء

سلطنت ظاهره آن حضرت

چنین نخواهید کرد و در تفسیر صافی از تفسیر قمی و در بحار از همان تفسیر و از کتاب کنز روایت
کرده اند که آیه شریفه نازل شده است در بارهٔ قائم ع و بعض از پیغمبر باید تبدیل خوف
ایشان به امن میباشد بقائم یا مجموع آن حضرت است پس منافی نیست در آن و از
مجمع البیان گوید که از اهل بیت روایت شده است که آیه در بارهٔ مهدی از آل محمد است
و عیاشی روایت کرده است از حضرت سید سجاد ع که آنحضرت این آیه را تلاوت
کردند و فرمودند هم والله شیعتنا اهل البیت ایشان شیعهٔ ما هستند شیعیان اهلبیت
میباشند که خدا این امر را بسبب ایشان میآورد با ایشان حقی تبدیل خوف ایشان بامن برد بدست
مردی از ما و آن مهدی این امت است و او کسی است که حضرت رسول فرمود اگر باقی نماند
از دنیا مگر یک روز هر آینه خدا آن روز را طولانی گرداند تا والی شود مردی از عترت من که نام
او نام من است پر سازد زمین را از عدل و قسط چنانچه پر شده باشد از ظلم و جور
مجمع گوید مثل این حدیث از حضرت باقر و صادق علیهما السلام روایت شده است پس حاصل
آنست که خلفا و ائمهٔ هدی علیهم السلام میباشند و ایمن شدند شیعیان اند که در زمان
از اعدا ایمن میشوند و در قصهٔ نوح ذکر آیه شریفه میشود انشاء الله و در کتاب احتجاج از حضرت
امیر المؤمنین ع روایت شده است در حدیثیکه ذکر پیغمبر باید در آن شان لله را و
امهال الهی انشا را تا اگر پیغمبر باید کل ذلک تا تمام شود مهلت الهی که خدا آنرا قرار
داده است از برای ... خود ابلیس ... برسد بانتهای مهلت و تمام شود حجت بر
کافران و نزدیک شود وعدهٔ حقیکه خدا بیان فرموده است در کتاب خود که خدا
وعده داده است کسانیرا که ایمان آورده اند تا آخر آیه حضرت فرمود و آن در
وقتی است که باقی نماند از اسلام مگر نام آن و از قران مگر درس آن و غایب شود

اول ایشان علی بن ابی طالب و آخر ایشان مهدی امت من بود پس عرض کردم
یا رب ایشان اوصیاء بعد من میباشند ندا رسید یا محمد ایشان اولیاء من
دوستان من و اصفیاء من و حجج من میباشند بعد از تو بر تمام خلق من و ایشان
اوصیاء تو و خلفاء تو و بهترین از خلق من میباشند بعد از تو بعزت و جلال
خودم قسم است که هر آینه البته ظاهر میکردانم بواسطه ایشان دین خود را و بلند
میکردانم بسبب ایشان کلمه خود را و پاک میکردانم باخر ایشان زمین را از
اعداء خود را و مالک میکردانم آنحضرت را یعنی قائم را در مشارق زمین و مغارب
زمین و ریاح را مسخر او میکردانم و ابرهای سخت را رام او میکردانم و بالا میبرم
او را در اسباب و نصرت میدهم او را بلشکر خود و مدد میدهم او را بملائکه خود تا ظاهر
و آشکار اکرداند دعوت مرا و جمع نماید مردم را بر توحید من و بعد از آن طولانی
کردانم ملک و سلطنت او را و بکردانم ایام را در میان اولیاء خودم تا روز
قیامت الخبر عرض میکنیم که واجب است تأمل کردن و تدبر نمودن در چند مقام از
این حدیث شریف تا آنکه مطمئن شوند و از راه ضلالت حذر نموده در صراط ولایت
آل محمد علیهم السلام مستقیم باشند اول تصریح بائمه اثنی عشر دویم انحصار
امامان در اثنی عشر سیم پاک شدن زمین از اعداء دین در زمان ظهور چهارم
مالک شدن حضرت تمام مشارق و مغارب را و اینکه بلفظ و لاملکنه مشارق
الارض و مغاربها فرموده پنجم منصور بودن آنحضرت بجند الله و مؤید
بملائکة الله و هم چنین تا آخر حدیث تمام دلالت صریحه ظاهره دارد بر غلبه آنحضرت
بطوریکه تأویل در آنها ابدا راه ندارد پس بسیار دیده نخبر و امثال آن را اهل تحاما

سلطنت آنحضرت

ظاهر میکردانم بشتیت خودم و او را باسرار و ضمائر آگاه میکردانم باراده خود و امداد میکنم او را بملائکه خود تا یاری کنند او را بر انفاذ امر من و اعلاء دین من آنحضرت ولی من است حقاً و مهدی عباد من است صدقاً عرض میکنم این حدیث نیز تصریحات بغلبه و سلطنت آنحضرت دارد و الفاظ این اخبار با نصوص صحیحه دیگر امثال این نصوص و غیر آنها را در کتب عربی نفوذ مثل بهجة الأبرار و غیره ذکر نمودم

غرض از این رساله اشاره بنوع آن نصوص است

فی الوسائل قال النبی ص ایها الناس انه لا نبی بعدی و لا سنة بعد سنتی فمن ادعی ذلک فدعواه و بدعته فی النار فاقتلوه و من تبعه فانه فی النار ایها الناس احیوا القصاص و احیوا الحق لصاحب الحق و لا تفرقوا و اسلموا و سلموا تسلموا کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز و عن العیون قال ع شریعة محمد ص لا تنسخ الی یوم القیمة و لا نبی بعده الی یوم القیمة فمن ادعی نبیاً او اتی بعده بکتاب فدمه مباح لکل من سمع منه و فی معناه اخبار کثیرة و الحمد لله وحده وحده اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً چون تا اینجا طبع شد و مخارج تا کتاب تمام نبود اینرا جلد اول قرار دادم و جلد دویم از نوشته موجود است و طبع آن خیلی اهم است و ادعیه الهامیه نیز دارم که باید جهت معارضه با ادعیه نوح و امثال لوط اینها طبع

حرره الاحقر مؤلفه حسن الحسینی الکرکی فی ذیقعده الحرام ۱۳۲۵

سال ۱۳۲۸ خورشیدی